فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و دوم. تابستان ۱۳۹۸، صص۲۲۵-۲۱۱ Vol 3. No 32. 2019, p 211-225
شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸) ISSN: (2538-6395)

حق پاسخ در رسانه با نگاهی به حقوق امریکا و انگلستان

محمد شعیب عارفی
وکیل دادگستری و پژوهشگر دکتری حقوق عمومی پردیس کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران
Arefi.lawoffice88@gmail.com

چکیده
حق پاسخ بدین معنا است که چنانچه شخصی در رسانه، مورد تهاجم لفظی یا نقدی و هتک حرمت قرار بگیرد، این حق قانونی را خواهد داشت تا در شرایط خاص که در هر کشوری هم ممکن است متفاوت باشد، پاسخ خود را نسبت به آن هتک حیثیت و در همان رسانه ای که آن اظهارات بر علیه او ابراز گردیده، منتشر گرداند در این مقاله به مبانی این حق و تقابل آن با حق آزادی بیان پرداختیم و نظریات موافق و مخالفان را بیان داشتیم. همچننی قواعد حاکم بر حق مذکور و شناسایی آن در دادگاه‌های دو کشور امریکا و انگلستان را با تکیه بر ارای دادگاه های این دو کشور مورد تحلیل قرار دادیم. شناسایی این حق در حقوق انگلستان نه در قالب قانون بلکه در قالب قواعد کامن لا و بخشنامه‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است در حالی که در امریکا تشتت ارا در میان حقوقدانان و دادگاه به چشم می‌خورد و برخی تضمین این حق را در تضاد با حق آزادی بیان در اصلاحیه اول قانون اساسی این کشور می‌دانند.

واژه‌های کلیدی: حق پاسخ، آزادی بیان، حق ازادی اطلاعات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مقدمه

حق دسترسی آزادانه همگان به اطلاعات، از ضروریات شناخت شرایط محیط زندگی، برای رفع نیازهای اجتماعی و نگهبانی از مصالح و منافع عمومی سرچشمه گرفته است و تحقق آن، مستلزم آنست که امکانات تاسیس و فعالیت آزاد مطبوعات و سایر رسانه تامین و تضمین شوند و به همین جهت با توجه به آنکه آزادی مطبوعات همگان برای برخورداری از اطلاعات، با تدارک اخبار و گزارش‌های مورد انتقال و انتشار به وسیله نشریات دوره‌ای و رسانه‌های دیگر و از طریق روزنامه‌نگاران حرفه‌ای تحقق می‌یابد. وظیفه اصلی روزنامه‌نگاران آن است که اطلاعات صحیح، جامع، کامل در مورد تمام موضوعات و مسائل مربوط به نیازها و خواست‌های اجتماعی و منافع و مصالح عمومی در اختیار بگذارند و به عبارت دیگر موظفند تمام اطلاعاتی که شهروندان برای مشارکت فعال در زندگی یک جامعه مردم سالار به آنها نیاز دارند آماده سازند و به آنان عرضه کنند. بنابراین رسالت اجتماعی روزنامه‌نگاران برای آگاهی‌دهی درباره وقایع و مسائل زندگی جمعی و بازتاب تعامل عقلایی افکار و عقاید همگانی و تشریح و تفسیر و نقد آنها بر حق دسترسی آزاد همگان به اطلاعات و بر مبنای آن بر آزادی مطبوعات و سایر رسانه‌های استوار است. (معتمدنژاد، ۱۳۹۰: صص۱۲-۱۳)

پیدایش رسانه‌های عمومی، در کنار همه سودمندی‌ها، مشکلات و پرسش‌هایی را نیز به‌وجود آورد و به موازات توسعه و ارتقای توان این رسانه‌ها، مشکلات و پرسش‌های مزبور نیز بیشتر شد. یکی از این مشکلات، نادیده گرفته شدن حرمت و حریم خصوصی افراد است. رسانه‌ها با قدرت و نفوذی که دارند ممکن است که به اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت‌های نادرستی دهند که موجب کسر حیثیت و آبروی آنان شده و تحریف واقعیت به شمار آید. این در حالی است که زیان‌دیدگان، توانایی پاسخ و تصحیح را ندارند.

انتشار اطلاعات نادرست و گمراه کننده علیه اشخاص خصوصی و عمومی، از جمله دولت‌ها ضمن آنکه می‌تواند ناقض «حق دسترسی به اطلاعات صحیح» باشد، واجد پیامدهای نامطلوبی در زیست اجتماعی ملی و بین‌المللی است. به همین دلیل لازم است به دنبال اعتراض شخص زیاندیده، سازوکار «حق پاسخگویی» به جریان بیفتد. اهمیت این حق به عنوان یک حق اساسی و امکان انتشار اطلاعات نادرست از رسانه های فراملی موجب شده است تا حق پاسخگویی مورد توجه اسناد و رویه بین‌المللی هم قرار گیرد. بر همین اساس، پرسش مهمی که وجود دارد، رابطه آزادی اطلاعات و مسئولیت ناشی از آن است. (ضیایی، طباخی ممقانی، ۱۳۹۰: ص ۵۸)، از سویی باید حافظ اصل آزادی بیان و فعالیت رسانه‌ها بود و از سوی دیگر پاسداری از حقوق شهروندان را نیز نباید فراموش کرد. جمع بین این دو اهمیت زیادی خواهد داشت. برای حمایت از حقوق مخاطبان و جبران زیان آنان، علاوه بر حق شکایت، حق پاسخ را شیوه‌ای برای جمع بین دو اصل یاد شده دانسته‌اند. از این رو در این نگارش در پی بررسی مبانی حق پاسخ با نگاهی به ایالات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

متحده امریکا و انگلستان هستیم. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است. مبانی شناسایی حق پاسخ در رسانه چیست؟ اعمال آن در نظام حقوقی کشورهای امریکا و انگلستان به چه نحو است؟ در این راه با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی- توصیفی به بررسی موضوع پرداخته‌ایم.

۱. حق پاسخ: تعریف و تبیین

«حق پاسخ» بدین معنا است که چنانچه شخصی در رسانه، مورد تهاجم لفظی یا نقدی و هتک حرمت قرار بگیرد، این حق قانونی را خواهد داشت تا در شرایط خاص که در هر کشوی هم ممکن است متفاوت باشد، پاسخ خود را نسبت به آن هتک حیثیت و در همان رسانه‌ای که آن اظهارات بر علیه او ابراز گردیده، منتشر گرداند. (Barron, 2003: p.1) حق پاسخگویی مبتنی بر دو بخش است: انتشار خبر نادرست و ایجاد حق پاسخگویی برای ذینفع؛ چه ذینفع شخص خصوصی (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) باشد و چه شخص عمومی (اعم از دولت و سازمان‌های بین‌المللی)

حق پاسخ معمولاً در کنار مفاهیمی دیگر مانند «حق تصحیح» و «حق انتشار اطلاعات تکمیلی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که حق پاسخ مربوط به اصلاح گزارش‌هایی است که به آبرو، شخصیت و حریم خصوصی اشخاص مربوط می‌شود، صرفنظر از اینکه این گزارش‌ها منطبق با واقعیت باشند ویا خیر، حق تصحیح تنها در مواردی مطرح است که اثبات شود واقعیت جز آن چیزی است که منتشر شده است و لذا واقعیتی عینی برای تصحیح گزارش ارائه می‌شود. بر اساس حق انتشار اطلاعات تکمیلی اگر هویت شخصی که در جریان یک رسیدگی قضایی است به نحوی از سوی رسانه فاش شود که آن شخص قابل شناسایی باشد، وی این را حق خواهد داشت از که رسانه بخواهد نتیجه نهایی رسیدگی قضایی را منتشر کند. (ضیائی، طاخی ممقانی، ۱۳۹۰: ص ۶۰)

۲. مبانی حق پاسخ

در توجیه این حق، دو استدلال متفاوت ارایه گشته است: برهان اول بر این عقیده است که این حق، می‌تواند حمایت و محافظت موثرتر و شایسته‌تری از حیثیت خدشه‌دار شده‌ی اشخاص به عمل آورد و در واقع از اشخاصی که نسبت به دیگر طرف، از موقعیت و نفوذ رسانه ای ضعیفی برخوردار هستند، حمایت می‌نماید. این ضعف (منظور از ضعف، عدم توانایی کافی شخص در دفاع از حیثیت و ابروی خود از طرق قانونی است) در مواردی رخ می‌دهد که شخص از هیچگونه قدرتی جهت شنیده شدن صدای اعتراض خود برخوردار نبوده، و یا در موارد خاصی که قانون، خود مصونیت ویژه‌ای برای برخی از شکایت کیفری مبنی بر افترا (هجویه) در نظر گرفته و بدین شکل شخصی را که مورد هتک حیثیت قرار گرفته از حمایت خود محروم می کند، کارایی دارد (Fleming, 1978: p. 16) .

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

همچنین این نظر مورد قبول همگان قرار گرفته که جزای نقدی نمی‌تواند به شکل موثری ابرو و حیثیت خدشه‌دار شده‌ی افراد را، جبران نماید. لذا این «حق پاسخ» برای آنان در نظر گرفته می‌شود. هرچند که نیازی نیست در «حق پاسخ» همان میزان اعلانی که برای اظهارات هجویه‌ی اولیه در نظر گرفته شده بود، در نظر گرفته شود و حتی ممکن است مدت‌ها پس از آن که آن هجویه (به اصطلاح زهر خود را ریخت) و هتک حیثیت نمود، اعمال گردد. (Ibid : p. 15) در واقع «حق پاسخگویی» می‌تواند ابزار موثر تری را در جهت بازگرداندن اعتبار و حیثیت خدشه‌دار شده‌ی اشخاص، برای آنان فراهم آورد.

استدلال دوم در خصوص توجیه «حق پاسخگویی» حتی قوی‌تر از استدلال اول به نظر می‌رسد. این برهان، مناظرات علنی و پرتنشی که ممکن است منجر به خشونت لفظی گردد را مورد توجه قرار می‌دهد که به هر حال هر جامعه‌ی دموکراتی می‌بایست آن را برگزار کند. یکی از نویسندگان، رای معروف پرونده‌ی «New York times» علیه «Sullivan» را که یک نوع دفاع و حمایت حقوقی جدیدی را برای رسانه‌ها در مقابل شکایات هتک حیثیت از آنان، تدارک دید، رای بسیار جالبی می‌داند، چراکه تحت عنوان «مناظره‌های علنی، صریح و پرتنش»، توازن فرایند رسانگری را به هم ریخت. طبق نظر وی، این قاعده‌ی حقوقی که در این پرونده وضع گردید تنها باعث میشود که آزادی بیان برخی افراد معدود در رسانه، بیشتر تداوم یابد و به نوعی دایمی گردد (Barron, 1967: p. 1656) همچنین برخی حمایت‌های حقوقی نیز در سایر کشورها (البته نه به شدت پرونده‌ی Sullivan) برای نشریاتی که در راستای منافع عمومی کار می‌کنند، وضع گردید.

این حمایت‌ها اگرچه رسانه‌ها را در جهت ایفای نقش «مراقبتی- نظارتی» که برعهده دارند، بیشتر ترغیب می کند، لکن نمی‌تواند به موضوع اصلاح دروغ پردازی‌های انتشاراتی کمک شایانی گرداند. بدون وجود «حق پاسخگویی» احتمال باقی ماندن یک بیانیه‌ی کذب به عنوان تنها منبع اطلاعاتی در خصوص موضوع مربوطه، بسیار زیاد است (حداقل در همان روزنامه‌ای که آن را منتشر کرده). لذا خوانندگان و عموم مردم جامعه می‌بایست این حق را داشته باشند تا از حقایق راستین هر رویدادی مطلع گردند و نظر شخصی که مورد تهاجم انتقادی قرار گرفته است را هم در خصوص آن موضوع بدانند. (Baker, 1989: p.30)

البته بدیهی است که در خصوص اشخاص دولتی، همواره فرصت شنیده شدن صدای آنها (و انتشار اظهارات آنان) در حوزه‌ی مباحث دولتی وجود دارد، لکن موضوع این است که ممکن است بسیاری از مردم تنها یک نشریه‌ی خبری اعم از روزنامه یا برنامه‌ی تلویزیونی را بخوانند یا تماشا کنند، و بدین صورت مطالب وی[1] (با توجه به نداشتن حق پاسخگویی) تحریف گردد. توضیح آنکه با توجه به شرایط برخورداری از حق پاسخ که در بالا بیان شد، از انجا که شخص دولتی از آن برخودار نیست، لذا نمی‌تواند

۱- آن شخص دولتی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

لزوما در همان نشریه خبری پاسخ خود را منتشر کنند، و ممکن است دنبال‌کنندگان خاص آن نشریه، هیچ گاه از پاسخ آن شخص مطلع نگردند هدف اصلی «حق پاسخگویی» این است که انتشار عقاید اکثریت نسبی را در مناظرات دولتی در رسانه‌ها، و در جایی که طرفین از ابزار رسانه‌ای برابری برخوردار نیستند، تضمین نماید. این حق نه تنها حقوق شخصی و حیثیت را در برمی‌گیرد، بلکه حقوق عمومی را هم مدنظر قرار می‌دهد: ضرورت آگاهی دادن به مردم در وسیعترین محدوده‌ی ممکن، و همچنین ضرورت در دسترس قراردادن منابع گوناگون خبری برای آنان، موضوع تعهد به «انتشار پاسخ» را توجیه می‌کند. (Sunstein, 1994: p. 137)

۳. مناقشات پیرامون حق پاسخ

حق پاسخگویی در نگاه اول، با چند حق بشری در تعارض است: «حق دسترسی به اطلاعات» «حق آزادی بیان» «و حق آزادی مطبوعات».

اما اولاً باید توجه داشت که این حقوق از حقوق نسل اول بشری محسوب میشوند که با ترک فعل دولت (عدم مداخله دولت) محقق می‌شوند؛ اما برای تضمین اجرای حق پاسخگویی، همچون حقوق نسل دوم بشری، نیاز به مداخله فعالانه دولت در آن وجود دارد.

ثانیاً در صورتی که یک رسانه مستقل نبوده، بلکه دولتی باشد، حق پاسخگویی به عنوان امتیازی برای شهروندان در برابر حاکمیت محسوب می‌شود که خود امری حقوق بشری خواهد بود. (ضیایی و طباخی ممقانی، ۱۳۹۰: ص. ۶۱)

هرچند حملات انتقادی گسترده‌ای در مورد هر گونه بحث در خصوص مطرح کردن «حق پاسخگویی» در کشور انگلستان و ایالات متحده وجود دارد، به ویژه این بحث مطرح می‌شود که «حق پاسخ» نه تنها باعث تقویت گفتمان عمومی نمی‌گردد، بلکه دلیل ترس رسانه‌ها از ایجاد حق پاسخ و هزینه‌های مجدد آن آن را سردتر و ضعیف‌تر می‌کند. (Price, 1996: p. 3) این حق بی‌شک، محدودیتی برای آزادی بیان رسانه‌ها محسوب می‌شود (به ویژه آزادی بیان ویراستار). تعهد به انتشار پاسخ (حق پاسخ شخص)، بار سنگینی را بر دوش رسانه‌ها، در غالب هزینه‌های اضافی و از دست دادن سود ایده‌آل، به جا می‌گذارد و لذا وجود احتمال این ضرر برای آنها باعث می‌شود که آنان از انتشار هرگونه بیانیه و متن جنجالی و مشاجره انگیز خودداری کرده، چرا که ممکن است احتمال تقاضا برای اعمال «حق پاسخگویی» به آن، از سوی اشخاص مورد خطاب، برود (Blasi, 1977: p. 521) از این رو رسانه‌ها مجبورند بیانیه‌ها و گفته‌هایی را انتشار کنند که برای خودشان نبوده (و از جانب خودشان نبوده) و حتی ممکن است با آن موافق هم نباشند. بحث درباره‌ی «ترس بازدارنده» نیاز به توضیح بیشتر دارد. این بحث، آزادی بیان رسانه را به عنوان یک حق شخصی برای ویراستار و یا صاحب نشریه مورد ملاحظه قرار می‌دهد. لزوما صاحب نشریه باید از این حق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

برخودار باشد تا نقدهای تندی را در خصوص اعمال دولت، در نشریه خود منتشر کند، اما این که آیا این حق را دارد تا از انتشار پاسخ شخص مورد انتقاد یا هجو قرار گرفته، به آن مطالب نیز در نشریه خود، خودداری کند یا خیر نیز موضوعی قابل تامل است. اگر آزادی بیان رسانه را به عنوان حقی در نظر بگیریم که مستلزم نوعی مسولیت اجتماعی (به عنوان صدای جامعه) است، و همچنین از همه مهتر اینکه دارای وظیفه‌ی اطلاع‌رسانی اخبار مهم به مردم می‌باشد، بنابراین «ترس بازندارنده‌ی» ناشی از ایجاد حق پاسخگویی نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد. اگرچه همواره شاهد وجود نوعی مقاومت شدید رسانه‌ها در مقابل اقدامات مداخله‌گرانه‌ی دولت در امورشان هستیم و این موضوعی طبیعی است، لکن باید پذیرفت که جهان امروزی رسانه‌ای به تنهایی نمی‌تواند خدمات لازمی را که باید در این عرصه به مردم ارایه دهد، بدون مداخله‌ی دولت به عنوان یک عنصر تنظیم‌کننده، به سرانجام برساند. (Barendt, 1991: p. 71)

همانطور که یکی از نویسندگان اظهار می‌دارد: این عقیده که وجود وظیفه‌ی انتشار پاسخ اشخاص (در غالب اعمال حق پاسخ) باعث بی‌انگیزگی و عدم تمایل نشریات به چاپ مطالب جنجال آمیز می‌شود، تنها یک گمانه‌زنی است و لزوما صحیح به نظر نمی‌رسد. همچنین این بحث که «حق پاسخ» باعث محدودیت مناظرات علنی می‌شود نیز کمی عجیب و غیرقابل قبول به نظر می‌رسد، چراکه اتفاقا این «خودداری از انتشار پاسخ» طرف دیگر است، که باعث می‌شود تا تنوع و دایره‌ی نقطه نظرات و عقاید مختلف دیگران، محدودتر و کمرنگ‌تر شود. (Sadurski, 1999: p. 82) همچنین وی معتقد است که به همین نسبت، می‌توان اذعان کرد که انتشار پاسخ به مطالب شماره چاپ‌های پیشین و در راستای اعمال حق پاسخگویی می‌تواند برای خیلی از خوانندگان نشریات، جالب و جذاب باشد و اتفاقا این موضوع به بالارفتن تیراژ روزنامه‌ها و مجلات نیز کمک شایانی می‌کند.

نویسنده دیگری نیز این‌گونه بحث می‌کند که: به نظر می‌رسد قانون «حق پاسخگویی»، به ظاهر با «حق آزادی بیان» سازگار و متناسب نمی‌باشد. در واقع همه چیز بستگی به این دارد که نتایج این قانون در عمل به چه صورت باشد؟ اگر چنانچه این قوانین باعث تقویت و ارتقای مناظرات علنی (صریح و جنجالی) شود، می‌توانند توجیه‌پذیر و قابل قبول باشند. (Scanlon, 1990: p. 350)

اصلی‌ترین دلیل مخالفت با حق پاسخ، یعنی همان احتمال اثر بازدارنده و دلسردکننده‌ی آن[1]، دغدغه‌ی اساسی‌ای برای محاکم قضایی به شمار نمی‌رود. بسیاری از مفسران حتی به جرات بیان داشته‌اند که این قوانین هیچگونه تاثیر بازدارنده‌ای که بحث و گفتمان درباره‌ی موضوعات عمومی- دولتی را رو به سردی ببرد، ندارد و این موضوع را نفی می‌کنند. (SEDLEY, 2000: p.243) در واقع وجود یک سری تضمین‌هایی که در قانون به آن اشاره شده، باعث می‌شود تا این موضوع اتفاق نیفتد: مثلا اینکه پاسخ‌ها

۱- توضیح مترجم: منظور پرهیز از انتشار مطالب یا گفتمان صریح وآزاد به خاطر ترس از ایجاد حق پاسخ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

می‌بایست بیشتر و طولانی تر از مطلب اصلی نباشد، ولی آن روزنامه نیز باید به آن اهمیت مساوی و متناسب با متن اصلی دهد. در اکثر کشورها می‌بایست این پاسخ محدود به حوزه‌ی همان ادعای اولیه باشد و از چهارچوب آن مطلب اول خارج نگردد و عقیده‌ی شخصی را هم شامل نمی‌گردد. اعمال «حق پاسخ» معمولا تاثیری بر اعمال سایر راهکارها و پیش‌بینی‌های قانونی ندارد، لکن در برخی کشور ها، اعمال این حق باعث می‌شود تا میزان جزای نقدی مربوطه نیز کاهش یابد (Coliver, 1993: p. 272) چنانچه هر گونه گزارش واقعی از اشخاص چاپ گردد که آنها را مورد یک قضاوت منفی قرار دهند (نه لزوما مطلب خلاف واقع، بلکه صرفا در یک موضع منفی قرار دهند)، به آن شخص به طور خودکار «حق پاسخگویی» تعلق می گردد.

در دیگر کشورها نیز اشخاصی که مورد تهاجم (گفتاری- انتقادی) قرار گرفته‌اند، می‌بایست اثبات کنند که آن ادعاها خلاف واقع و یا منجر به هتک حرمت و حیثیت گشته است. (Craufurd Smith, 1997: p. 201) این موضوع در واقع ضعیف‌ترین شکل «حق پاسخ» تلقی می گردد. چنانچه متقاضی حق پاسخ ادعا کند که آن گفته‌ها یا گزارشات خلاف واقع بوده، معمولا بار اثبات خلاف آن، بر عهده‌ی آن روزنامه می‌باشد. این قاعده با اصول حقوقی اروپایی هتک حرمت نیز مطابقت دارد. (البته اگر اصلا چنین اصولی هم اکنون وجود داشته باشد) McVicar v. UK (2002) decision by the European Court of (Human Rights, 35 EHRR 22.

حق پاسخ معمولا در خصوص محتوای رسانه‌های الکترونیک نیز وجود دارد، لکن قوانین پخش رسانه‌ای، بیشتر تمایل دارد تا تعهدات و وظایفی را که خود پیش‌بینی می کند برای شبکه‌های رسانه‌ای اعمال کند. مواردی نظیر «بی‌طرفانه و بی‌غرض بودن» و «دقت» (در پخش مطالب) همان مقصود و تاثیر قوانین حق پاسخ را دارند. هرچند نقض این موارد و مقررات (مثلا از طریق پخش گزارشات و مطالب منجر به هتک حیثیت اشخاص) مانع اعمال حق شکایت در دادگاه در خصوص این موضوع در صورت عدم پذیرش حق پاسخ، نمی‌باشد. با این وجود، ارگان‌های گوناگون تنظیم‌کننده‌ی پخش ملی می‌توانند تحریم‌هایی را علیه متخلفین وضع نمایند. از این رو است که درخواست‌ها، حق پاسخ غیرمستقیم نامیده می‌شود. همان طور که می‌بینیم، این نوع حق پاسخ غیرمستقیم در کشور انگلستان هم وجود دارد. در واقع این موارد درصدد دست یافتن به همان نتایج حق پاسخ صریح هستند، اگرچه که هنوز از لحاظ فرایند تصویب و لازم الاجرا شدن قانونی نگذرانده‌اند. حال به بررسی دونظام حقوقی امریکا و انگلستان در باب حق پاسخ می‌پردازیم:

۵. حق پاسخ در ایالات متحده امریکا

اولین رای قابل توجه در خصوص «قانون حق پاسخ» توسط دیوان عالی امریکا در پرونده‌ای میان ریا Red lion Broadcasting و FCC صادر گردید. دادگاه عالی در این پرونده، نظر دکترین حقوقی در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

خصوص تجویز کمیسیون رسانگری فدرال را با قانون اساسی مطابقت داد، که طبق این دکترین، می‌بایست یک سری موضوعات عمومی- دولتی در ایستگاه های رادیویی- تلویزیونی پخش گردد و هر یک از طرفین این مباحث از پوشش خبری منصفانه و قابل قبولی برخوردار گردند. (395 U. S. 367 (1969)

این موضوع نیازمند یک عنصر ویژه هست، که همان «حق پاسخگویی» طرفین می‌باشد، بدین معنا که هنگامی که در حین یک بحث جنجالی و مناقشه انگیز، شخص یا گروه خاصی درباره صداقت، شخصیت، درستکاری، و سایر ویژگی‌های شخصیتی مورد تهاجم (انتقادی-گفتاری) قرار می‌گیرد، به آن شخص یا گروه فرصت پاسخگویی داده می‌شود. تعهد مذکور - منظور تعهد به دادن فرصت پاسخ به شخص مورد خطاب است در جایی که نظرات یک نامزد سیاسی مورد حمایت یا مخالفت قرار می‌گیرد نیز مطرح می‌شود، در این صورت ایستگاه رادیویی- تلویزیونی پخش‌کننده‌ی این برنامه، می بایست به نامزد انتخاباتی طرف دیگر یا مخالفین نامزدی که از در این برنامه حمایت شده، فرصت پاسخگویی بدهد. (Barron, 2003: p. 15) در این جا لازم است تا به رای این دادگاه استناد کنیم و آن را مورد بررسی قرار دهیم، چراکه در واقع می‌تواند چکیده‌ای از مباحثی باشد که در قسمت دوم ذکر گردید:

«این برنامه‌های گفتمان آزاد در رادیو است که می‌تواند از منافع و حقوق مردم به طور کلی حفاظت و حمایت کند و این حق مشترک همه آنها است که عملکرد رسانه‌ها متناسب و در راستای اهداف «اولین اصلاحیه قانون اساسی»[1] باشد. حقوق شنوندگان و بینندگان در ارجحیت می باشد و از هر چیزی مهمتر است. نمیتوانیم بگوییم که نیاز به یک برنامه رادیویی- تلویزیونی جهت پاسخ به حملاتی (گفتاری) که در جریان مباحثات جنجالی اتفاق می‌افتد، مغایر با اهداف «قانون فوق» است در غیر این صورت (یعنی عدم وجود حق پاسخ)، صاحبان شبکه‌ها و برنامه‌های رادیویی- تلویزیونی اختیاری نامحدود و کاملا آزاد پیدا خواهند کرد که تنها جدول برنامه‌های پخش خود را به کسانی اختصاص دهند که بالاترین پیشنهاد مالی را به آنها می‌دهند و با خط‌مشی آنها موافق هستند، و در نتیجه آنها نیز در موضوعات عمومی- دولتی تنها نقطه نظرات شخصی خود را به گوش مخاطبین می‌رسانند».

از دیدگاه دموکراتیک، رسانه‌های رادیویی- تلویزیونی به عنوان امین و معتمد مردم محسوب می‌گردند. در مجموعه آرایی که در راستای هدف «اولین اصلاح قانون اساسی» صادر گردیده، رای پرونده‌ی «RedLion» به شکل ویژه‌ای رخ می‌نمایاند، چرا که این رای، صراحتا حق جامعه را نسبت به حق شخصی افراد در خصوص آزادی بیان، مهمتر و در ارجحیت می‌داند. این موضوع در دادرسی این پرونده بسیار جالب به نظر می‌رسد که تنها بعد از پنج سال از رای دادگاه، مجددا این دادگاه به اتفاق آراء و حتی بدون هیچ استنادی به قضاوت صورت گرفته در پرونده‌ی «Red Lion»، قانون مصوب فلوریدا را از اعتبار

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

انداخت و آن را نادیده گرفت، قانونی که نشریات (روزنامه‌ها و مجلات) را ملزم دانسته بود تا به نامزدان ادارات سیاسی که شخصیت، یا سابقه‌ی اداریشان مورد تهاجم انتقادی قرار گرفته، حق پاسخگویی بدهد. (Miami Herald Publishing v. Tornillo, 418 U. S. 241 (1974)) به نظر می رسد قسمت نخست این رای در جهت حمایت از قانون حق پاسخگویی می‌باشد (همانند رای پرونده‌ی Red Lion):

در قسمت نخست این رای اینگونه آمده که: «روزنامه‌ها از موقعیت تجاری قابل توجهی برخوردارند و هیچ وسیله‌ی دیگری توان رقابت با نشریات را ندارد چراکه آنها از قدرت و نفوذ چشمگیری در تبدیل یک نظر یا عقیده به نظر ارجح و مورد قبول همگان برخودار هستند. (در نتیجه می‌توانند با استفاده از قدرت رسانه‌ای خود آنگونه که می‌خواند دیدگاه خود را به دیدگاه غالب مردم جامعه تبدیل سازند.) بعد از این پرونده، دادگاه در پرونده‌ای دیگر به نفع نشریات مستقل رای صادر کرد:

«اعمال راهکار ها و پیش‌بینی‌های لازم‌الاجرایی مانند حق دسترسی به رسانه برای پاسخ قطعا تضادهایی را با محتوای مواد اصلاحیه اول قانون اساسی پدید می‌آورد و با آن منافات پیدا می‌کند . . . الزام کردن ویراستاران و ناشران به انتشار اینکه بگویند به چه دلیل نباید (فلان مطلب) منتشر گردد نیز در این جا محل بحث است. قانون (نظام‌نامه‌ی) فلوریدا که به عنوان قانون تصمیم‌گیرنده در این خصوص عمل می‌کند ناشران را از انتشار برخی مطالب خاص منع می‌نماید. قانون فلوریدا نیز نمی‌تواند موانع اصلاحیه قانون اساسی را از میان بردارد، چرا که در امور ویراستاران دخالت می‌کند». این دو رای به شکل قابل توجهی جنجال برانگیز هستند. کمبود طیف تکنولوژی‌های مختلف که در آن زمان تعداد شبکه های رسانه ای را محدود کرده بود، نمی‌تواند این ابهام را حل و فصل کند. همانطور که به درستی نیز تشخیص داده شده بود، در امریکا ایستگاه‌های رادیو و تلویزیون از جراید روزانه نیز بیشتر بودند، حتی در دهه‌ی هفتاد. (Powe, 1976: 55-56)

بسیاری از مفسران رای پرونده‌ی «Mismi Herald» به عنوان پیروزی آزادی بیان نشریات، جشن گرفته و آن را ستودند و همچنین دادگاه پرونده «Red Lion» را به خاطر اشتباه مخرب‌اش مورد سرزنش قرار دادند. (Karst, 1975: p. 20) آنها اینگونه اظهار داشتند که عرصه‌ی رسانه‌ای آزاد حتی با شکست‌های بزرگ، از یک عرصه‌ی رسانه‌ای که توسط دولت تنظیم و کنترل شود بهتر و ارجحتر است. این بی‌اعتمادی به دولت ریشه در نظریه‌ی اصلاحیه اول قانون اساسی دارد: ظاهرا این اصلاحیه به شکل جدی خطر احتمال سانسور محرمانه را در خصوص ازادی بیان رسانه‌ها مدنظر قرار نداده است.

سایر پژوهشگران اصلاحیه اول قانون اساسی، رای پرونده‌ی «Red Lion» را مورد ستایش و رای پرونده‌ی «Miami Herald» را نادرست تلقی می‌کنند. آنان معتقدند که در حصول اطمینان از اینکه طیف متنوعی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

از نقطه نظرات مختلف برای مردم در موضوعات عمومی- دولتی مهیا گردد برای انجام امور دموکراتیک لازم و ضروری است و لذا این هدف، مداخله‌ی دولت را در امور رسانه‌ای توجیه می‌کند. (Sunstein, 1994: 137) به نظرمی‌رسد نظریه‌پردازی که معتقد باشند هم رای پرونده‌ی «Red Lion» و هم رای Miami Herald هر دو درست و صحیح است وجود نداشته باشد. نویسنده‌ای نظریه خود را در خصوص قانون الحاقی اول بر این اساس تفسیر کرد که بهتر است بین برنامه‌های رادیویی- تلویزیونی و مطبوعات، تفکیک قایل شد. (Bollinger, 1976: p75)

۶. «حق پاسخگویی» در انگلستان

اگرچه تلاش‌هایی در این زمینه برای مطرح کردن حق پاسخگویی در قوانین انگلیسی صورت گرفت (مثلا اخرین بار در فوریه ۲۰۰۵ در قضیه حق پاسخ و نشریه «standards Bill»)، لکن هیچگاه این موضوع راه به جایی نیافت. با این وجود، برخی مقررات یا قواعد تراضی شده‌ای وجود دارد که مشابه این موضوع است و یا نیاز به رسمیت شناختن حق پاسخگویی دارد. بند دو مجموعه قواعد کمیسیون شکایات از رسانه‌ها، تمامی روزنامه‌ها را ملزم به دادن حق پاسخگویی می‌کند. این بند اشاره می‌دارد: در هر جا که به شکل معقولی لازم و ضروری باشد، می‌بایست فرصتی مناسب جهت پاسخگویی به مطالب اشتباه یا نادرست به اشخاص مورد خطاب، داده شود. «حق پاسخگویی» یک مقرره‌ای از بند ۴ مجموعه قوانین اتحادیه ملی مجلات می‌باشد که اشاره می‌دارد: «یک روزنامه نگار (ژورنالیست) می‌بایست فورا مطالب نادرستی را که به منتشر کرده، اطلاح و تصحیح کند». این قوانین، از لحاظ قانونی دارای ضمانت اجرا نمی‌باشند چرا که قواعدی است که تنها از جانب صنعت رسانه‌ای، مورد تراضی و تدوین قرار گرفته است (نه از سوی پارلمان).

در رسانه‌های رادیویی- تلویزیونی نیز بی طرفی و دقت کافی در صحت مطالب، از جمله مواردی است که قانون رعایت آن را از رسانه ها میخواهد. اگرچه عدم رعایت این موارد صراحتا باعث ایجاد حق پاسخگویی نمی‌شود، لکن پوشش خبری بی‌طرفانه در خصوص یک موضوع، خود به معنای این است که تمامی نظرات و عقاید در خصوص آن موضوع ارایه گردد، و لذا، نتیجه و خروجی آن چیزی شبیه به همان «حق پاسخ» خواهد بود.

مجموعه قوانین پخش رسانه‌ای (ofcom)[1]، تمامی مراکز پخش رسانه‌ای (رادیویی- تلویزیونی) را ملزم می‌دارد که چنانچه یک برنامه، ادعاهایی نادرست یا ناشایست نمود یا سایر اظهارات مهم در دیگر برنامه‌ها را نادرست تلقی کرد، آنهایی که مورد خطاب قرار گرفته‌اند می بایست از فرصتی مناسب و زمانی کافی

1- Set up under s. 326. of the Communications Act 2003, and the Broadcasting Act 1996, s. 107

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

جهت پاسخگویی، برخوردار گردند.[1] در صورت نقض این قوانین، ofcom این اختیار را دارد تا تحریم‌هایی علیه متخلفین وضع نماید. [2](۲۳) قوانین خود نوشته‌ی شبکه‌ی BBC نیز همچنین در قسمت «خط‌مشی‌های تهیه‌کنندگان برنامه‌ها»، این حق پاسخ را به رسمیت می‌شناسد.[3]

بنابراین این موارد همگی نشان می‌دهد که «حق پاسخ» در رسانه‌های رادیویی- تلویزیونی به شکل تنظیم شده‌ای وجود دارد لکن به صورت بخشنامه (نه مصوب پارلمان)، و در نشریات چاپی نیز عموما به عنوان یک وظیفه‌ی اخلاقی، به اجرا در می‌آید. اینها نمونه مقرراتی از قانون هتک حیثیت هستند که تا حدی زیادی شبیه به قوانین حق پاسخگویی هستند. طبق قانون هتک حیثیت ۱۹۹۶ [4]، چنانچه شاکی اثبات کند که از متهم به نحو شایسته‌ای خواسته تا در غالب یک نامه یا بیانیه و با ذکر دلیل توضیحاتی در مورد آن مطلب دهد یا آن را تکذیب کند، و وی از آن خودداری کرده یا آن را نادیده گرفته، متهم از حمایت و مصونیت ویژه‌ی قانونی، در این رابطه برخودار نخواهد گشت.[5] چراکه هیچ تلاشی در جهت توضیح یا تکذیب ادعای نادرست خود نسبت به شخص مخاطب: (شاکی) انجام نداده است.

در حوزه‌ی مصونیت مشروط کامن لا، که برای نشریات حامی منافع عمومی که در مطالب خود دارای خطا و لغزش اطلاعاتی می‌شوند و اخیرا نیز توسعه و گسترش بیشتری یافته[6]، زمانی یک روزنامه نگار از این امتیاز(مصونیت) برخودار می‌گردد که به شکل معقول و قابل پذیرشی دچار این خطا و اشتباهات گردد. (Reynolds v. Times Newspapers [2001] 2 AC 127) در قضاوتی که بر عهده‌ی "مج ردن" بود خطی‌مشی‌هایی را برای ارزیابی یک «روزنامه نگاری قابل قبول» ارایه داد. وی پیشنهاد کرد که برای اینکه قضات یک فرایند روزنامه نگاری را به شکل پاسخگو و قابل قبولی تلقی کنند، لازم است که ابتدا بررسی کنند که آیا «از شاکی خواسته شده بوده که در خصوص آن مطلب انتشار شده، اظهار نظری کند یا خیر» و همچنین آیا آن مقاله خلاصه ای از کلام شاکی را در آن مطلب آورده بوده یا نه» به هر حال هدف این قوانین به نوعی نایل شدن به همان اهداف «حق پاسخ» است و به نوعی شباهت به همان قوانین حق پاسخگویی دارد.(Ibid)

نتیجه‌گیری

«حق پاسخ» بدین معنا است که چنانچه شخصی در رسانه، مورد تهاجم لفظی یا نقدی و هتک حرمت قرار بگیرد، این حق قانونی را خواهد داشت تا در برخی شرایط خاص که در هر کشوی هم ممکن است متفاوت باشد، پاسخ خود را نسبت به آن هتک حیثیت و در همان رسانه‌ای که آن اظهارات بر علیه او ابراز

1- Ofcom Broadcasting Code, 7. 11.
2- Under Broadcasting Act 1990, s. 40–42.
3- See ch. 5. of the Code
4- s. 15. (2)
5- Part II. of Schedule
6- Reynolds v. Times Newspapers [2001] 2 AC 127.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

گردیده، منتشر گرداند حق پاسخ معمولاً در کنار مفاهیمی دیگر مانند «حق تصحیح» و «حق انتشار اطلاعات تکمیلی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در توجیه این حق دو استدلال متفاوت ارایه گشته است: برهان اول بر این عقیده است که این حق، می‌تواند از حیثیت خدشه‌دار شده‌ی اشخاصی که نسبت به دیگر طرف، از موقعیت و نفوذ رسانه‌ای ضعیفی برخوردار هستند، حمایت و محافظت موثرتر و شایسته‌تری به عمل آورد. دومین برهان، مناظرات علنی و پرتنشی که ممکن است منجر به خشونت لفظی گردد را مورد توجه قرار می‌دهد که به هر حال هر جامعه‌ی دموکراتی می‌بایست آن را برگزار کند بدون وجود «حق پاسخگویی» احتمال باقی ماندن یک بیانیه‌ی کذب به عنوان تنها منبع اطلاعاتی در خصوص موضوع مربوطه، بسیار زیاد است. لذا خوانندگان و عموم مردم جامعه می‌بایست این حق را داشته باشند تا از حقایق راستین هر رویدادی مطلع گردند و نظر شخصی که مورد تهاجم انتقادی قرار گرفته است را هم در خصوص آن موضوع بدانند.

اصلی‌ترین دلیل مخالفت با حق پاسخ، احتمال اثر بازدارنده و دلسردکننده‌ی آن است به این معنی که «حق پاسخ» نه تنها باعث تقویت گفتمان عمومی نمیگردد، بلکه به دلیل ترس رسانه‌ها از ایجاد حق پاسخ و هزینه‌های مجدد آن آن را سردتر و ضعیف‌تر می‌کند. بسیاری از مفسران حتی بیان داشته‌اند که این قوانین هیچگونه تاثیر بازدارنده‌ای که بحث و گفتمان درباره‌ی موضوعات عمومی- دولتی را رو به سردی ببرد، ندارد در واقع وجود یک سری تضمین‌هایی که در قانون به آن اشاره شده، باعث می‌شود تا این موضوع اتفاق نیفتد: مثلا اینکه پاسخ‌ها می‌بایست بیشتر و طولانی‌تر از مطلب اصلی نباشد، ولی آن روزنامه نیز باید به آن اهمیت مساوی و متناسب با متن اصلی دهد و یا پاسخ باید محدود به حوزه‌ی همان ادعای اولیه باشد و از چهارچوب آن مطلب اول خارج نگردد و عقیده‌ی شخصی را هم شامل نمی‌گردد. همچنین در برخی از کشورها نیز اشخاصی که مورد تهاجم (گفتاری- انتقادی) قرار گرفته‌اند، می‌بایست اثبات کنند که آن ادعاها خلاف واقع و یا منجر به هتک حرمت و حیثیت گشته است.

در امریکا اما دو رای شاخص در موضوع مورد بحث، شمای کلی از وضعیت حق پاسخ و تقابل آن با ازادی بیان را به خوبی نشان می‌دهد اولین رای قابل توجه در خصوص «قانون حق پاسخ» توسط دیوان عالی امریکا در پرونده‌ای میان Red lion Broadcasting و FCC صادر گردید. دادگاه عالی در این پرونده، نظر دکترین حقوقی در خصوص تجویز کمیسیون رسانگری فدرال را با قانون اساسی مطابقت داد، که طبق این دکترین، می‌بایست یک سری موضوعات عمومی- دولتی در ایستگاه های رادیویی-تلویزیونی پخش گردد و هر یک از طرفین این مباحث از پوشش خبری منصفانه و قابل قبولی برخوردار گردند. اما در رای دیگر با تکیه بر اصلاحیه اول قانون اساسی و حق ازادی بیان دادگاه بیان داشت اعمال راهکارها و پیش بینی های لازم الاجرایی مانند حق دسترسی به رسانه برای پاسخ قطعا تضادهایی را با محتوای مواد اصلاحیه اول قانون اساسی پدید می‌آورد و با آن منافات پیدا می‌کند. ملزم نمودن ویراستاران و ناشران به انتشار اینکه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بگویند به چه دلیل نباید فلان مطلب منتشر گردد مخالف با قاون اساسی می‌باشد. در این باب حقوقدانان امریکایی نیز به دودسته تقسیم شده‌اند بسیاری از مفسران رای پرونده‌ی دوم را به عنوان پیروزی آزادی بیان نشریات، جشن گرفته و آن را ستودند و همچنین دادگاه پرونده «Red Lion» را به خاطر اشتباه مخرب‌اش مورد سرزنش قرار دادند. آنها اینگونه اظهار داشتند که عرصه‌ی رسانه‌ای آزاد حتی با شکست های بزرگ، از یک عرصه‌ی رسانه‌ای که توسط دولت تنظیم و کنترل شود بهتر و ارجح‌تر است. این بی اعتمادی به دولت ریشه در نظریه‌ی اصلاحیه اول قانون اساسی دارد، ظاهرا این اصلاحیه به شکل جدی خطر احتمال سانسور محرمانه را در خصوص آزادی بیان رسانه‌ها مدنظر قرار نداده است. در مقابل برخی از پژوهشگران، رای پرونده‌ی «Red Lion» را مورد ستایش و رای پرونده‌ی دوم را نادرست تلقی می‌کنند. آنان معتقدند که در حصول اطمینان از اینکه طیف متنوعی از نقطه نظرات مختلف برای مردم در موضوعات عمومی- دولتی مهیا گردد برای انجام امور دموکراتیک لازم و ضروری است و لذا این هدف، مداخله‌ی دولت را در امور رسانه‌ای توجیه می‌کند.

مطالعه حق پاسخ در انگلستان ما را به این نتیجه رسانده است که بند دو مجموعه قواعد کمیسیون شکایات از رسانه‌ها، تمامی روزنامه‌ها را ملزم به دادن حق پاسخگویی می‌کند. همچنن «حق پاسخگویی» یک مقرره‌ای از بند ۴ مجموعه قوانین اتحادیه ملی مجلات می‌باشد. این قوانین، از لحاظ قانونی دارای ضمانت اجرا نمی‌باشند چرا که قواعدی است که تنها از جانب صنعت رسانه‌ای، مورد تراضی و تدوین قرار گرفته است و نه از سوی پارلمان. در رسانه‌های رادیویی- تلویزیونی نیز بی طرفی و دقت کافی در صحت مطالب، از جمله مواردی است که قانون رعایت آن را از رسانه‌ها می‌خواهد. اگرچه عدم رعایت این موارد صراحتا باعث ایجاد حق پاسخگویی نمی‌شود، لکن پوشش خبری بی‌طرفانه در خصوص یک موضوع، خود به معنای این است که تمامی نظرات و عقاید در خصوص آن موضوع ارایه گردد، و لذا، نتیجه و خروجی آن چیزی شبیه به همان «حق پاسخ» خواهد بود. مجموعه قوانین پخش رسانه‌ای **(ofcom)** تمامی مراکز پخش رسانه‌ای (رادیویی- تلویزیونی) را ملزم میدارد که چنانچه یک برنامه، ادعاهایی نادرست یا ناشایست نمود یا سایر اظهارات مهم در دیگر برنامه ها را نادرست تلقی کرد، آنهایی که مورد خطاب قرار گرفته‌اند می‌بایست از فرصتی مناسب و زمانی کافی جهت پاسخگویی، برخوردار گردند. بنابراین این موارد همگی نشان می‌دهد که «حق پاسخ» در رسانه‌های رادیویی- تلویزیونی به شکل تنظیم شده ای وجود دارد لکن به صورت بخشنامه (نه مصوب پارلمان)، و در نشریات چاپی نیز عموما به عنوان یک وظیفه‌ی اخلاقی، به اجرا در می‌آید.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ضیایی، سیدیاسر، طباخی ممقانی، جواد، (۱۳۹۰)، حق پاسخگویی در رسانه در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۴

ـ معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۹۰)، تحولات مبانی حقوقی آزادی رسانه‌ها در عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۵. صص ۱-۴۴.

__ Barendt, Eric, (1991), Inaugural Lecture – Press and Broadcasting Freedom: does anyone have any Rights to Free Speech? Current Legal Problems ,44, 63.

__ BARENDT, Eric,(1993), Broadcasting Law – A Comparative Study. Oxford: Clarendon Press,

__ Barron, Jerome A, (1967), Access to the Press – A New First Amendment Right, Harvard Law Review , 80, 1641.

__ Barron, Jerome A, (2003), Rights of Access and Reply to the Media in the United States Today. Communications and the Law (2003) 25, 1.

__ Blaci, VINCENT, (1997), The Checking Value in First Amendment Theory. American Bar Foundation Research Journal , 521

__ Bollinger, Lee C, (1976), Freedom of the press and public access: toward a theory of partial regulation of the mass media, Michigan Law Review, 75, 1.

__ Coliver, Sandra, (1993), Comparative Analysis of Press Law in European and other Democracies. In Press Law and Practice – A Comparative Study of Press Freedom in European and other Democracies. Article 19 – International Centre Against Censorship

__ CRAUFURD SMITH, RACHAEL , (1993), Broadcasting Law and Fundamental Rights. Oxford: Clarendon Press.

__ EDWIN C. BAKER, Edwin c, (1989), Human liberty and freedom of speech. Oxford, New York: Oxford University Press.

__ Fleming, John, (1987), Retraction and Reply: Alternative Remedies for Defamation. University of British Columbia Law Review, 12, 15.

__ Karst, Kennetha A, (1975), Equality as a Central Principle in the First Amendment. University of Chicago Law Review, 43, 20. ;

__ Powe, Lucas A, (1976), Or of the (Broadcast) Press. Texas Law Review, 55, 39.

__ PRICE E, MONROE (1996), An Access Taxonomy. In ANDRÁS SAJÓ– MONROE E. PRICE (eds.): Rights of Access to the Media. Boston: Kluwer Law International,

__ SadurskI, Wojciech, (1999), Freedom of Speech and its Limits. Boston: Kluwer Academic Publishers.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

__Scanlon, Thomas M,(1990), Content Regulation Considered. In JUDITH LICHTENBERG (ed.): Democracy and the Mass Media. Cambridge: Cambridge University Press,
__ Sedley, Stephen, (2000), Information as a Human Right. In JACK BEATSON – YVONNE CRIPPS (eds.): Freedom of Expression and Freedom of Information. Essays in Honour of Sir David Williams. Oxford: Oxford University Press
__ SUNSTEIN, Cass R, (1994), A New Deal for Speech. Hastings Communications and Entertainment Law Journal, 17, 137
__ Miami Herald Publishing v. Tornillo, 418 U. S. 241 (1974)
__ Reynolds v. Times Newspapers [2001] 2 AC 127.
__ lion Broadcasting , FCC 395 U. S. 367 (1969).
__ New York Times v. Sullivan decision ,376 U. S. 254 (1964).
__ McVicar v. UK (2002) decision by the European Court of (Human Rights, 35 EHRR 22.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

واگذاری زمین.

۱- علل اصلاحات ارضی

علل و عوامل اصلاحات ارضی ایران را می‌توان به دو بخش اساسی تقسیم کرد: علل خارجی و علل داخلی

علل خارجی: از علل و عوامل خارجی موثر در اصلاحات ارضی ایران به چند مورد زیر اشاره می‌کنیم:

الف) شرایط جسمانی: گفته می‌شود اصلاحات ارضی ایران اصلاحاتی بود برای جلوگیری از طیغان قریب الوقوع توده مردم، و قصد از انجام ان این بود که انگیزه‌های انقلابی را در مردم کاهش دهد و آنان را از نظر سیاسی و اقتصادی خلع سلاح نماید. از این رو اجرای اصلاحات ارضی به منظور پیشگیری از انفجار داخلی، وسیله‌ای بود برای جلوگیری از جنبش‌های ملی در کشورهای روبه توسعه جهان، سیاست‌های خارجی برخی از کشورهای امپریالیستی جهان مانند آمریکا، نیز در تعقیب همین هدف متمرکز بود.

ب) شرایط منطقه‌ای: برای گسترش منافع نو استعماری در منطقه، به ویژه ایران، و برای آنکه این کشور بتواند وظایف جدید خود را که در این مرحله از روند رشد نظام جهانی امپریالیسم به او واگذار شده بود به عهده بگیرد، لازم بود روابط تولید مبتنی بر زمینداری از بین برود و زمینه سلطه همه جانبه جهانخواری بر جامعه ایران هرچه بیشتر فراهم شود (یاوری، ۱۳۵۹، ص ۸۷).

ج) منافع جهانخواران: اصلاحات ارضی ناشی از نیاز امپریالیسم جهانی برای صدور سرمایه به کشورهای وابسته در اشکال تازه بود، از این رو ضرورت داشت ساخت اجتماعی ایران به نحوی تغییر یابد که امکان هرچه بیشتر و پرسودتر سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عوامل وابسته به خارج در ایران آماده شود. در این رابطه مسئله رقابت جهانی دو نظام استعماری بزرگ (آمریکا و انگلیس) در ایران نیز موثر بود. انگلستان بنا به سیاست محافظه‌کارانه‌اش، از منافع زمینداران دفاع می‌کرد و آمریکا برای فراهم آوردن زمینه‌هایی برای سرمایه گذاری و گسترش منافع نواستعماری خود، خواهان رشد طبقه نوخاسته سرمایه داری وابسته بود (اشرف، ۱۳۶۵، ص ۸۵).

عوامل داخلی: از این عوامل نیز به چند مورد زیر اشاره می کنیم:

الف) نظام ارباب و رعیتی در ایران: نظام ارباب و رعیتی ایران، با تکیه بر مبنای تئوریک عوامل پنجگانه زراعی، نظامی بود که مدت‌ها در این کشور استقرار داشت. صرفنظر از بهره اربابی کمرشکنی که از دهقانان گرفته می‌شد، عوارض مالکانه متعددی به بهانه های مختلف از آنان اخذ می گردید. سلطه مالکان بر روستاهای کشور وتعدی و تجاوز آنان در طول تاریخ این سرزمین، سبب انزجار روستاییان از ارباب و نظام اربابی شده بود. بی تردید رشد و آگاهی روستاییان در این مقطع زمانی از عواملی بود که در دسترس اصلاحات ارضی بی تاثیر نبود. عامل دیگری که علاوه بر اگاهی روستاییان، به اجرای اصلاحات ارضی کمک کرد، تزلزل سیاسی حکومت و ناتوانی نسبی آن در مخالفت با مبارزات ضدفئودالی کشور بوده است (ترابی، ۱۳۴۲، ص ۵۴).

ب) شرایط تارخی ایران: دهقانان در انقلاب مشروطیت ایران نقش موثری نداشتند، از این رو پس از انقلاب تغییرات زیادی در شرایط اجتماعی آنان حاصل نشد، جز اینکه در سال ۱۳۵۲ هجری قمری لغو

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

قانون یتولداری در ایران به تصویب رسید. اما در جریان سال‌های پس از مشروطیت و در طول حرکات اجتماعی زیاد، به تدریج آگاهی سیاسی پیدا کردند و در نتیجه زمینه‌های ذهنی اصلاحات ارضی در ایران فراهم گردید (یاوری، ۱۳۵۹، ص ۸۸).

ج) شرایط استراتژیک ایران: شرایط استراتژیک ایران از عواملی بود که در فراهم کردن زمینه‌های اصلاحات ارضی تاثیر داشت. از این شرایط می‌توان به جمعیت، حجم، ترکیب و توزیع آن، شرایط جغرافیایی و منطقه‌ای و وابستگی اقتصادی شهر و روستا به همدیگر اشاره کرد.

د) رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران: رشد اقتصاد سرمایه داری ملی و وابسته در بیست سال پیش از اصلاحات ارضی، هماهنگ با رشد و گسترش بانک ها، موسسات و کارخانه‌ها و شرکت‌های صنعتی و خدماتی و حتی کشاورزی وابسته یا نیمه وابسته، از عواملی بوده‌اند که موجبات نفوذ امپریالیسم و استعمارنو را در جامعه شهری و روستایی ایران فراهم آوردند. از این رو تامین هرچه بیشتر منافع جهانی سرمایه داری و گسترش آن در ایران، توسعه و افزایش موسسات و کارخانه‌های وابسته در سراسر کشور ضروری بود و تحقق این امر تنها از راه اجرای اصلاحات ارضی در جوامع روستایی ایران ممکن بود (نجیبی‌خیرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

ه) تقویت پایه‌های حکومت: تقویت پایه‌های لرزان حکومت در داخل کشور، به ویژه در میان اقشار خرده مالک و متوسط روستایی، تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی طبقه نوخاسته و کسب وجهه برای حاکمیت مهمترین هدف سیاسی طبقه حاکم از اجرای برنامه اصلاحات ارضی در ایران بوده است (یاوری، ۱۳۵۹، ص ۹۰).

۲- نتایج اصلاحات ارضی

اجزای اصلاحات ارضی در ایران آثار مهمی در اجتماعات روستایی و حتی شهری کشور برجای گذاشت. برای سهولت امر می‌توان آنها را از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی کرد:

نتایج اقتصادی: در این مورد به چند مسئله اشاره می‌کنیم:

۱- گسترش شیوه تولید خرده مالکی خانگی: پیش از اصلاحات ارضی، نزدیک به ۲۵ درصد اراضی زیر کشت به صورت خرده مالکی اداره می‌شد. تقسیم اراضی زراعی بین روستاییان، جمعیت عظیمی از دهقانان را به جرگه خرده مالکان راند و در پایان اصلاحات ارضی اکثریت قاطع دهقانان به قشر خرده مالک تعلق یافتند، به طوری که در این دوره بیش از ۲/۲ میلیون خانوار روستایی مشمول تعریف خرده مالک می شدند.

۲- گسترش شیوه تولید کشاورزی تجاری: اساسی‌ترین هدف اصلاحات ارضی گسترش کشاورزی تجاری و صنعتی بود که به لحاظ ارتباط یک جانبه آن با سرمایه‌های خارج از کشور، سرمایه داری وابسته محسوب می‌شود. با اجرای اصلاحات ارضی بازار روستا به روی سرمایه گشوده شد و نیروی کار ارزان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بیش از حد نیاز در اختیار سرمایه‌داری تازه به دوران رسیده قرار گرفت. از آثار توسعه کشاورزی تجاری در مناطق روستایی، از میان رفتن الگوی کشاورزی معیشتی، فروپاشی شیوه‌های تولید سنتی، زوال تدریجی صنایع محلی و توسعه نیافتن کار زراعی روستا بود (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ص ۶۹).

۳- روی آوردن سرمایه‌های مالکان به صنایع: سرمایه‌های پولی مالکان پیشین، که از راه فروش زمین‌های آنها به دولت یا زارعان سهمبر به دست آمده بود، به سوی صنایع شهری جذب شد و دولت نیز با فروش کارخانجات دولتی و قراردادن آن به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی بر شتاب حرکت این روند افزود.

۴- تقسیم شدن زمین‌های زراعی به قطعات خرد: اجرای اصلاحات ارضی موجب تقسیم زمین‌های زراعی و واحدهای بهره‌برداری جمعی و مشاع و همچنین زمین‌های زراعی وسیع به قطعات کوچک گردید. این قطعات در اغلب خانوارهای روستایی به اندازه‌ای کوچک بودند که نه تنها نمی‌توانستند برای مصرف شهرها تولید اضافی داشته باشند، بلکه برای امرار معاش خانوار نیز کافی نبودند (تقوی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۴).

۵- بالا رفتن موقتی قدرت خرید زارعان: تقسیم زمین میان دهقانان و در نتیجه رهایی آنان از بهره مالکانه و همچنین عوارض دیگر، در وهله نخست و در آغاز کار به بالا رفتن میزان نسبی درآمد و افزایش قدرت خرید آنان منجر شد، اما از آنجا که هدف اصلاحات ارضی توسعه روابط تجاری در روستاها بود، افزایش درآمد و قدرت خرید دهقانان در راه خرید کالاهای ناضروری و مصرفی شهری به کار گرفته شد و آنها را مطابق خواسته‌های سرمایه‌داری وابسته، به سوی مصرفی شدن سوق داد.

۶- گسترش روابط پولی: راه یافتن روستاها به بازار پول از نتایج دیگر اصلاحات ارضی است. گسترش روابط پولی در نتیجه تحول سریع از کشاورزی خودمصرف به کشاورزی تجاری (تولید برای بازار)، یکی از هدف‌های اساسی اصلاحات ارضی بود که تا اندازه زیادی در واحدهای بهره‌برداری مبتنی بر سرمایه داری ارضی و تاحدودی در واحدهای بهره برداری دیگر تحقق یافت.

۷- تضعیف کشاورزی: یکی از نتایج میان مدت اصلاحات ارضی نابودی کشاورزی سنتی ایران بود که در اثر مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه خالی شدن روستاها و همچنین عوامل و موانع دیگر حاصل شد. به طوری آمار نشان می‌دهد، طی سال‌های ۵۴ – ۴۱ درحالی که بخش‌های صنعت و خدمات هر یک از رشد متوسط سالیانه‌ای برابر با ۱۴ درصد در سال برخوردار بودند، رشد بخش کشاورزی از ۴ درصد در سال تجاوز ننمود.

۸- نابرابری در توزیع زمین: در جریان اصلاحات ارضی زمین میان دهقانان به طور مساوی توزیع نشد. تخمیناً ۴۷/۵ درصد از جمعیت روستایی از قبل از اصلاحات ارضی محرومیت بیشتری داشتند، هیچ گونه نفعی از توزیع زمین نبردند. علت این مسئله آن است که زمین براساس نظام قبلی کار روستایی، یعنی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

داشتن یا نداشتن نسق زراعی، تقسیم شد و در نتیجه گاوداران و صاحبان نسق از آن بهره‌مند شدند و کارگران کشاورزی بی نصیب ماندند (تقوی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۵).

۳- نتایج اجتماعی

در این مورد به سه نکته اشاره می‌کنیم:

نخست- تغییر سازمان جمعی تولید: با اجرای اصلاحات ارضی، ساخت های سنتی تصرف و بهره برداری جمعی زمین در بسیاری از مناطق روستایی شکسته شد. قطعه قطعه شدن زمین‌های زراعی، علاوه بر کاهش میزان بهره‌دهی زمین‌ها، سازمان جمعی تولید را که در روستاهای ایران به نام های بنه، صحرا، حراثه و. . . معروف بودند به هم زد و اعضای آنرا به حداکثر ۴- ۲ خانوار تقلیل داد و در بسیاری از جاها شیوه‌های بهره‌برداری فردی را به جای آنها نشاند. یکی دیگر از نتایج اصلاحات ارضی که به طور نامستقیم در نابودی سازمان جمعی تولید موثر واقع شد این بود که عوامل سنتی آبیاری مانند قنوات، کاریزها و چشمه‌سارها به سبب روی آوردن عده‌ای به شیوه‌های فنی مانند استفاده از چاه‌های عمیق و نیمه عمیق از اهمیت افتادند.

دوم- مهاجرت روستاییان به شهرها و افزایش میزان حاشیه‌نشینی: یکی دیگر از آثار اجرای اصلاحات ارضی افزایش شدت مهاجرت روستاییان به شهرها است. این امر ناشی از تثبیت دائمی وضع خوش‌نشینان روستا از یک سو و تبدیل تعدادی از صاحبان نسق‌های پیشین به کارگران کشاورزی و غیرکشاورزی روزمزد (مثلا در شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت و. . .) از سوی دیگر می باشد (علاف آشتیانی، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

سوم- تغییر در نحوه و روش اتخاذ تصمیم: صاحب زمین شدن روستاییان در میزان و نحوه تصمیم‌گیری آنان، چه در امور اقتصادی کشاورزی و دهقانی و چه در امور اجتماعی و فرهنگی، دگرگونی‌هایی به عمل آورد.

نمونه‌های این تغییر عبارتند از: تصمیم‌گیری در موعد کاشت و داشت و برداشت و نوع محصول زراعی که در دوره پیش از اصلاحات ارضی در دست ارباب بود و به تصمیم وی بستگی داشت (زاهد، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

۴- نتایج سیاسی

در این مورد نیز به سه مسئله اشاره می کنیم:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

نخست- از بین رفتن طبقه بزرگ مالک در روستاها: یکی از بزرگترین نتایجی که اجرای اصلاحات ارضی در ایران از خود به جا گذاشت پایان دادن به سلطه کامل نظام ارباب و رعیتی بود. بهره‌برداران بزرگ و متوسط اربابی که در طول سده‌های متوالی به شیوه‌های مختلف چنگ در گلوی ناتوان دهقان و برزگر این کشور داشتند و به شیوه‌های سنتی از کار آنان بهره‌کشی می‌کردند، به سوی نابودی رفتند و به تدریج جای آنها را بهره برداران خانوادگی و کشاورزی تجاری گرفتند.

دوم- تغییر در ساخت و ترکیب قشربندی روستاها: علاوه بر نابودی تقریبی طبقه ارباب در روستاهای ایران، اصلاحات ارضی از طریق دیگری نیز قشربندی و ترکیب اجتماعی روستاها را برهم زد، و آن تثبیت وضع خوش‌نشینان بود. اصلاحات ارضی یا محروم ساختن بیش از ۵۰ درصد روستاییان به نام خوش نشین از شمول و تقسیم زمین، عملاً عظیم‌ترین نیروی کار ارزان را در خدمت سرمایه نهاد. گذشته از محروم شدن خوش‌نشینان از زمین زراعی، افراد صاحب نسق نیز به طور نامساوی از زمین بهره بردند و در نتیجه قشربندی روستا از این نظر نیز به هم خورد. از سوی دیگر، تبدیل اقتصاد خودمصرف روستاها به اقتصاد پولی بازار و رونق کار دکان داران و رباخواران و سلف خران محلی و دلالان شهری از یک طرف، و گسترش کار عملیاتی شرکت‌های تعاونی و بانک ها از طرف دیگر، به روند توسعه روابط پولی و رشد سوداگران مالی در روستاها کمک کرد.

سوم- بی‌علاقه شدن خوش‌نشینان: در مقابل افرادی از دهقانان که در اثر اجرای اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند، قشر وسیعی از روستاییان به نام خوش نشین از زمین زراعی سهمی نبردند و به همین دلیل برای همیشه دستشان از زمین کوتاه شد و امید خود را در این باره از دست دادند و به روستا و امور آن بی علاقه شدند (زاهد، ۱۳۹۴، ص ۵۵).

۵- اصلاحات ارضی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروی انقلاب سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۹۷۹ در ایران و به روی کار آمدن حکومت جدید، روند اصلاحات ارضی به طور کلی دستخوش تغییر شد. شورای نگهان جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۶۳ اجرای قوانین اصلاحات ارضی را مخالف با شریعت اسلام تشخیص داد و روند اصلاحات ارضی به طور کلی متوقف شد هفت سال بعد، مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه روند اصلاحات ارضی را قانونی اعلام نمود و در نهایت در ۲ خرداد ۱۳۷۰ پس از پیگیری‌های مکرر، وزارت کشاورزی وقت مجمع با تصویب ماده واحده‌ای اجرای مقررات قانون در امور باقیمانده اصلاحات ارضی مجدداً به مرحله عمل درآمد. مفاد ماده واحده فوق عیناً نقل می شود:

«وزارت کشاورزی موظف است نسبت به اراضی مشمول قانون اصلاحات ارضی که به تصرف زراعین صاحب نسق درآمده و تاکنون اسناد رسمی مالکیت برای آنها صادر نشده است اقدام نموده تا طبق قانون اسناد مالکیت آنها صادر شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

تبصره۱. در این موارد وزارت جهاد کشاورزی موظف است به مالکان متقاضی در نزدیکترین محل ممکن زمین برای کشاورزی طبق مقررات جاری واگذار نماید.

تبصره۲. چنانچه زارعان و مالکان این اراضی به طریقی غیر از آنچه که در قانون آمده است قبل از صدور سند تراضی نمایند، این تراضی معتبر خواهد بود.

شرایط و مراحل اجرای مصوبه قانونی مورخ ۱۳۷۰/۳/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تعیین تکلیف باقیمانده قراء مزارع و املاک مشمول اصلاحات ارضی.

۵-۱ شرایط اجرا

ـ زمین فقط به زارع صاحب نسق واگذار می شود.

ـ زمین یا نسق زارعان می باید در تصرف زارع یا وارث قانونی او باشد.

ـ اراضی مشمول در حال کشت و بهره برداری زراعی از طرف زارعین باشد و در سال‌های اخیر بدون اخذ مجوز قانوین از سازمان‌های ذیربط به مصارف غیرزراعی از قبیل واحدهای مسکونی و صنعتی و یا سایر طرح‌های عمرانی و خدماتی و غیره تبدیل و از مدار تولید زراعی خارج نشده باشد.

ـ به استناد تبصره ذیل ماده ۲۰ قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی نسق زراعتی زارعان از نظر مکانی تغییر ننموده باشد و هر شخص زارع همان زمین (اعم از زیرکشت و آیش) شناخته می‌شود که در تاریخ تصویب این قانون برای زراعت در اختیار داشته است.

ـ اراضی مازاد برحد نصاب مالک، مشمول واگذاری می گردد.

ـ اراضی موات و بایر، مشمول واگذاری می‌باشد.

ـ کلیه اراضی حتی کمتر از شش‌دانگ که بر روی انان زارع صاحب نسق کار می کند.

ـ اراضی مالکان خودکار مشمول تقسیم نمی باشد.

ـ باغات میوه و چای و عرصه و اعیان قلمستان های مالک با حقابه معمول مشمول تقسیم نمی‌باشند.

ـ اراضی مکانیزم قبل از تاریخ ۱۳۴۰/۱۰/۱۹مشمول تقسیم نمی باشند.

ـ چنانچه اراضی فوق از حالت مکانیزه خارج شود مشمول تقسیم است.

ـ اراضی که حق ریشه آن از سوی مالک خریداری شده مشمول تقسیم نمی‌باشد.

ـ حق ریشه می‌باید سندی رسمی باشد.

به استناد اراضی مشمول تبصره ۲ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (مبنی بر وجود توافقنامه بین مالک و زارع اراضی تقسیم شده به هیچ عنوان به مالک یا قائم مقام قانونی او برنمی گردد.

۵-۲ مراحل اجرا

ـ شناسایی دهات و اراضی مشمول قوانین و مقررات اصلاحات ارضی.

ـ آماربرداری مجدد تعیین مالک و زارع نقشه‌برداری اراضی در صورت نیاز.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ اعلام به مالکان مشمول قانون ۲ بار به فاصله ۱۰ روز جهت انتقال ملک به دولت در اراضی مرحله اول اصلاحات ارضی.

ـ واگذاری اراضی مازاد یا خریداری شده مرحله اول به زارع صاحب نسق.

ـ تعیین تکلیف شش‌دانگ باقیمانده برای مالک (اراضی حدنصاب) و همچنین تعیین تکلیف اراضی مالکینی که کمتر از شش‌دانگ زمین داشتند به یکی از سه شق زیر:

الف) اجاره ۳۰ ساله به زارع،

ب) فروش اراضی به تراضی به زارعین،

ج) تقسیم زمین به نسبت بهره.

تعیین تکلیف اراضی اجاره داده شده در مرحله دوم به یکی از دو شق زیر:

الف) فروش اراضی به زارع به تراضی،

ب)تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه بین مالک و زارعین.

مادامی که زارع اقساط خود را پرداخت ننموده سند زمین در رهن بانک کشاورزی می ماند.

اراضی موات منطقه به استناد ماده ۱۷ تقسم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین متاجر و ماده ۲۶ آیین نامه اجرایی آن از ادارات ثبت اسناد و املاک به نام دولت جمهوری اسلامی تقاضای ثبت می‌شود.

همچنین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تغییراتی که در وضع نظام مالکیت اراضی رخ داد دولت برای سروسامان دادن به آن قوانینی را وضع کرد. طی آن، شورای انقلاب اسلامی قانون «نحوه واگذاری و احیای اراضی» را در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۵ به تصویب رسانید. شرکت‌های تعاونی تولید مشاع و مراکز خدمات روستایی از جمله اقداماتی است که پس از انقلاب اسلامی تشکیل شدند (زاهد، ۱۳۹۴، ص ۷۰).

نتیجه‌گیری

در یک ارزیابی کلی از تاثیرات و نتایج اصلاحات ارضی بر ساختار روابط مابین مالک و زارع و کمیت و کیفیت تولید محصولات کشاورزی نمی‌توان امیدوار بود که با نتایج درخشانی روبه رو خواهیم شد. هرچند نباید از یاد برد که از منظر اجتماعی و نوسازی اجتماعی و سیاسی اصلاحات ارضی را باید برنامه‌ای پیشرو و مدرن ارزیابی کرد. کمتر جامعه پیشرفته‌ای را در جهان معاصر می‌توان رصد کرد که این مرحله از تحول اقتصادی و اجتماعی را پشت سر نگذاشته باشند. هرچند در این مطالعه تلاش برای نشان دادن آثار اقتصادی و اجتماعی این اصلاح اجتماعی صورت پذیرفته اما نباید از یاد برد که اصلاحات ارضی با خود ثبات و استواری سیاسی را نیز به همراه داشت. علیرغم همه مشکلات موجود در راه تحقق کامل اصلاحات ارضی در ایران، شاه توانست مشروعیت سیاسی خود را در بین اقشار گسترده روستانشین گسترش و ارتقا دهد. رژیم که در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد و مداخلات روزافزون آمریکایی‌ها در بی‌کفایتی قرار داشت، از یکسو با افزایش مشروعیت راندمان بالای خود را در فیصله بخشی به بخشی از معضلات سیاسی نیز نشان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

داد. جبهه ملی و در دیگر اپوزیسیون اعم از ملی گراها و چپ ها در برابر برنامه گسترده و تاحدودی متوفی اصلاحات ارضی خلع سلاح شده و به حاشیه رانده شدند. و شاه توانست تاثیر بنیادینی بر کارایی و اثرگذاری مالکان که عمدتا از پایگاه اجتماعی متفاوتی با خانواده پهلوی بودند، بگذارد. مسئله دیگر تاثیر و حوزه اثرگذاری اصلاحات ارضی به عنوان یک عامل تعیین‌کننده برای تغییرات شگفت سیاسی و اجتماعی بدون استفاده از خشونت و تنها از طرق مسالمت‌آمیز است. به نظر می‌رسد علیرغم محدودیت های فراوان و اشکالاتی که ذاتاً اجرای چنین برنامه‌هایی در کشورهای جهان سوم از جمله ایران به همراه دارد، تاثیری قابل مطالعه باشد. از سوی دیگر شاه به هیچ عنوان در یک تحلیل ساده‌انگارانه به دنبال تامین و یا بسط عدالت اجتماعی در جامعه نبود، همانگونه که نمی‌توان در هیچ صورت بندی سیاسی و اجتماعی، وی را نماینده موکلین و محافظه‌کاران سنتی وابسته به زمین دانست. او می‌خواست قدرت سیاسی را به انحصار خود دراورد، هم از آن رو که فی نفسه خواستار آن بود و هم از آن رو که بتواند به رویاهای سطحی ناسیونالیستی و مدرنیستی خود جامه عمل بپوشاند و این نه با یک طبقه قدرتمند مالکان سازگاری داشت و نه با یک قدرت مذهبی مستقل!

هرچند بسیاری از منتقدان برنامه اصلاحات ارضی بر این باورند که این تلاش نافرجام بود. شاه نتوانست و یا نخواست که به صورت بنیادی طبقه مالک صاحب زمین و نفوذ را از هستی ساقط و یا روابط سنتی و قدیمی بر زمین مابین مالک و زارع را تغییر دهد. زیرا این قانون دست مالکین را از اراضی شاه کاملاً قطع کرد. بسیاری از آنان توانستند از راه رشوه دادن به ماموران اصلاحات ارضی و یا مستثنی کردن از قانون، جلوی تقسیم شدن اراضی خود را بگیرند ثانیا چنانچه اشاره شد تدوین کنندگان لوایح و قوانین اصلاحات ارضی بیشتر هدفشان کسانی بود که در قانون نسق‌دار به شمار می‌رفتند ولی فاقد زمین بودند و زمین توسط اعضا خانواده خود به زیر کشت می‌بردند و در ازای آن به مالک زمین سهمی از محصول می‌پرداختند. این بدان معنی است که قوانین اصلاحات ارضی با قصد قبلی چنان طرح‌ریزی شد که زمین فقط به نسق دار داده شود. ثالثاً تقسیم زمین در میان زارعان نابرابر صورت گرفت. از طرف دیگر در اوایل دهه ۱۳۴۰ و قبل از شروع برنامه‌های توسعه روستایی به ویژه اصلاحات ارضی، خوش نشینان به ویژه کارگران زراعی از لحاظ اقتصادی چندان تفاوتی با دهقانان صاحب نسق نداشتند.

فهرست منابع و ماخذ

ـ آذربایجانی، ا. (۱۳۹۰)، نحوه واگذاری اراضی ملی به اشخاص حقیقی و حقوقی در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ اشرف، ا. (۱۳۶۱). دهقان، زمین و انقلاب، مجموعه کتاب آگاه مسائل اراضی و دهقانی. تهران: انتشارات آگاه.

ـ ترابی، ع. (۱۳۴۲). جامعه‌شناسی روستایی، نظری به جوامع روستایی ایران. تبریز: انتشارات سروش.

ـ تقوی، ن. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: دانشگاه پیام نور.

ـ زاهد، ف. (۱۳۹۴). گذری بر قانون اصلاحات ارضی در ایران.

ـ علاف آشتیانی، م. (۱۳۸۸). دستورالعمل اصلاحی ضوابط واگذاری اراضی منابع ملی و دولتی برای طرح‌های کشاورزی و غیرکشاورزی. نشر آموزش.

ـ نجیبی خیرآبادی، ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل تاثیرگذار بر خرد شدن اراضی زراعی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.

ـ یاوری، ا ر. (۱۳۵۹). شناختی از کشاورزی سنتی ایران. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

داخلی سایر دولت ها نباشند، و نیز چنانچه دولت های تحت تأثیر رسانه‌های فراملّی مدعی نقض استثنائات و محدودیت‌های آزادی بیان از سوی رسانه‌های فراملّی نبوده و بر این اعتقاد باشند که ورود رسانه‌های فراملّی مخل به نظم عمومی و ارزش های ملی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی آنان نمی باشد، از منظر حقوق بین الملل هیچگونه خدشه ای به اقدامات و نحوه عملکرد آن ها وارد نخواهد بود؛ اما چنانچه دولتی در صدد مقابله با برخورداری شهروندان خود از حق آزادی بیان و اطلاعات باشد از نظر بین المللی مسئول خواهد بود و نیز هنگامیکه رسانه‌های فراملّی استثنائات و محدودیت‌های حاکم بر حق آزادی بیان و اطلاعات را نقض کنند و مخل نظم عمومی و امنیت ملی دولت ها گردند، از آنجا که نقض حقوق بنیادین دولت ها –و از جمله حق حاکمیت و حراست از باورها و ارزش های حاکم بر جامعه- که در اسناد و مقررات بین المللی مورد توجه و احترام ویژه واقع شده است، در هر زمانی، تحت هر شرایطی، در قالب هر عنوانی و با هر وسیله ای که باشد نقض اصول و قواعد مسلم حقوق بین الملل تلقی می‌شود، تحقق نظام مسئولیت بین المللی برای دولت های دارای رسانه‌های فراملّی و متعرض به حقوق سایر دولت ها را در پی خواهد داشت.

گفتار اول: رسانه‌های فراملّی و حقوق بین الملل

بند اول: ماهواره[1] و حقوق بین الملل

قبل از دستیابی بشر به فضای ماوراء جوی و اجرام سماوی، وضعیت حقوقی فعالیت های انسانی در فضا بیشتر امری فرضی و تخیلی قلمداد می شد تا واقعیت علمی. با آغاز فعالیت انسان در فضای فراجو و شروع رقابت مدعیان فناوری های نوین و پیشرفته فضایی، قانونمند کردن و تهیه و تنظیم یک رژیم حقوقی پذیرفته شده، ذهن جامعه جهانی را به خود مشغول کرد. نخستین مسأله حقوقی که پیش از پدیدار شدن اختلافات ناشی از تهاجم فرهنگی برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها که بین کشورهای با فرهنگ های متفاوت بروز می کند، موضوع مهم تر حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرزمینشان است. قبل از این، اصل حاکمیت دولت ها بر قلمرو زمینی، دریایی و هوایی و بر فضای بالای کشورشان، استفاده کشورهای دیگر از حریم هوایی آن ها را بدون اجازه بر نمی تابد. ولی ارسال امواج الکترومغناطیسی حامل برنامه های مخابراتی و رادیویی و تلویزیونی و عبور ماهواره ها که با اعتراض مؤثر هیچ کشوری روبه رو نشد، این اصل حقوق بین الملل را نادیده گرفت. کشورها عبور و فعالیت های مختلف ماهواره ها را بر فراز جو خاکشان، نقض حاکمیت خود نمی پنداشتند و حقوق بین الملل نیز به نوبه خود به شکل دادن قاعده ای پرداخت که به موجب آن فضای فراجو از حیطه حریم فضایی کشورها خارج می شد و حاکمیت کشورها بر فضای بالای سرشان تنها تا جو زمین قابلیت اعمال می یافت.[2] مطابق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به شماره ۱۱۴۸: «ارسال هر شیء به فضای ماوراء جو باید منحصرا با اهداف صلح جویانه و علمی باشد». به پیروی از این قطعنامه، سازمان ملل متحد و یونسکو در نظری مشابه، در مورد گرفتن رضایت قبلی از کشوری که امواج ماهواره ای به درون قلمرو آن وارد می‌شود، از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به بحث و مذاکره

---

[1] Satellite

[2] حسینی، سید ابراهیم، "برنامه های ماهواره ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت ها و اصل آزادی اطلاعات"، مجله معرفت، شماره ۳۶، مهر و آبان ۱۳۷۹، ص ۵۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

پرداختند. سازمان ملل متحد به این جهت که در مقوله ماهواره ها نیاز به تحقیق و فعالیت را تشخیص داد، بر اساس قطعنامه شماره (XIII) ۱۳۴۸ کمیته ای در مورد استفاده صلح جویانه از فضای ماوراء جو به نام «کوپیوس»[۱] ایجاد کرد[۲]. نظر این گروه این بود که اگر برنامه ای به داخل مرزهای یک کشور ارسال می گردد، باید رضایت قبلی دولت ذی ربط را تحصیل کرد و این رضایت می تواند از طریق انعقاد معاهده دوجانبه صورت پذیرد. مباحثات در ارتباط با پخش برنامه های ماهواره ای بسیار با بحث آزادی گردش اطلاعات و همچنین ارتباطات جهانی جدید مرتبط شده بود. این کمیته ۲ اصل اساسی را مورد تأیید رسمی قرار می دهد:

۱- فضای فراجو باید برای اهداف صلح آمیز به کار گرفته شود؛ و

۲- فضای فراجو میراث عمومی تمام بشریت است.[۳]

لازم به اشاره است که پیش نویس کنوانسیونی بین المللی نیز توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق به سال ۱۹۷۳ تقدیم کوپیوس گردید که در آن بر مسأله محتوای پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای و تحصیل رضایت صریح دولت گیرنده تأکید شده بود. یکی از نکات مهم طرح شوروی، نابودی و خنثی کردن ابزارهای پخش مستقیم ماهواره ای و حتی نابود کردن ماهواره فرستنده، در داخل یا خارج قلمرو کشور گیرنده بود[۴]. نتیجه تمام مباحثات کوپیوس به معاهده الزام آوری ختم نشد، ولی این تبادل نظرها زمینه ای شد تا مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه معروف (۳۷/۹۲)[۵] را به تصویب برساند که به نام قطعنامه «اصول حاکم بر استفاده دولت ها از ماهواره ها به منظور پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی» مشهور گشت.[۶] اصل صریحی که دولت ها را به کسب اجازه قبلی برای ارسال امواج ماهواره ای ملزم می کرد، متروک گشت. اما پاراگراف هشتم قطعنامه مزبور، دولت هایی را که در زمینه پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت داشتند را آگاه می نمود که برای فعالیت هایشان در مورد مذکور مسئولیت خواهند داشت. اصل رضایت قبلی جهت ارسال امواج ماهواره ای، اگرچه اصلی ناشناخته بود، ولی این اصل در پاراگراف ۱۳ قطعنامه ۳۷/۹۲ اشاره شده است: «دولت هایی که قصد ارسال و پخش

---

[۱] COPUOS

[۲] در حال حاضر ۷۰ کشور عضو کوپیوس می باشند. کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۵۹ عضو کمیته مذبور گردید

[۳] بردبار، محمد حسن، "اصول حقوقی حاکم بر ماهواره ها"، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۶، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۵۶.

[۴] علت مخالفت شوروی با پخش آزاد برنامه های ماهواره ای، نظام کمونیستی حاکم در این کشور بود که از ورود اندیشه های غربی و نظام سرمایه داری به داخل کشور به شدت واهمه داشت

[۵] مورخ ۱۹۸۲

[۶] Oborne, Michael, Space 2030 TACKING SOCEITY'S CHALLENGES, ORGANIZATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT © OECD,February, 2005, p.174.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مستقیم برنامه های تلویزیونی را دارند، ملزم هستند که بدون تأخیر، دولت یا دولت هایی را که دریافت کننده برنامه های مذکور هستند، آگاه نمایند»[۱].

بند دوم: مقررات حقوقی ماهواره ها

اولین ماهواره (قمر مصنوعی) در ۴ اکتبر ۱۹۷۵ م. به مدار کره زمین پرتاب شد و از آن زمان به بعد ماهواره های متعددی از فضای کشورها عبور کرده است. در طول سالیان دراز هنوز هیچ دولتی به این کار اعتراض نکرده است. رفتار دولت های پرتاب کننده ماهواره ها به دلیل عدم اعتراض دول دیگر موجب به وجود آمدن قاعده جدیدی در حقوق بین الملل شده است که بر اساس آن می توان گفت: «دولت ها حق دارند ماهواره های خود را به فضای قلمرو دولت های دیگر بفرستند و بدین روی، قواعد حقوقی فضا با قواعد حریم هوایی دولت ها فرق دارد». با وجود این، چنین نبوده است که فضای ماورای جو فاقد هرگونه قاعده و مقرراتی باشد. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۲ در قطعنامه شماره ۲۹۱۶ (XXVII) خود، بر لزوم تدوین اصول حاکم بر نحوه استفاده کشورها از ماهواره های زمینی برای پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی تأکید نمود. همچنین در قطعنامه های بعدی، از جمله در قطعنامه شماره ۳۶/۳۵ خود[۲] مقرر کرد تا در سی و هفتمین اجلاس سازمان ملل متحد، توافقی در زمینه پیش نویس اصول حاکم بر چگونگی استفاده کشورها از ماهواره های زمینی برای پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی در سطح بین المللی به عمل آید. این تلاش ها منجر به تدوین اصولی شد که در ذیل به آن ها اشاره می‌شود:

ـ بر اساس مواد ۱ و ۲ و ۳، فضای باز برای بهره برداری و استفاده کلیه دول آزاد است... اکتشاف و استفاده از فضا باید با توجه به منافع همه دولت ها صورت گیرد... و کار آن ها مطابق با قواعد حقوق بین الملل باشد؛

ـ فعالیت ها در زمینه پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی در سطح بین المللی با استفاده از ماهواره، باید به روشنی انجام گیرد که با حق حاکمیت کشورها، از جمله اصل عدم مداخله و نیز حق هر کس برای جست و جو، دریافت و رساندن اطلاعات و نظرات (چنان که در اسناد سازمان ملل محترم شمرده شده است) منافات نداشته باشد؛

ـ چنین فعالیت هایی باید مشوق نشر آزاد و مبادله دو طرفه اطلاعات و دانش در زمینه های فرهنگی و علمی باشد، به توسعه برنامه های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و بویژه در کشورهای در حال توسعه کمک کند، کیفیت زندگی همه انسان ها را ترقی دهد و با احترام به تمامیت حقوق سیاسی و فرهنگی کشورها، برنامه‌های سرگرم کننده ای پخش کند؛

---

[۱] GA/A/RES/37/22, Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 10. December. 1982, Para. 13

[۲] به تاریخ ۱۸ نوامبر سال ۱۹۸۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ این فعالیت ها باید مطابق روش سازگار با توسعه تفاهم دوجانبه و تقویت روابط دوستانه و همکاری صمیمانه بین همه کشورها و مردم، در راه حفظ صلح و امنیت بین المللی انجام شود؛

ـ فعالیت های پخش مستقیم برنامه های تلویزیونی در سطح بین المللی با استفاده از ماهواره، باید مطابق با حقوق بین الملل از جمله منشور سازمان ملل متحد، پیمان اصول حاکم بر فعالیت های کشورها در اکتشاف و استفاده از فضای فراجو، از جمله ماه و سایر سیاره های خاکی[۱] و مقررات مربوط به کنوانسیون ارتباطات بین المللی و مقررات رادیویی آن و اسناد بین المللی مربوط به ایجاد روابط دوستانه و همکاری در میان کشورها و حقوق بشر باشد.

تذکر: پخش «تلویزیون ماهواره» دارای همان ویژگی های تلویزیون است، با توانمندی بیشتر در میزان قلمرو حرکت گسترده تر پیام. از این رو آنتن های بشقابی برای دریافت برنامه های تلویزیونی ماهواره ای یک وسیله ارتباط جمعی جدید به حساب نمی آید، بلکه گسترش قابلیت هاست. بنابراین اگر بخواهیم به آثار مسأله آنتن های ماهواره ای از حیث محتوای برنامه ها در یک کشور بیندیشیم، قطعا باید ابتدا به تلویزیون در آن کشور و وضعیت و جایگاه این جعبه سحرآمیز در آن جامعه توجه کنیم.

بند سوم: اینترنت[۲] و حقوق بین الملل

زمانیکه استفاده از اینترنت فراگیر شد، سوء استفاده و اعمال مجرمانه از آن هویدا گشت. کارهای غیر اخلاقی و اعمال نژاد پرستانه، گوشه ای از افعال مذمومی است که از طریق اینترنت انجام می‌شود. به اعتقاد بسیاری؛ اکنون اینترنت فرصتی استثنایی جهت سوء استفاده، فعالیت های جاسوسی، پولشویی، اذیت و آزار جنسی، کلاهبرداری، اخبار دروغ و.... است.[۳]

درباره نظارت بر اینترنت مکررا اظهار نظر شده است که ماهیت اینترنت، ماهیت و هویتی جهانی است؛ به این سبب است که دانشمندان علم حقوق متقاعد گشته اند که اینترنت احتیاج به مقرراتی جهانی دارد. آنتونیو سراگو سرانو[۴] بر این اعتقاد است که: «اگر فضای اینترنت بدون ساختار حقوقی باشد، عملا این فضا مستعد برای انجام جرایم مختلفی خواهد شد». وی برای قانونی کردن اینترنت پیشنهاد می کند که از قوانین ملی، حقوق عرفی و حقوق بین الملل که می تواند برای اینترنت مفید باشد استفاده کرد.[۵] جوان کیوربالیجا[۶] نیز بر این باور است که: «فضای اینترنتی هرج و مرج است و فعالیت های مجرمانه ای مانند هک کردن

---

[۱] مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷

[۲] Internet

[۳] Selwyn, Neil, A Safe Heaven for Misbehaving?: An Investigation of Online Misbehavior Among University Students, Social Science Computer Review, 2008, p.448.

[۴] Antonio Seragua Serrano

[۵] Seragua – Serrano, Antonio, ((Internet Regulation and the role of International Law)), Max Planch Year book of United Nations Law, volume 10, 2006, p. 200.

[۶] Jovan Kurbalija

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

سایت ها، روز به روز شدت می یابد و همچنین برخورد بسیاری از دولت ها با اینترنت مناسب نیست وآن ها نمی توانند به خوبی اینترنت را کنترل کنند و فقدان قواعد بین المللی عامل الشمول یقینا حس می‌شود».[۱] در همین راستا تلاش هایی در جامعه جهانی صورت گرفته است که از جمله می توان به کوشش شورای اروپا[۲]، جهت قانونمند کردن فعالیت ها در اینترنت اشاره کرد.[۳] در حال حاضر تنها کنوانسیونی که مستقیما با اینترنت مرتبط است، کنوانسیون جرایم سایبری شورای اروپاست. شورای اروپا در خصوص این کنوانسیون اظهار می دارد که: «کنوانسیون جرایم سایبری، علی رغم اینکه چارچوب حقوقی به اینترنت می‌دهد اما برای قانونمند کردن اینترنت کافی نیست»[۴]. مقررات و قواعد دیگری همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز –با تفسیری موسع– مناسباتی با اینترنت پیدا می کند.

بند چهارم: حقوق رسانه‌ها به مثابه حقوق بشری

قبل از ظهور تکنولوژی های نوین اطلاعات و ارتباطات، دولت های مبتنی بر حقوق، رفته رفته خود را ملزم کرده بودند تا به منظور هر چه شفاف تر کردن عملکردهای خویش، اطلاعات گوناگونی از جمله در زمینه امور اداری یا در زمینه هایی که به منافع عمومی مربوط می شوند را به مردم بدهند. بطور نمونه، دیوان اروپایی حقوق بشر[۵] در سال ۱۹۷۸، در رأی بسیار معروفی درباره اطلاعات راجع به قضایایی که به منافع عمومی مربوط می شوند و دادگاه ها باید در مورد آن ها حکم صادر کنند نظر می دهد که: «وسایل ارتباط جمعی، نه تنها وظیفه دارند چنین اطلاعاتی را به مردم برسانند، بلکه مردم حق دریافت این گونه اطلاعات را دارا هستند»[۶].

بنابراین حق مطلع شدن یا حق برخورداری از اطلاعات که عده ای از متخصصان حقوق از آن بعنوان حقوق جدید بشری نام برده اند، قبل از شکل گیری روند جامعه اطلاعاتی مطرح بوده است. حقوق رسانه‌ها نشأت گرفته از حقوق بشر است و در حقیقت رسانه‌ها برای اثبات مشروعیت فعالیت خود به حقوق بشر متوسل می شوند. همانطور که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ حق رسانه‌ها را همان حقوق بشر

---

[۱] Kurbalija, Jovan, ((INTERNET GOVERNANCE AND INTERNATION LAW)), Reforming Internet Governance: Perspectives from WGIG, 2001, p. 107.

[۲] European Council

[۳] Sturges, Paul, ((The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to networked Information)), IFLA Journal, 26, 2000, p.281.

[۴] CE, Recommendation Rec, 16 of the committee of Ministers to member states on the right of reply in the new media environment (Adopted by the committee of Ministers on 15. December. 2004, at the 909th meeting of the Ministers Deputies), Para. 13

[۵] ECHR

[۶] ECHR, Frand GEERK v/s SWITZERLAND, APPLICTION/REQUETE no 7640/76, DECISION OF 7 MARCH 1978 on the admissibility of the application, no 7640/76

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

قلمداد می کند. کمیته اظهار می کند که: «این حق رسانه‌ها است که بتوانند آزادی بیان داشته باشند و منشاء حق را ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می داند که اختصاص به آزادی بیان دارد»[۱].

الف) شمول حقوق رسانه: حقوق رسانه‌ها شامل دو حقی می‌شود که جزء حقوق بنیادین بشر محسوب می شوند:

۱- حق آزادی بیان؛ ۲- حق دریافت اطلاعات و گردش آزاد اطلاعات.[۲]

رسانه‌های فراملّی نیز طبیعتا به حق آزادی بیان و آزادی اطلاعات نیاز مبرم دارند و بدون در نظر گرفتن حقوق مذکور، فعالیت رسانه‌ها نمی تواند قانونمند باشد.[۳] به عبارت دقیق تر استفاده رسانه مستلزم آزادی بیان و آزادی اطلاعات است که امری حیاتی برای رسانه‌های آزاد است. حق هر رسانه ای است که آزادی گردش اطلاعات و آزادی بیان داشته باشد، زیرا این امر می تواند کمک شایانی به دموکراسی کند.[۴] آزادی بیان و اطلاعات در جوامع معاصر از اهمیت خاص روزافزون برخوردار شده است و به همین لحاظ متون حقوقی جدید بین المللی، بر این اهمیت تأکید دارند. بعنوان مثال: اعلامیه مربوط به آزادی بیان و اطلاعات، مصوب کمیته وزرای شورای اروپا در سال ۱۹۸۲، در این مورد مقرر می دارد: «آزادی بیان و اطلاعات، برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر انسان ضروری است و شرط پیشرفت هماهنگ گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، ملت ها و جامعه بین المللی، به شمار می رود»[۵].

۱- مفهوم آزادی بیان

بیان در لغت به معنی فصاحت و زبان آوری است[۶] و در مباحث حقوقی، آزادی بیان عبارت است از: «آزادی افراد یک کشور در اظهار اندیشه و نظر و خطابه، بدون ترس از دخالت برخی از سازمان های دولتی». این آزادی محدود است تا هر کس نتواند از آن سوء استفاده کند و به دیگران تهمت ناروا بزند.[۷] به عبارت دیگر آزادی بیان و اندیشه حقی است که تکلیفی بر آن بار است و اعمال این حق باید به گونه‌ای باشد که موجب اضرار به غیر نشود. اما آنچه مهم است این است که ایجاد محدودیت‌ها باید بر اساس

---

۱ HRC, Ninety–Seventh Session 12-30, October. 2009, CPR/C/MDA/CO/2/4 Novermber. 2009, Para. 26

۲ M. Graham, Lorie, A RIGHT TO MEDIA?, COLUMBIA HUMAN RIGHTS LAW REVIEW, 2010, p. 442.

۳ Clinton, orla, number 2, ((The role of media in war and peace)), published by the life & peace Institute, Volume 8, 2003, p.6

۴ Okello – Orlale, Rosemary, ((The Role of Media in Promoting Access to Information and Serving as a Public Watchdog)), African Woman and Child Feature Sevice, 2008, p. 2

۵ CM, DECLARATION ON THE FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION (Adopted by the committee of Ministers on 29. April. 1982, at its 70th session), P. 444

۶ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد ۳۲، ۱۳۷۳، ص ۴۴۶۴.

۷ جاسمی، محمد و بهرام، فرهنگ علوم سیاسی، جلد اول، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۵۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

جامعه دموکراتیک و قانون باشد تا با اعمال بیش از حد محدودیت‌ها موجب تضییع این حق از حقوق ملت نشود.

۲- مفهوم حق آزادی بیان

حق آزادی بیان یکی از مهم ترین و بنیادی ترین حقوق بشر و از زمره حقوق مدنی و سیاسی و به اصطلاح نسل اول حقوق بشر است که در بسیاری از اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است.[۱] آزادی بیان صرفا منحصر به آزادی سخن گفتن و سخنرانی نمی‌شود، بلکه به صور مختلف جلوه گر می‌شود. «بیان» عبارتست از بروز تبلور اندیشه ها، تفکرات و عقاید اشخاص به هر شکل ممکن و اینگونه تبلور مکنونات ذهنی انسان می تواند به شکل نوشتن، هنر، سخنرانی کردن و... تجلی یابد. بنابراین حق آزادی بیان فقط در معنای خاص آن یعنی سخن گفتن و آزادی کلام به کار نمی رود، بلکه مصادیق گوناگونی از جمله حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی های جدید اطلاع رسانی از جمله اینترنت و دیگر شبکه های خبری، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری (نقاشی، فیلم، سینما و تئاتر)، حق آزادی مطبوعات و حق تبلیغات تجاری را نیز شامل می گردد که در پرتو اسناد بین المللی و رویه بین المللی سعی شده است مصادیق مهم و اصلی آن آشکار گردد. در واقع آزادی بیان در مفهوم عام خود تحت عبارت (Freedom of Expression) به کار می رود.[۲]

۳- مفهوم حق آزادی بیان و عقیده در اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوقی بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات فردی آزاد باشد».[۳]

۴- حق دسترسی به اطلاعات

دسترسی به اطلاعات اعم است از «جستجو»، «دریافت» و «رساندن اطلاعات» که هم در اسناد و هم در رویه بین المللی بر آن تأکید و بعنوان جزء لاینکف آزادی بیان پذیرفته شده است. این حق مشتمل بر دسترسی به انواع اطلاعات، نظیر اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، محیط زیستی و حتی اطلاعات مربوط به سیستم نظامی می باشد.[۴] اساسا باید ذکر کرد که دسترسی به اطلاعات حق مطلقی نیست و نمی توان چنین تصور کرد که حق مزبور مخصوص شهروندان و اتباع یک کشور یا عموم افراد (تبعه و غیرتبعه) است. حق مذکور بستگی به این دارد که در زمره حقوق بشر محسوب شود، یا در زمره حقوق

---

[۱] قراچورلو، رزا، "حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی ج.ا.ا"، مجله کانون وکلا، شماره ۲۵و۲۶، تیر ۱۳۸۴، ص ۴۴.

[۲] رضایی نژاد، ایرج، "آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر"، مجله کانون وکلا، شماره ۸، آذر و دی ۱۳۸۰، ص ۲۶؛ و نیز، قراچورلو، رزا، پیشین، ص ۴۸.

[۳] مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

[۴] رضایی نژاد، ایرج، پیشین، ص ۲۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

شهروندی. کشورهایی که حق دسترسی به اطلاعات را در زمره حقوق بشر می دانند، بدون هیچگونه تبعیضی (بر اساس تابعیت یا محل اقامت و یا محل سکونت) حق دسترسی همگانی به اطلاعات را شناسایی کرده اند. ولی کشورهایی که این حق را خاص شهروندان می دانند، برای اتباع خارجی چنین حقی قائل نیستند و تنها به اتباع خود حق دسترسی به اطلاعات را می دهند. با این حال، اتباع خارجی برای دفاع از حقوق خود، با مراجعه به محاکم یا مراجع اداری کشوری که در آنجا حضور دارند، می توانند از این حق برخوردار شوند.[۱]

ب) حقوق بین الملل و حق آزادی بیان و اطلاعات

۱- مبانی آزادی اطلاعات در حقوق بین الملل

در اسناد معتبر بین المللی نیز همین وضع برقرار است. برای مثال ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه[۲] می گوید: «آزادی تبلیغ افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق بشری است. هر عضو جامعه مجاز است که آزادانه هرچه بخواهد بگوید و بنویسد و طبع کند، مگر اینکه از این آزادی سوء استفاده کند، که در این صورت به نحوی که قانون معین کرده است مسئول خواهد بود». گذشته از این اعلامیه که پیش از تأسیس سازمان ملل متحد به این اصل تصریح کرده و از نظر تاریخی بسیار مهم و مؤثر بوده است، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در نخستین اجلاس عمومی خود در سال ۱۹۴۶، یعنی دو سال قبل از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، در قطعنامه شماره ۵۹ اعلام کرد که: «آزادی اطلاعات یک حق بشری می باشد و سنگ محک همه آزادی هایی است که جوامع بشری آن ها را مقدس می شمارند؛

آزادی اطلاعات مستلزم حق جمع آوری، انتقال و انتشار اخبار در هر کجا و همه مکان ها، و بدون قید و بند می باشد. همچنین آزادی اطلاعات عامل اساسی هر تلاش جدی جهت ارتقاء صلح و پیشرفت جهان است؛ آزادی اطلاعات بعنوان رکنی ضروری نیازمند رضایت و ظرفیت، جهت بکار بستن امتیازات و مزایای آن بدون سوء استفاده می باشد. آزادی اطلاعات بعنوان دانشی بنیادین نیازمند تعهد اخلاقی به منظور جستجوی حقایق بدون جهت گیری و انتشار دانش بدون نیت بدخواهانه می باشد؛ درک و همکاری در بین ملت ها بدون اخطار و صدای افکار عمومی جهان که بطور منظم و تماما وابسته به آزادی اطلاعات می باشد، غیر ممکن است».

۲- کنفرانسی جهانی برای آزادی اطلاعات

مجمع عمومی همچنین در قطعنامه شماره ۵۹ به سال ۱۹۴۶، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را مأمور کرد تا به سرعت و قبل از پایان سال ۱۹۴۷، کنفرانسی جهانی در خصوص آزادی اطلاعات برپا

---

[۱] انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷، صص ۸۳-۸۴

[۲] مصوب ۱۷۸۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

کند. طبق بند «الف» قطعنامه مذکور: «هدف کنفرانس می بایستی که بیان واضح نگرش های کنفرانس، با تمرکز بر حقوق، تعهدات و اقداماتی باشد که لازم است در مفهوم کلی آزادی اطلاعات در نظر گرفته شود». همچنین به دستور بند «ب» این قطعنامه: «هیأت های نمایندگی در کنفرانس می بایست شامل افراد شاخص که در مطبوعات، رادیو، تصاویر متحرک و دیگر رسانه‌ها مشغول هستند و یا دارای تجربه می باشند، جهت انتشار اطلاعات باشد». این کنفرانس در سال ۱۹۴۸ در ژنو تشکیل شد و سه طرح مقاوله نامه تحت عناوین: (۱- مقاوله نامه جمع آوری و پخش بین المللی اخبار، ۲-مقاوله نامه حق بین المللی تصحیح و ۳-مقاوله نامه بین المللی کسب اطلاعات) تهیه و تقدیم داشت، که دو طرح اول در سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع عمومی رسید، و طرح سوم در سال ۱۹۶۲ به صورت اعلامیه توسط شورای اقتصادی و اجتماعی صادر و اعلام گردید. در هر صورت بر اثر درک اهمیت آزادی اطلاعات بعنوان «عامل اساسی هر تلاش جدی جهت ارتقای صلح و پیشرفت جهان» بود که این موضوع بعنوان یکی از مهم ترین نیازها و حقوق انسان ها، در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر[۱] به شرح زیر به رسمیت شناخته شد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

۳- گردش آزاد اطلاعات و حق آزادی اطلاعات

«آزادی اطلاعات»[۲] یکی از مباحث مهمی است که در عرصه مبانی نظری و فلسفه اطلاعات همواره حائز اهمیت بوده و در تعامل با مؤلفه های سیاسی و تأثیر ابعاد حقوقی، مورد توجه صاحب نظران مباحث رسانه و اطلاعات قرار داشته است. امکان دسترسی آزاد و بدون مانع اطلاعات، یکی از محورهای بحث اندیشمندان اطلاعات بوده است. این حوزه مطالعاتی با تکیه بر مبنای دموکراسی و آزادی های مدنی در جوامع غربی تقریبا از دهه ۱۹۷۰ و بویژه در اوایل دهه ۱۹۸۰ مورد توجه جدی واقع شد. مطرح شدن مباحث جدید آزادی اطلاعات بخصوص در عرصه رسانه‌های گروهی (فراملّی) و جریان آزاد اطلاعات به شکل یک برنامه جهانی، در سه دهه اخیر رشد بی سابقه ای داشته است. از آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات[۳] به «اکسیژن» دموکراسی تعبیر شده است. در حقیقت این آزادی و حق، نه تنها ضامن تحقق دموکراسی بلکه پیش نیاز و شاخص آن به شمار می روند. این یک بحث تازه نیست و ریشه در تطور جامعه نوین دارد.[۴] هر فرد انسانی حق دارد که بگوید و بشنود، بنویسد و بخواند و در یک کلام «اطلاعات» بگیرد و «اطلاعات» بدهد و یا به عبارت دیگر «ارتباط» برقرار کند. به بیان روشن تر، مقصود از آزادی اطلاعات

---

[۱] مصوب دسامبر ۱۹۴۸

[۲] Freedom of Information

[۳] Right to Access to Information

[۴] نمک دوست تهرانی، حسن، "آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بنیان دموکراسی"، مجله مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۳، ص ۶۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

آن است که: «هر انسان این اختیار را دارد که پیام های دارای مفهوم را انتقال دهد یا دریافت نماید. البته لزوما در چنین رابطه ای نباید هر پیام برای دو طرف رابطه دارای مفهوم باشد تا بتوان آن را مشمول مقررات حقوق بشر دانست، بلکه صرف حق انتقال پیام است که آن را در زمره حقوق بنیادین حمایت شده طبق این مقررات قرار می دهد». بحث آزادی اطلاعات ناظر بر یک رابطه دوسویه است؛ یعنی دریافت اطلاعات از یک طرف و انتقال اطلاعات از طرف دیگر، و این مهم با رسانه‌های نوین فراملّی محقق گشته است. تکنولوژی اطلاعات و ارتباطاتی جدید به واسطه اینترنت تبلور یافته اند و به طرز شگفت انگیزی محیط اطلاعاتی را تغییر داده اند. آن ها ابزارهای قدرتمندی جهت انتقال اطلاعات هستند و با وجود این رسانه‌ها، دسترسی تمام افراد به اطلاعات ممکن خواهد بود. رسانه‌های جدید فراملّی، استعداد شگرفی در انتشار اطلاعات دارند.[۱] اکثر مردم نمی دانند که حق دسترسی به اطلاعات را دارند و از این حق بهره مند نمی‌شوند. رسانه‌های فراملّی می توانند اطلاعات را به مردم بدهند و به نوعی واسطه انتقال این حق به مردم شوند.[۲]

۴- ضرورت های وجود حق آزادی بیان و اطلاعات

یکی از دلایل اصلی ضرورت وجود آزادی بیان، رابطه ای است که بین آزادی بیان و دموکراسی وجود دارد و حقیقتا اگر آزادی بیان نباشد، دموکراسی ناقص است. قوانین آزادی بیان و اطلاعات صرفا وسیله ای جهت تضمین حق آزادی بیان و اطلاعات نیست، بلکه حقوق مذکور همچنین ضمانت اجرایی برای آزادی رسانه‌هایی مانند ماهواره، اینترنت و.... می باشد که مردم بتوانند از آن ها استفاده کنند.[۳] امروزه وجود رسانه‌های فراملّی نوین، دولت ها را واداشته است که به دقت مواظب فعالیت ها، اظهارات و خط مشی سیاسی خود باشند و می دانند هر عمل آن ها به دقت مورد بررسی قرار می گیرد و طبیعتا منعکس خواهد شد. دولت ها زمانیکه در اعمال خود ریا و فریبکاری می کنند، به سرعت اعتبار خود را در جوامع بین المللی از دست می دهند.[۴] با توجه به مطالب مذکور می توان مهم ترین ضرورت های وجود حق آزادی بیان و اطلاعات را به شرح ذیل بیان کرد:

ـ شفافیت سازی حکومت

ـ دولت مبتنی بر حقوق

---

۱ Yushkiavitshus, Henrikas, ((Intellectual Freedom in Libraries in Eastern Europe)), IFLA Journal, 26, 2000, p. 289

۲ Carver, Richard, Freedom of information: TRAINING MANUAL FOR PUBLIC OFFICIALS, Lancaster House, ARTICLE 19 GLOBAL Campaign for Free Enpression, 2004, p. 26.

۳ Berger, Guy, Freedom of Expression, Access to Information and Empowerment of people,©UNESCO, 2009, p. 86.

۴ M. Lord, Kristin, The Perils and Promise of Global Transparency, state University of New York Press, 2006, p.106.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ آزادی اطلاعاتی و تحقق مفهوم شهروندی
ـ جامعه اطلاعاتی دموکراتیک، مبتنی بر آزادی بیان

۵- اهمیت و آثار اصل آزادی اطلاعات

گذشته از انگیزه های این نامگذاری، و با چشم پوشی از برخوردهای چندگانه ای که مجامع مدعی حمایت از آزادی مطبوعات تا کنون از خود نشان داده اند، بی‌تردید نقطه شروع همه مباحث ماهوی که پیرامون حقوق ارتباطات و رسانه‌ها طرح شده یا می‌شود، اصل آزادی اطلاعات است. اصل مذکور به این معنا است که: «قبول کنیم تمام فرایند برقراری ارتباط، از دسترسی به اطلاعات گرفته تا انتشار آن، قاعدتا مجاز و بی‌نیاز از آن است که از سوی قانونگذار جواز انجام آن بطور خاص اعلام شود». این محدودیت‌ها و ممنوعیت ها هستند که باید اعلام شوند؛ نه برعکس.

۶- جایگاه اصل آزادی اطلاعات و برنامه های ماهواره ای

نوعی از آزادی که امروزه در اکثر نقاط زمین از حداکثر ترویج و تبلیغ برخوردار گشته، «آزادی بیان و تبلیغ» است. شاید بتوان گفت چشمگیرترین جمله ای که درباره این آزادی گفته شده همان جمله معروف نقل شده از ولتر[۱] است که گفته: «من با این سخنی که تو می گویی مخالفم، ولی حاضرم بخاطر اینکه تو این سخن را آزادانه بیان کنی زندگی خود را از دست بدهم».

یکی از حقوقی که بر مبنای آزادی، در اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده همین حق است. اما آیا آزادی در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، مطلقا بدون هیچ محدودیتی به رشد و شکوفایی جوامع کمک خواهد کرد؟ و آیا نباید نسبت به آن هیچ ممنوعیتی اعمال داشت؟ یا اینکه آزادی مطلق در هیچ زمینه ای معقول نیست، بلکه از نظر حقوقی با توجه به اصل حاکمیت دولت ها که یکی از اصول اساسی منشور ملل متحد و نیز در روابط بین المللی است، ارسال اطلاعات به نحو اطلاق، چه بسا ممکن است منافی با حاکمیت بوده و باید در انتشار آن، محدودیت‌های جغرافیایی و رضایت دولت های گیرنده برنامه ها از قبل اخذ شده باشد؟

گفتار دوم: استثنائات و محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات

شاید در هیچ نظام حقوقی متمدنی نتوان از حق، بدون توجه به تکلیف سخن گفت. هر حقی تکلیفی به دنبال خود دارد و هر اختیاری در برگیرنده مسئولیت یا مسئولیت هایی است؛ بعنوان مثال می گوییم هر کس می تواند آنچه مایل است بگوید، مشروط بر آنکه سخنانش نظم عمومی یا امنیت را مختل نکند. به طریق

---

[۱] Wolter

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

اولی این ادعا برای رسانه‌های فراملّی نیز صدق می کند و آن ها هم نمی توانند به صورت مطلق برنامه های خود را ارائه بدهند. رسانه‌های فراملّی می توانند از حق آزادی بیان و اطلاعات برخوردار شوند، در نتیجه رسانه‌های مذکور تکلیف و مسئولیت هایی که از حق آزادی بیان و اطلاعات بر آن ها وارد می‌شود را نیز باید رعایت کنند، لذا محدودیت‌هایی بر حقوق رسانه‌های فراملّی (حق آزادی بیان و اطلاعات) وارد است.
کمیته وزرای شورای اروپا در اعلامیه سال ۲۰۰۴ اظهار می دارد: «که حق آزادی بیان وظایفی را نیز به رسانه‌ها تحمیل می کند که رسانه‌ها باید آن را رعایت کنند». شورای اروپا این وظایف را همان محدودیت‌های آزادی بیان می داند و از رسانه‌ها می خواهد که آن حقوق را نقض نکنند[۱]. اسناد حقوق بشری، حق آزادی بیان و اطلاعات را ذکر کرده اند و این حقوق در نص صریح این اسناد آمده اند. اسناد حقوق بشری اساسا حقی را بدون تکلیف و مسئولیت نمی دانند و این تکلیف و مسئولیت را برای حق آزادی بیان و اطلاعات نیز لحاظ کرده اند؛ این تکالیف و مسئولیت ها همان محدودیت‌های وارده بر آزادی بیان و اطلاعات است. شرایط مشروعیت محدودیت‌ها بسیار مسأله مهمی است. اگر بر حقی استثنائات و محدودیت‌هایی لحاظ می‌شود، باید آن محدودیت‌ها قانونی باشد و محدودیت‌هایی که خارج از قانون باشد به اصطلاح نامشروع قلمداد می‌شود.

بند اول: محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات در اسناد عام و منطقه ای حقوق بشر

اسناد حقوق بشری، هر کدام محدودیت‌هایی را برای آزادی بیان و اطلاعات لحاظ کرده اند و هیچکدام از آن ها حقوق مذکور را به صورت مطلق قلمداد نکرده اند. اولین موضوعی که در ارتباط با محدود ساختن حق آزادی بیان و اطلاعات جلوه گر می‌شود، تزاحم حقوق مذکور با دیگر حقوق بنیادین است.[۲] با استناد به اسناد حقوق بشری و همچنین با رجوع به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، می توان به ابهاماتی که در خصوص حق آزادی بیان و اطلاعات وجود دارد و پرسش هایی را ایجاد می کند که حقوق مذکور در چه مرتبه ای نسبت به حق های دیگر قرار دارد، مطالب زیر را ذکر کرد؛[۳]
آزادی بیان و سایر آزادی های حقوق بشری، همه از ارزش حقوقی برخوردارند؛[۴] بنابرین تا حد امکان باید نوعی همزیستی و تعادل میان تمام این حقوق برقرار گردد. به عبارت دیگر تا آنجاکه ممکن است، باید آزادی هایی را که می توانند با یکدیگر در تناقض باشند، به صورت موازی هم تأمین کرد و میان آن ها

---

[۱] CM, Declaration on freedom of political debate in the media (Adopted by the committee of Ministers on 12. February. 2004, at the 872nd meeting of the Ministers'Deputies), Para. 2

[۲] Callamard , Agnes, June., ((Freedom of speech and offence: why blasphemy laws are not the appropriate response, Equal voices)), the magazine of the European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia, Issue 18, 2006, p.2.

[۳] Sturges, Paul, ((The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to networked Information)), IFLA Journal, 26, 2000, p. 7.

[۴] قابل ذکر است که حقوقی مانند حق حیات، ممنوعیت بردگی، ممنوعیت شکنجه و... (ذکر شده در بند ۲ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) جزء حقوق بنیادین و غیر قابل تعلیق بشری محسوب می شوند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

تعادل ایجاد نمود. اما اگر این تعادل محقق نگردید و بطور نمونه از طریق آزادی بیان، یکی از حقوق و ارزش های یاد شده نادیده گرفته شد، در آن هنگام می توان این آزادی را محدود کرد. هرچند در جامعه دموکراتیک، این امر به آسانی امکان پذیر نیست و منوط به فراهم بودن شرایط خاصی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۲ ماده ۲۹ خود، به مسأله تزاحم و تعارض حق ها با یکدیگر و محدود کردن آن ها پرداخته است. بند ۲ این ماده مقرر می دارد: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرا به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران، و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است». به عبارت دیگر، اعلامیه جهانی حقوق بشر، خود محدودیتی به حقوق بشر وارد نمی کند، بلکه آن را به قوانین داخلی وا می گذارد. این رویه در اسناد حقوق بشری، پس از اعلامیه مذکور به چشم نمی خورد. در واقع به نظر می رسد طراحان این اسناد برای جلوگیری از سوء استفاده دولت ها، در صدد برآمدند تا خود نیز محدودیت‌های وارد بر آزادی ها را به صراحت احصاء نمایند. برای مثال: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند سوم ماده نوزدهم خود در میان محدودیت‌های آزادی بیان، چنین مقرر می کند:

الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

در ماده ۲۰ میثاق یاد شده نیز برخی محدودیت‌ها برای آزادی بیان پیش بینی شده اند. متن ماده اخیر به این قرار است:

ـ هرگونه تبلیغ برای جنگ، به موجب قانون ممنوع است

ـ هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی، که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.

کنفرانس عمومی یونیسکو[۱] در اجلاس بیستم خود در سال ۱۹۷۸ از «نقش رسانه‌های جمعی» برای مقابله با جنگ های تهاجمی، نژاد پرستی، آپارتاید و گونه های دیگر نقض حقوق بشر که بواسطه تبعیض و تعصب و جهالت بوجود آمده است، با روشنگری در زمینه تبیین اهداف، خواست ها، آرمان ها، فرهنگ ها و نیازهای همه مردم سخن گفت. اما صرف آگاهی نسبت به حقوق بشر برای تضمین عدم نقض آن کافی نمی‌باشد. مسئولیت دوم و عمده رسانه‌های جمعی باید این باشد که موارد نقض حقوق بشر را آشکار نموده و محکوم نمایند. افرادی که در رسانه‌های جمعی فعالیت می کنند باید این اشتیاق را داشته باشند که خودشان را در زمره نیروهایی که برای توسعه، حمایت و حفاظت از حقوق بشر مبارزه می کنند محسوب نمایند.

---

۱ UNESCO

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تکالیف و مسئولیت هایی را بر آزادی بیان و اطلاعات لحاظ می کند.

- بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون، چنین مقرر می دارد:

«۲- به کار بستن این آزادی ها (آزادی بیان و اطلاعات) همراه تکلیف و مسئولیت هایی است. این تکالیف و مسئولیت ها ممکن است تابع برخی تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا ضمانت های اجرایی که در قانون پیش بینی شده است و در یک جامعه دموکراتیک برای اقدامات بایسته برای امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، دفاع از نظم و پیشگیری از جنایت، پاسداری از سلامت یا اخلاق، پاسداری از آبرو و حیثیت یا حقوق دیگران، و نهایتا حفاظت از اطلاعات محرمانه به کار برود، باشد». محدودیت‌هایی که برای آزادی بیان در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ذکر شده است، به استثنائات و محدودیت‌های مندرج در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بسیار مشابهت دارد.

- بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، چنین مقرر می دارد:

«برخوردار شدن از حق (آزادی بیان) بدون مداخله دیگران امری ضروری است، اما این حق بدون تکلیف و مسئولیت نمی باشد. البته اعمال محدودیت بر این حق باید ضروری باشد و به وسیله قانون صراحتا پیش بینی شده باشد. محدودیت‌هایی که وارد بر حق آزادی بیان است، از این قرار است:

الف- احترام به حقوق و حیثیت دیگران

ب- حمایت از امنیت ملی، حمایت از نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاق.

- همچنین بند پنجم ماده مذکور اشعار می دارد:

«هر نوع تبلیغ برای جنگ ممنوع است و همچنین هر نوع ترویج نفرت ملی، مذهبی و نژادی ممنوع است و تخطی از آن ها با کیفر توسط قانون باید پاسخ داده شود».

منشور آفریقایی حقوق بشر را جزء ضعیف ترین اسناد در ارتباط با محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات می دانند.

- بند ۲ ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر، آزادی بیان و اطلاعات را احصاء می کند و چنین مقرر کرده است: «هر فرد حق آزادی بیان و انتشار عقاید خود را در (چارچوب قانون) داراست». درج عبارت «در چارچوب قانون» راه هرگونه اقدام محدود کننده را باز گذارده است؛ در واقع شرطی ابتدایی و سنگین است که از همان آغاز، حقوق مذکور را محدود می نماید. به جهت این نوع نگارش، منشور آفریقایی حقوق بشر، از ضعیف ترین انواع اسناد مربوط به حقوق بشر، در ارتباط با حق آزادی بیان و اطلاعات، ارزیابی شده است. اینکه به چه دلیل، منشور آفریقا، با احتیاط کامل تنظیم شده است؟ برخی پاسخ ها به زمان و شرایط تدوین منشور دلالت دارد. بدین معنی که سابقه استعماری کشورهای آفریقایی، و نگرانی در خصوص بی ثباتی و از هم گسیختگی وحدت داخلی برای کشورهایی که تازه به استقلال رسیده اند و هنوز تا رسیدن به استقلال واقعی راه درازی در پیش دارند، تدوین کنندگان منشور آفریقا را به احتیاط بیشتر هدایت کرده است. از این رو به نظر می رسد که مشکلات اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و فنی کشورهای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

آفریقایی باعث شده است که موضوع حقوق بشر و حق آزادی بیان و اطلاعات و عقیده، در درجه کم اهمیت تری قرار گیرد و از هر گونه اقدام و رفتاری که به تشدید مشکلات اقتصادی و قومی آن ها منجر شود، با احتیاط وافر اجتناب شود.[۱]

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز محدودیت‌هایی بر آزادی بیان و اطلاعات حمل می کند که اساسا تکالیف شرعی و مذهبی است.

-بند الف ماده ۲۲ اعلامیه مذکور، اذعان می دارد که:

«هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند...»[۲]

همچنین بند ج و د ماده مزبور، عدم تبلیغات و ترویج نفرت را جزء محدودیت‌های آزادی بیان بر می شمارد؛

-بند ج این ماده مقرر می دارد که:

«تبلیغات یک ضرروت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن، و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء، یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش ها و یا متشتت شدن جامعه، یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است»

-بند د این ماده نیز چنین مقرر می دارد که:

«برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست».

بند ب ماده ۱۸۰ این اعلامیه حریم خصوصی و همچنین حقوق و حیثیت دیگران را جزء محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات قلمداد می کند.

-در بند ب ماده ۱۸ اعلامیه مذکور چنین آمده است:

«هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن، خانواده، مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد، و جاسوسی یا نظارت بر او، یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه در این شؤون حمایت شود».

بند دوم: مصادیق محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات و مستندات قانونی آن ها

الف) حریم خصوصی: حریم خصوصی جزء استثنائات مهم آزادی بیان و اطلاعات می باشد که اکثر اسناد حقوق بشری به آن اشاره کرده اند؛ که می توان به ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند اول ماده

---

[۱] کولیور، ساندارا، حق آزادی و امنیت، مترجم: آقایی، علی اکبر، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۶۱.

[۲] شایان ذکر است که به مشابهت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه اسلامی حقوق بشر در تبیین حق آزادی بیان و احصاء حق مزبور اشاره کرد. قانونگذار در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آزادی بیان در مطبوعات پرداخته است و اشعار می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند....»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۱۷ و بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند اول ماده ۸ و بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند دوم ماده۱۱ و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، و نهایتا به بند دوم ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد.

ب) حقوق و حیثیت دیگران: حقوق و حیثیت دیگران استثنای مهم دیگری بر آزادی بیان و اطلاعات است؛ که در بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ذکر گردیده است.

ج) سلامت و بهداشت عمومی: اسناد متعددی به موضوع سلامت و بهداشت عمومی بعنوان استثنایی بر آزادی بیان و اطلاعات پرداخته اند؛ که می توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نهایتا ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره کرد.

د) اخلاق: اخلاق نیز یکی از مهم ترین استثنائات وارده بر آزادی بیان و اطلاعات است؛ که بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بدان اشاره کرده اند.

ه) نظم عمومی: در خصوص نظم عمومی نیز یقینا باید اذعان کرد که اسناد متعددی به آن اشاره کرده اند؛ که از جمله می توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی اشاره کرد.

در مورد نظم عمومی دو دیدگاه متناقض وجود دارد: ۱-دیدگاه نوعی و ۲-دیدگاه ذهنی.

- دیدگاه نوعی معتقد است که: «عناصر نظم عمومی را باید در روابط عینی جست و جو کرد؛ به این معنا که مثلا اگر در نقطه ای بلوا و آشوبی رخ دهد و یا گروهی در خیابان تجمع بکنند و با حمله به مردم یا شکستن شیشه ها به ارعاب مردم بپردازند، نظم عمومی مختل خواهد شد»؛

- اما برخی با اتخاذ دیدگاه ذهنی معتقدند که: «نظم عمومی همان اصول کلی حیات اجتماعی است و بطور مشخص در قوانین و یا قواعد اخلاقی تجلی یافته است».

مقررات بین المللی حقوق بشر از دیدگاه نوعی پیروی می کنند.[۱] طبق این مقررات، تعریف ملی از نظم عمومی تا جایی معتبر است که با تعریف مقررات بین المللی لازم الاجرای حقوق بشر در تعارض نباشد.[۲]

---

[۱] صادقی، محسن، "مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و جلوه های نوین آن"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴، ص ۹۱.

[۲] ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین چنین مقرر می کند: «بند ۱: هیچ کشوری نمی تواند با تکیه بر این واقعیت که رضایتش به التزام در قبال معاهده، در نتیجه نقض مقررات داخلی آن در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده و رضایتش را معلول ساخته استناد کند، مگر آن که نقض آشکار بوده و به یک قاعده مهم بنیادین حقوق داخلی مربوط باشد...»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

و) عدم تبلیغ برای جنگ: عدم تبلیغ برای جنگ استثنای بسیار مهمی است که با کمال تعجب، اسناد کمتری نسبت به دیگر استثنائات بر آزادی بیان و اطلاعات، بدان اشاره کرده اند. بطور کلی می توان به ماده ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند پنجم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و نهایتا بند سوم ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد که به موضوع عدم تبلیغ برای جنگ پرداخته اند.

ز) عدم ترویج نفرت: عدم ترویج نفرت نیز مانند عدم تبلیغ برای جنگ، جزء استثنائاتی است که اسناد متعددی بدان اشاره نکرده اند. در رابطه با موضوع عدم ترویج نفرت می توان به ماده ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند پنجم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و نهایتا بند چهارم ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد.

ح) امنیت ملی: امنیت ملی استثنای بسیار مهمی بر آزادی بیان و اطلاعات است که بر عکس عدم تبلیغ برای جنگ و عدم ترویج نفرت، اسناد بیشتری صراحتا بدان اشاره کرده اند؛ که می توان به بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند دوم ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشار کرد.

بند سوم: شرایط مشروعیت محدودیت در حقوق بین الملل

اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات به دلیل اهداف مشروعی مانند حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق افراد می باشد؛ زیرا چنانچه حقوق و آزادی های عمومی بدون حد و حصر باشند، به هرج و مرج در جامعه منجر شده و همچنین در نهایت به خود این حقوق و آزادی ها نیز لطمه وارد می‌شود. اما نباید فراموش نمود که اعمال این محدودیت‌ها می بایست به صورت استثنایی انجام گیرد. کمیته حقوق بشر در خصوص محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان و اطلاعات صراحتا اعلام می دارد: «اگر دولتی محدودیتی را بر آزادی بیان تحمیل نماید، آن محدودیت نباید بعنوان حقی برای دولت محسوب بشود. به عبارت دیگر محدود کردن آزادی بیان حق دولت نیست و تحمیل کردن محدودیت بر آزادی مذکور، اساسا حق نیست بلکه استثنایی بر حقی بشری است»[۱]. ضوابط مشترکی در بسیاری از کنوانسیون ها و مقررات بین المللی حقوق بشری جهت ارزیابی مشروعیت محدودیت‌های آزادی اطلاعات پیش بینی شده است. به کمک این ضوابط، حقوقدانان، وکلا و مدافعان آزادی بیان و اطلاعات می توانند با محدودیت‌های نامشروعی که علیه آزادی مذکور وجود دارد مقابله کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اصول هفت گانه ای را برای احراز مشروعیت محدودیت‌های قابل تحمیل بر آزادی بیان و اطلاعات پیش بینی کرده اند.[۲] مسلما کشورهایی که

---

[۱] HRC,General Comment no.34, Article19: Freedoms of Opinion and expression, one Hundred and Second Session, Geneva 11, 29. July. 2011, Para. 21

[۲] انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷، ص ۱۵۵.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

در قبال این اسناد متعهد هستند باید در قوانین و دادگاه های خود این ضوابط هفت گانه را به کار بگیرند. با توجه به اینکه ضوابط مذکور در همه اسناد مهم حقوق بشر آمده است و به دلیل آن که همه کشورها به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر متعهد شده اند، می توان محاکم همه کشورها را متعهد به اعمال این ضوابط هفت گانه دانست. به عبارت دیگر اگر یک دولت در موردی، آزادی بیان را به نحوی محدود کرده باشد، بعنوان مثال: قواعدی در مورد فعالیت رسانه‌های فراملّی وضع کرده باشد که با این شرایط هفت گانه منطبق نباشد مرتکب نقض مقررات بین المللی حقوق بشر گردیده است که مسئولیت بین المللی ناشی از این تخلف را نیز در پی خواهد داشت. بنابراین دولت ها باید به نحوی محدودیت‌ها را اعمال نمایند که این محدودیت‌ها منجر بدان نشود که اساس و موجودیت این حقوق نقض شود. به همین خاطر دولت ها موظفند شرایطی را مراعات نموده تا آنکه اساس این حقوق حفظ گردد. این شروط عبارت است از:

۱-استثنایی بودن محدودیت‌ها

۲-لزوم تعیین واعلام محدودیت‌ها

۳-ضرورت مستدل بودن محدودیت‌ها

۴-وجوب مستند بودن محکومیت ها

۵-قانونی بودن محدودیت

۶-ضروری بودن محدودیت

۷-تطابق محدودیت با موارد احصاء شده در اسناد حقوق بشری

الف) استثنایی بودن محدودیت‌ها: آزادی هیچگاه بی‌اندازه و بدون حد و مرز نیست؛ همانگونه که به معنی فرار از پاسخگویی نیست. آزادی در همه جا و از جمله در عرصه مطبوعات و اطلاع رسانی دارای محدودیت بوده و نیز مسئولیت آفرین است. اما مهم این است که شک در جواز یا ممنوعیت به نفع آزادی تمام می‌شود. به عبارت دیگر دسترسی و انتشار اطلاعاتی که در مورد ممنوعیت آن ها شک و تردید داریم، آزاد است و تا چیزی رسما و صریحا ممنوع نشده باشد، مجاز محسوب می‌شود.

ب) لزوم تعیین و اعلام محدودیت‌ها: رسانه یا شخصی که به دنبال کسب اطلاعات و یا انتشار آن است، ملزم به مراجعه برای سؤال در مورد جواز یا عدم جواز نیست؛ و نیز لازم نیست در انتظار اظهار نظر مقامات و نهادها بماند. آن ها هستند که باید پیشگام در تعیین شفاف و اعلام صریح موارد ممنوع گردند.

این گفته البته به معنای تجویز سهل‌انگاری در آشنایی با قوانین و مقررات شغلی نیست. در جامعه متمدن و معقول، هر کس مکلف است تا برای آشنایی با احکام و الزاماتی که غالبا با آن ها سرکار دارد تلاش نماید و به اصطلاح «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست». این نکته روشن بوده و مقصود آن است که در صورت عدم اعلام ممنوعیت ها از سوی مراجع قانونی، اشخاص ملزم به مراجعه و کسب تکلیف نیستند.

ج) ضرورت مستدل بودن محدودیت‌ها: چنانکه اشاره شد، وضع محدودیت و ممنوعیت برای آزادی اطلاعات مثل آزادی در هر زمینه دیگری، ممکن و بلکه لازم است؛ اما نیازمند ارائه دلیل و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

توجیهات قانع کننده از سوی نهادهای مربوط نیز هست. برای مثال: رعایت مقتضیات امنیت ملی یکی از موجه ترین مواردی است که می تواند دلیلی برای ممنوع یا محدود کردن دسترسی به اطلاعات یا انتشار آن باشد. اما نهادهایی که قانونا مجاز به تعیین و اعلام مصداق های این گونه موارد هستند، باید بتوانند ثابت کنند که مثلا انتشار فلان خبر واقعا موجب اخلال در امنیت ملی خواهد شد.

د) وجوب مستند بودن محکومیت ها: در صورت ورود اتهام مبنی بر نقض حدود آزادی مطبوعات و اطلاعات، این نهادهای قضایی و حاکمیتی هستند که باید دلیلی موجه برای ورود اتهام ارائه دهند؛ نه اینکه متهم ملزم به اثبات بی‌گناهی خود باشد. «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». این یک اصل شناخته شده در همه نظام های حقوقی است که در اصل سی و هفتم قانون اساسی کشور ما هم مورد قبول واقع شده است. بنابراین آثار مهم و تعیین کننده اعتقاد به اصل آزادی اطلاعات در امور ماهوی اطلاع رسانی قابل انکار یا چشم پوشی نیست. حتی می‌توان گفت این اصل، نقطه آغاز مباحث شکلی در این حوزه نیز هست؛ زیرا گفتگو درباره فرایند تأسیس و اداره رسانه‌ها و برقراری ارتباط نیز، بدون پذیرش اصل آزادی بی‌نتیجه یا دست کم بسیار دشوار و کم بازده است. اگر اصل اولیه در تأسیس و اداره رسانه و برقراری ارتباط توده‌ای را آزادی بدانیم؛ آنگاه صحبت از محدودیت‌ها آسان است؛ برخلاف زمانی که چنین اقدامی را اصولا غیرمجاز دانسته و مثلا انتشار نشریه را «امتیاز»ی تلقی نماییم که به شهروندان می‌دهند؛ و نه «حق»ی که همگان طبق قاعده از آن برخوردارند و سلب یا منع آن نیازمند ارائه دلیل قانع کننده است. امتیاز، لطفی است که می توان کرد یا نکرد، دلیلی جز خواست صاحب اصلی آن ندارد، به هر شخصی خواست «اعطا» می‌کند و هر وقت خواست پس می‌گیرد. به همین جهت گفته شده که اگر «اصل آزادی اطلاعات» را نپذیریم، دیگر ادامه بحث نا ممکن یا حداقل دشوار و کم نتیجه خواهد شد و باز برای همین است که قانون اساسی همه کشورها به نوعی از این اصل یاد می‌کنند و حداقل تظاهر به وفاداری به آن می‌کنند.

ه) قانونی بودن محدودیت: شکی نیست که مقامات داخلی یک کشور در تحدید حقوق، از آزادی عمل برخوردار می باشند. و این آن ها هستند که تعیین می نمایند در چه ظرف زمانی یا مکانی می توان این محدودیت‌ها را بر آزادی ها و حقوق اشخاص اعمال نمود. اما اینکه محدودیت‌ها می بایستی که منطبق با قانون باشد به معنی آن است که مطابقت با قانون داخلی مد نظر می باشد. به عبارت دیگر این قانون داخلی است که به تعریف محدودیت‌ها و شرایط آن ها می پردازد[۱]. در این راستا کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد صراحتا اعلام می دارد: «قانونی بودن محدودیت بسیار اهمیت دارد، تا آنجا که اگر محدودیت‌ها قانونی نباشند، مشروعیت ندارند و اساسا مشروعیت محدودیت، منوط به قانونی بودن آن است.[۲] کمیته حقوق بشر همچنین در خصوص این شرط و در تشریح بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و

[۱] کوچ نژاد، عباس، "محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی"، مجله حقوق اساسی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷۴.
[۲] کوچ نژاد، عباس، همان، ص ۱۷۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

سیاسی اظهار می دارد که: «قانونی بودن محدودیت، علت های مهم و غیرقابل انکاری دارد؛ یکی از آن علل این است که تشریح محدودیت توسط قانون فرد را قادر می سازد که آن محدودیت را با دقت بالا و صحیح اعمال کند. همچنین یک علت دیگر این است که عموم مردم از آن محدودیت مطلع شوند»[۱]. بنابراین باید هر محدودیتی طبق قانون تعیین شده باشد، به این معنا که: اولا اعمال محدودیت باید طبق قانون داخلی آن کشور پیش بینی شده باشد؛ ثانیا نتایج تخطی از محدودیت قانونی برای عموم قابل پیش بینی باشد.

و) ضروری بودن محدودیت: ضروری بودن محدودیت‌ها بدین معنی است که این محدودیت‌ها می بایست در پاسخ به نیازهای اساسی یک جامعه اتخاذ شوند و این محدودیت‌های ضروری باید از دو شرط برخوردار باشند:

اول: آنکه اقدامات اتخاذی باید مناسب با هدفی مشروع بوده؛ و

دوم: آنکه اقدامات اتخاذی باید با معیارهای دموکراتیک منطبق باشند.[۲]

در رابطه با هدف مشروع لازم به توضیح است که دولت ها نمی توانند به هر دلیلی به اقدامات محدود کننده دست بیازند و محدودیت باید در یک جامعه دموکراتیک از ضرورت برخوردار باشد، بدین معنا که محدودیت اعمال شده باید در پاسخ به یک نیاز جدی فعالیت اجتماعی باشد. کمیته حقوق بشر در این خصوص صراحتا اعلام می دارد که محدودیتی مشروع است که «ضروری» باشد[۳]. در خصوص ضروری بودن محدودیت باید به موضوع تناسب محدودیت با نیاز اجتماعی جامعه نیز اشاره کرد. به این معنا که محدودیت باید با نیاز اجتماعی سنخیت داشته باشد و از حد متناسب خارج نشود و هر دولت نیز باید دلایل عینی و کافی مبنی بر اصالت و جدیت موضوع ارائه کند. کمیته حقوق بشر در این خصوص اعام می کند که: «محدودیت باید با آزادی بیان و اطلاعات متناسب باشد. زمانیکه دولتی خواستار محدودیتی بر آزادی بیان و اطلاعات می‌شود باید استدلال دقیقی از اقتضای آن محدودیت داشته باشد و به صورت شفاف و غیر مبهم، تهدید و خطر فقدان محدودیت مربوط بر آزادی بیان و اطلاعات را تبیین کند و یک رابطه مستقیم و بی واسطه را بین آزادی بیان و تهدید نشان دهد»[۴].

ز) تطابق محدودیت با موارد احصاء شده در اسناد حقوق بشری: محدودیت‌های وارده بر حقوق و آزادی بیان و اطلاعات، می بایستی که در جهت منافع کشور یا منافع جامعه و یا به منظور حمایت از حقوق دیگران باشد که بر اساس یکی از موارد مندرج و احصاء شده در اسناد حقوق بشری مربوطه قابل

---

[۱] HRC, General Comment no.10: Freedom of expression (Art.19), (Nineteenth Session,1983), Office of united Nation High Commissioner for Human Rights Geneva, Switzerland, Para. 3

[۲] کوچ نژاد، عباس، پیشین، ص ۱۷۶.

[۳] HRC,General Comment no.34, Article19: Freedoms of Opinion and expression, one Hundred and Second Session, Geneva 11, 29. July. 2011, Para. 33

[۴] HRC, oP. cit., Para. 36

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

توجیه باشد. در رابطه با این شرط، کمیته وزرای شورای اروپا اظهار می دارد که: «کنترلی که بر رسانه‌های فراملّی و بویژه اینترنت می‌شود باید با محدودیت‌های آزادی بیان و اطلاعات مندرج در بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هماهنگی کامل داشته باشد و اگر دولتی بخواهد محدودیتی را بر رسانه‌های فراملّی اعمال نماید باید محدودیتش با بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون مزبور در تطابق کامل باشد»[۱]. بعنوان مثال: اگر دولتی یک سایت اینترنتی را فیلتر می کند باید توجیه فیلتر کردن سایت مربوطه، نقض کردن یکی از موارد محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات در اسناد حقوق بشری باشد. در همین راستا کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد صراحتا اعلام می دارد که: «اعمال کردن محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات نباید از موضوع و اهداف میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تخطی کند و باید در تطابق کامل با میثاق و اهدافش باشد». بعنوان مثال نباید قوانینی وضع شود که مقررات عدم تبعیض نژادی میثاق را نقض کند، یا اینکه قوانین برای مجازات نقض کننده محدودیت آزادی بیان و اطلاعات، مجازات بدنی پیش بینی کنند که این نیز مغایر با اصول و اهداف میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است[۲]. بنابراین اگر قوانینی برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اطلاعات وضع شود که در تطابق با موارد احصاء شده و مندرج در اسناد حقوق بشری نباشد، باید گفت که آن قانون مشروعیت ندارد و مانعی برای رعایت نکردن آن وجود نخواهد داشت.

نتیجه گیری

رسانه‌های فراملّی رسانه‌هایی هستند که از مرزهای سیاسی کشورها عبور می کنند و هیچ حد و مرزی برای آنها قابل تصور نیست. چهار گروه از رسانه‌ها (رادیو، کتاب، ماهوراه، اینترنت) شامل رسانه‌های فراملّی می شوند، که به دلیل اهمیت کمتر رادیو و نیز محدودیت‌های حاکم بر کتاب -بیشتر از لحاظ ترجمه و انتشار که در انحصار مراجع ذی صلاح داخلی دولت هاست- در این پژوهش فقط رسانه‌های نوین ماهواره و اینترنت مورد توجه قرار گرفتند؛ دو ابر رسانه ای که توانمندی های بسیار عظیمی دارند، و مردم در هر نقطه ای از جهان که باشند و با هر زبان و فرهنگی که داشته باشند، بدلیل سهولت قابلیت دسترسی و قدرت تأثیرگذاری فوق العادع زیاد این رسانه‌ها، شدیدا از آنها متأثر می شوند. رسانه‌ها از حق آزادی بیان و اطلاعات که جزء حقوق بنادین بشر محسوب می‌شود برخوردارند و در نتیجه رسانه‌های فراملّی نیز که زیرمجموعه رسانه‌ها قرار می گیرند از حقوق مذکور بی بهره نیستند.

---

۱ CM, Recommendation CM/Rec (2008) 6 of the Committee of Ministers to member states on measures to promote the respect for freedom of expression and information with reqard to Internet filters, (Adobted by the Committee of Ministers on 26. March. 2008, at the 1022nd meeting of Ministers' Deputies), Para. 3

۲ Ibid, Para. 37

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

حق آزادی بیان و اطلاعات در اسناد بین المللی حقوق بشری، چه به شکل عام و چه به شکل خاص مورد توجه قرار گرفته اند و در حقیقت آزادی بیان و اطلاعات از این اسناد استخراج می شوند و دارای پایگاه و اعتبار حقوقی هستند. علیرغم جایگاه والای حق آزادی بیان و اطلاعات در اسناد بین المللی و نقش آنها در شفاف سازی حکومت، تحقق مفهوم شهروندی و جامعه اطلاعاتی دموکراتیک، باید افزود که این حقوق، جزء حقوق مطلق به شمار نمی روند و در همین اسناد نیز برای آنها محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است. مسئولیت ها و محدودیت‌های حق آزادی بیان و اطلاعات در تمام اسناد حقوق بشری ذکر گردیده است اما مصادیق محدودیت‌ها در اسناد مذکور بعضا متفاوت است.

در خصوص مشروعیت اعمال محدودیت‌ها بر آزادی بیان و اطلاعات باید ذکر کرد که محدودیت‌هایی که بر آزادی بیان و اطلاعات لحاظ می‌شود باید به صورت استثنا باشد و اعمال محدودیت‌ها اساسا حق محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر اگر یک دولت آزادی بیان را به نحوی محدود کرده باشد،که با این شرایط منطبق نباشد مرتکب نقض مقررات بین المللی حقوق بشر گردیده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

- انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، زمستان (۱۳۷۷).
- جاسمی، محمد و بهرام، فرهنگ علوم سیاسی، جلد اول، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ سوم، (۱۳۸۷).
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد ۳۲، (۱۳۷۳).
- بردبار، محمد حسن، "اصول حقوقی حاکم بر ماهواره ها"، مجله کانون وکلا، شماره ۱۷۶، بهار (۱۳۸۱).
- حسینی، سید ابراهیم، "برنامه های ماهواره ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت ها و اصل آزادی اطلاعات"، مجله معرفت، شماره ۳۶، مهر و آبان (۱۳۷۹).
- رضایی نژاد، ایرج، "آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر"، مجله کانون وکلا، شماره ۸، آذر و دی (۱۳۸۰).
- صادقی، محسن، "مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و جلوه های نوین آن"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان (۱۳۸۴).
- قراچورلو، رزا، "حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی و در قانون اساسی ج.ا.ا"، مجله کانون وکلا، شماره ۲۵و۲۶، تیر (۱۳۸۴).
- کوچ نژاد، عباس، "محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی"، مجله حقوق اساسی، شماره ۳، زمستان (۱۳۸۳).
- کولیور، ساندارا، حق آزادی و امنیت، مترجم: آقایی، علی اکبر، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، زمستان (۱۳۷۹).
- نمک دوست تهرانی، حسن، "آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بنیان دموکراسی"، مجله مجلس و پژوهش، سال دهم، شماره ۴۲، بهار (۱۳۸۳).

-Berger, Guy, Freedom of Expression, Access to Information and Empowerment of people,©UNESCO, (2009).
-Callamard , Agnes, June., ((Freedom of speech and offence: why blasphemy laws are not the appropriate response, Equal voices)), the magazine of the European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia, Issue 18, (2006).
-Carver, Richard, Freedom of information: TRAINING MANUAL FOR PUBLIC OFFICIALS, Lancaster House, ARTICLE 19 GLOBAL Campaign for Free Enpression, (2004).
-Clinton, orla, number 2, ((The role of media in war and peace)), published by the life & peace Institute, Volume 8, (2003).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

-Kurbalija, Jovan, ((INTERNET GOVERNANCE AND INTERNATION LAW)), Reforming Internet Governance: Perspectives from WGIG, (2001).
-M. Graham, Lorie, A RIGHT TO MEDIA?, COLUMBIA HUMAN RIGHTS LAW REVIEW, (2010).
-M. Lord, Kristin, The Perils and Promise of Global Transparency, state University of New York Press, (2006).
-Oborne, Michael, Space 2030 TACKING SOCEITY'S CHALLENGES, ORGANIZATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT © OECD,February, (2005).
-Okello – Orlale, Rosemary, ((The Role of Media in Promoting Access to Information and Serving as a Public Watchdog)), African Woman and Child Feature Sevice, (2008).
-Seragua – Serrano, Antonio, ((Internet Regulation and the role of International Law)), Max Planch Year book of United Nations Law, volume 10, (2006).
-Selwyn, Neil, A Safe Heaven for Misbehaving?: An Investigation of Online Misbehavior Among University Students, Social Science Computer Review, (2008).
-Sturges, Paul, ((The Council of Europe, Freedom of Expression and Public Access to networked Information)), IFLA Journal, 26, (2000).
-Yushkiavitshus, Henrikas, ((Intellectual Freedom in Libraries in Eastern Europe)), IFLA Journal, 26, (2000).
-CE, Recommendation Rec, 16 of the committee of Ministers to member states on the right of reply in the new media environment (Adopted by the committee of Ministers on 15. December. 2004, at the 909th meeting of the Ministers Deputies).
-CM, DECLARATION ON THE FREEDOM OF EXPRESSION AND INFORMATION (Adopted by the committee of Ministers on 29. April. 1982, at its 70th session).
-CM, Declaration on freedom of political debate in the media (Adopted by the committee of Ministers on 12. February. 2004, at the 872nd meeting of the Ministers'Deputies).
-CM, Declaration on freedom of political debate in the media (Adopted by the committee of Ministers on 12. February. 2004, at the 872nd meeting of the Ministers'Deputies).
-CM, Recommendation CM/Rec (2008) 6 of the Committee of Ministers to member states on measures to promote the respect for freedom of expression and information with reqard to Internet filters, (Adobted by the Committee of Ministers on 26. March. 2008, at the 1022nd meeting of Ministers' Deputies).
-ECHR, Frand GEERK v/s SWITZERLAND, APPLICTION/REQUETE no 7640/76, DECISION OF 7 MARCH 1978 on the admissibility of the application, no 7640/76.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

-GA/A/RES/37/22, Principles Governing the Use by States of Artificial Earth Satellites for International Direct Television Broadcasting, 10. December. 1982.
-HRC, Ninety–Seventh Session 12-30, October. 2009, CPR/C/MDA/CO/2/4 Novermber. 2009.
-HRC,General Comment no.34, Article19: Freedoms of Opinion and expression, one Hundred and Second Session, Geneva 11, 29. July. 2011.
-HRC, General Comment no.10: Freedom of expression (Art.19), (Nineteenth Session,1983), Office of united Nation High Commissioner for Human Rights Geneva, Switzerland.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان

مهدی زکوی (عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)
m_zakavi2010@yahoo. com

چکیده

اصل بر این است که اطفال در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری بوده و در نتیجه از مجازات معاف می‌باشند، اما ویژگی‌های شخصیتی، آسیب پذیری و ضرورت پیش گیری از ارتکاب مجدد جرم از سوی آن‌ها، نظام عدالت کیفری کشورها را بر آن داشته که با هدف بازپروری و باز اجتماعی کردن اطفال معارض قانون، رفتار خلاف آنان را پیگیری کرده و بر اساس اصول علمی واکنش مناسبی در قبال آن‌ها اتخاذ نمایند. این واکنش، دادرسی ویژه اطفال می‌باشد که بر مبنای رفتارهای منصفانه و مداخله حداقل تنظیم گردیده است. فلسفه وضع دادگاه اطفال و نوجوانان، مبتنی بر اصلاح، تربیت و تهذیب می‌باشد. خصوصیات جسمی و روانی و روحیه خاص اطفال و نوجوانان از یک سو و اصل عدم مسئولیت اطفال بزهکار از سوی دیگر ایجاب می کند که قانونگذار با رعایت قاعده حمایت از اطفال معارض قانون، دادگاه اختصاصی جهت رسیدگی به کلیه جرائم آن‌ها تشکیل دهد تا واکنش‌های مناسب برای اصلاح و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان اتخاذ نماید.

خوشبختانه رویکرد قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مثبت بوده و دادگاه آنان را جزء دادگاه‌های اختصاصی قرار داده و شیوه افتراقی را در رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان برگزیده است که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: ترتیب رسیدگی، دادگاه اختصاصی، اطفال، نوجوانان.

مقدمه

یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری اطفال، مسأله آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرائم این طیف از افراد می‌باشد. شاید بدواً این ذهنیت بوجود آمده باشد که چنانچه طفلی مرتکب جرم شود فاقد مسئولیت کیفری است و در نتیجه نمی‌توان وی را تعقیب کیفری نمود و به او تفهیم اتهام کرد و قرار جلب به دادرسی یا کیفر خواست یا حکم به مجازات وی صادر نمود. بر همین اساس ممکن است چنین به نظر برسد که سخن از مرجع کیفری صلاحیت دار برای رسیدگی به جرائم اطفال بیهوده است، بلکه دادسرا یا دادگاه وقتی به عدم بلوغ مرتکب پی می برد باید قرار موقوفی تعقیب صادر کند همچنان که اگر مرتکب، مجنون یا مجبور یا مضطر باشد، به همین صورت عمل می‌شود. اما در واقع چنین سخنی صحیح نمی‌باشد، چراکه اطفال گرچه فاقد مسئولیت کیفری هستند اما اینگونه نیست که

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بطور کلی فاقد اراده و علم باشند به ویژه در حالتی که صغیر ممیز بوده و نزدیک به سن بلوغ هستند(زراعت، پیشین: ۹۴). با این وجود، طبع و روحیه خاص اطفال ایجاب می‌کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روش‌ها و واکنش‌های مناسب جهت اصلاح آن ها و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از بزهکاران و عدم توجه به تفاوت انگیزه ها و شخصیت آنان با بزرگسالان ممکن است تأثیر نامطلوبی بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنان گذاشته، روحیه انتقام جویی از جامعه را در نهاد آن ها بدهد. در مقابل، نشان دادن رفتاری سنجیده و معقول همراه با بردباری و مدارا در برابر آنان می‌تواند از رنگ سرکوب در واکنش جامعه کاسته، نقش آنان را در اصلاح و هدایت اطفال فزونی بخشد و از تبدیل این بزهکاران اتفاقی به بزهکاران حرفه ای جلوگیری نماید (خالقی، پیشین: ۷۴-۷۵).

از این رو اکثر استانداردهای بین المللی دولت ها را تشویق می کنند، آیین های دادرسی یا نهادهای مستقل یا تخصصی برای رسیدگی به پرونده هایی که در آنها اطفال متهم هستند یا مسئولیت آنها برای ارتکاب جرائم کیفری ثابت شده است، ایجاد کنند. البته در این بین، کنوانسیون آمریکایی دولت‌ها را ملزم می‌کند، دادگاه‌های خاصی جهت رسیدگی به پرونده‌های جوانان متهم به جرائم کیفری ایجاد کنند.

باید اذعان داشت که در سیستم قضایی گذشته ایران دادگاه اطفال نه به عنوان یک دادگاه اختصاصی بلکه به عنوان شعبه‌ای از دادگاه عمومی به امر رسیدگی به جرائم اطفال و افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال می‌پرداخت. ولی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نهایتاً با تأسی از اصول و استانداردهای بین المللی در باب ضرورت ایجاد دادگاه‌های خاص و با آیین دادرسی ویژه برای اطفال و نوجوانان، در ماده ۲۹۴ خود در کنار سایر دادگاه‌ها ولی مستقل از آن‌ها پیش‌بینی کرده است و آن را نه به عنوان شعبه ای از دادگاه‌های عمومی و کیفری بلکه دادگاهی اختصاصی در کنار این محاکم تلقی می‌کند که در ادامه به بحث و بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱- صلاحیت دادگاه اطفال

همانگونه که مطرح گردید دادگاه اطفال، دادگاه اختصاصی می‌باشد و صلاحیت آن نسبت به مراجع قضایی کیفری دیگر، صلاحیت ذاتی است. نظر به اینکه اطفال بزهکار به مراقبت و حمایت زیادی نیاز دارند. این دادگاه تابع مقررات شکلی و ماهوی خاصی است که متأثر از پیشرفت‌های علمی به ویژه در زمینه‌های روانشناسی و جامع شناسی می‌باشد. برای آن که با حدود صلاحیت دادگاه اطفال آشنا شویم، لازم است، ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی«طفل» مشخص شود.

طفل در لغت به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم سالی و خردسالی تعبیر شده است. بنابراین صغیر نقطه مقابل کبیر و به معنای کودک است (معین، ۱۳۶۳، ج۲: ۲۱۴۸). در اصطلاح حقوقی صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگانی اجتماعی نرسیده باشد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

(صفایی، ۱۳۸۸: ۱۷۵). از نظر معاهده حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، منظور از طفل، فرد زیر ۱۸ سال است. مگر اینکه سن بلوغ طبق قانون قابل اجرای داخلی کمتر تشخیص داده شود (r the on convention child the of ights ,rticleA).

در قوانین داخلی، قانونگذار در تبصره یک ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». مطابق تبصره یک ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی سن بلوغ در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. با عنایت به مطالب فوق، جرائم در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان یا کیفری دو و همچنین جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان را به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) جرائم در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان یا کیفری دو

ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر می دارد: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند».

بدین ترتیب، اصل بر این است که دادگاه اطفال و نوجوانان صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم ارتکابی افراد زیر هجده سال تمام شمسی را دارد ولی تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است مقنن چاره اندیشی کرده و در تبصره ماده ۲۹۸ همین قانون مقرر داشته: «در هر حوزه قضایی شهرستان، یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود.

بنابراین تا زمانی که در شهرستان دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو و همچنین در بخش، دادگاه بخش می‌توانند به جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز رسیدگی نمایند. در خصوص ترتیب رسیدگی در این دادگاه ماده ۴۱۲ قانون مزبور مقرر می دارد: «دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند.

تبصره ۱- هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود.

تبصره ۲- در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید». لازم به ذکر است که تبصره ۲ از آن جهت که برای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

رسیدگی به برخی جرائم و اتخاذ تصمیم بدون تعیین وقت، «حضور یا موافقت شاکی» را صریحاً پیش‌بینی نکرده، برخلاف اصل ترافعی بودن دادرسی و و اجد اشکال است. در عین حال، شایسته است که قاضی به عبارت «موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد» در آن تبصره توجه نموده، در صورت وجود شاکی، عدم حضور یا عدم موافقت او با تشکیل جلسه فوری را مانع قبول درخواست متهم، والدین، سرپرست یا وکیل او برای رسیدگی بداند (خالقی ۱۳۸۹: ۳۳۲). در عین حال تحت هیچ شرایطی نمی‌توان طفل را به صورت انفرادی تحقیق یا محاکمه کرد و رسیدگی بایستی در حضور والدین و یا سرپرست قانونی او انجام شود اما سیاق عبارت قانونی حکایت از این دارد که در این مرحله، حضور وکیل الزامی نمی‌باشد.

ب)جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

در این زمینه ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک[1] یا انقلاب[2] شوند، به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره مند می گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است».

با عنایت به ماده فوق نکات ذیل قابل توجه است:

---

[1]- ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک مقرر نموده:

«به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی شود:

الف-جرائم موجب مجازات سلب حیات؛

ب-جرائم موجب حبس ابد؛

پ-جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن؛

ت-جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر؛

ث-جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

[2]-ماده ۳۰۳ آن قانون درخصوص جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب مقرر داشته: «به جرائم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی شود:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بَغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام؛

ب- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری؛

پ- تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روان گردان و پیش سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل؛

ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت این دادگاه است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

نخست: جرائم اطفال و نوجوانان در هیچ صورتی در دادگاه انقلاب رسیدگی نخواهد شد. چنانچه این افراد مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب شوند، برابر ماده ۳۱۵ همین قانون به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

دوم: تخصصی بودن شعب دادگاه‌های کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نمی‌باشد. یعنی دادگاه‌های کیفری یک رسیدگی کننده به جرائم اطفال و نوجوانان، دادگاه‌های تخصصی هستند نه اختصاصی؛ بر خلاف دادگاه‌های اطفال و نوجوانان که دادگاه‌های اختصاصی محسوب می‌شوند نه دادگاه تخصصی (مصدق، ۱۳۹۳: ۸۳).

سوم: در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌کند که برای او وکیل تعیین کند در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند[۱].

۲- تشکیلات دادگاه اطفال

دادگاه اطفال در برخی جرائم از سیستم وحدت قاضی و در برخی جرائم دیگر از سیستم تعدد قاضی پیروی کرده است ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر نموده است: «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاوران، مشورتی است.

تبصره- در حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می‌شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، رسیدگی می‌شود».

همچنین ماده ۳۰۴ آن قانون نیز به بیان اشخاصی پرداخته است که به جرم آنان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود: «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود در هر صورت محکومان بالای سن هجده سالا تمام موضوع این ماده در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده

[۱]- ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می‌گردد. »

دادگاه‌های فوق به جرائم غیر مهم رسیدگی می‌کنند و از سیستم وحدت قاضی تبعیت می‌کنند ولی جرائم مهم که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شوند در ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری بدین نحو پیش‌بینی شده است: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند به جرائم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره مند می‌گردد.

تبصره ۱- در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک، ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرائم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصصی بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن‌ها نیست.

تبصره ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم آنان الزامی است.

لازم به ذکر است که چنانچه جرم ارتکابی از سوی اطفال و نوجوانان از درجه خلاف باشد، شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد بلکه به این جرائم نیز باید در داداگاه اطفال رسیدگی شود.

۳- قضات و مشاوران دادگاه اطفال

برای دادرسی جرائم اطفال صرف تشکیل دادگاه اختصاصی کفایت نمی‌کند بلکه قضات این دادگاه نیز باید اشخاص خاصی باشند همچنان که قضات دادسرا، قضات عادی نیستند و از همین روی معمولاً شرایط مخصوصی را برای قضات این دادسرا در نظر می گیرند (زراعت، ۱۳۹۴، ج۳: ۹۷). نظر به اینکه قاضی شخصیت اصلی دادگاه اطفال است، ترغیب افراد آموزش دیده و خبره جهت پذیرش مسند قضاوت دادگاه اطفال یک هدف بسیار ارزشمند است. قاضی اطفال به منزله یک عنصر فعال دستگاه قضایی است و می‌تواند به تنهایی یا در رأس یک دادگاه تصمیمات خود را اتخاذ کند. در قطعنامه ای که از طرف کنگره قضات دادگاه کودکان در بروسکل و در سال ۱۹۵۸ میلادی منتشر شده در این باره آمده است:

«قاضی دادگاه کودکان باید از میان قضاتی انتخاب شود که علاوه بر معلومات قضایی حسن خلق و عطوفت خاص نسبت به کودکان داشته و دارای شم کافی برای درک حرفه خود و بهره گیری از اصول انسانی در جهت کشف حقایق مربوط به جرائم کودکان باشد و بتواند به آسانی خود را به کنه ضمیر کودکان بزهکار نزدیک نموده و مقاصد و نیات آنان را به خوبی درک نماید.

امروزه پرونده‌های نوجوانان پیچیده تر شده است و همراه با تغییرات و دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی رفتارهای خلاف کودکان و نوجوانان متنوع شده ایت و میزان فرار از خانه و مدرسه، استعمال مواد مخدر و روان گردان‌ها، روسپی گری، اشکال مختلف سرقت و زور گیری و جرائم خشونت آمیز نوجوانان افزایش

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

یافته است و قضات دادگاه نوجوانان نقش قابل توجهی در ارائه راه حل برای مشکلات دادرسی نوجوانان ایفا می‌نمایند و موفقیت این دادگاه بستگی به دانش حقوقی، دید اجتماعی و شخصیت قاضی دارد. به عقیده یکی از قضات: «دادگاه نوجوانان فقط به لحاظ جنبه انسانی آن، مهمترین دادگاه در کشور است. » (Juvenile, 2004: 421-422).

در اغلب کشورهای پیشرفته ترغیب افراد بسیار آموزش دیده و خبره جهت پذیرش مسند قضاوت دادگاه نوجوانان یک هدف ارزشمند است. زیرا کودکان پایه ی توسعه حقوق بشر در هر کشورند و کودکان آینده را می‌سازند و فرهنگ سازی می‌کنند. از این رو شایسته هر نوع توجه، حمایت، مراقبت و سرپرستی هستند. قضات اطفال باید از میان قضات مجرب و متخصص و آشنا به علوم مورد نیاز (بزهکاری اطفال، حقوق کودک، آیین دادرسی و. . .) انتخاب شوند و قادر باشند کودکان را درک کنند، از وضع اخلاقی و روحی آنان مطلع شوند و حوادث و سوانح اجتماعی که در روحیه‌ی اطفال مؤثر بوده و ضربه روحی که به او وارد نموده است مورد ارزیابی قرار دهند و با شناسایی شخصیت طفل روش های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی مؤثر اتخاذ نمایند (معظمی، ۱۳۹۴: ۹۹).

بدین ترتیب، قاضی دادگاه اطفال بایستی از نظر سنی و روحی دارای ویژگی‌های خاص بوده و به مسائل اطفال علاقه‌مند باشد. در همین راستا، ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شرایط قضات دادگاه اطفال و نحوه انتخاب ایشان مقرر نموده است: «قضات دادگاه و دادسرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند، محرز بداند، انتخاب می‌کند».

از ظاهر این ماده چنین استنباط می‌شود که قاضی دادگاه اطفال همچون گذشته به ابلاغ ویژه نیاز دارد؛ یعنی علاوه بر صلاحیت دادگاه، صلاحیت قاضی هم لازم است اما وقتی قاضی با عنوان «قاضی دادگاه اطفال» منصوب می‌گردد به صورت ضمنی، صلاحیت قاضی نیز ابلاغ می‌گردد پس نباید به ابلاغ جداگانه نیاز داشته باشد.

در مواردی که قاضی انتخابی معذور باشد می‌توان از قضات دیگر استفاده کرد و ماده ۴۱۱ آن قانون نیز این مجوز را داده است: «هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رئیس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور رسیدگی کند».

لازم به ذکر است که این قاضی به ابلاغ ریاست قوه قضاییه نیاز ندارد و حکم این ماده ناظر به مواردی است که مانع موقتی وجود داشته باشد مانند اینکه قاضی دادگاه اطفال دارای دارای جهات رد باشد، بنابراین فرض این ماده در مواردی است که قاضی اطفال نیز مشغول فعالیت است و قاضی دیگر به عنوان دادرس

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دادگاه اطفال مشغول به کار نمی‌شود. نتیجه اینکه چنانچه دادگاه اطفال فاقد دادرس باشد بایستی مطابق ماده ۴۰۹ آن قانون اقدام شود.

اما در خصوص مشاوران دادگاه اطفال باید اذعان داشت که به منظور شناخت بهتر شخصیت متهم و کمک به یافتن واکنش مناسب در برابر رفتار او، حضور مشاور در دادگاه پیش بینی شده است. گرچه مهمترین تصمیم گیرنده در دادگاه اطفال، قاضی دادگاه است ولی در تصمیم‌گیری‌های خود از نظر مشورتی مشاوران نیز استفاده می کند. ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شرایط مشاوران دادگاه نیز مقرر کرده است:«مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان شناسی، جرم شناسی، مدد کاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند. تبصره ۱- برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است. تبصره ۲- در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد».

۴- تعیین وقت دادرسی در دادگاه اطفال

دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان یک دادرسی افتراقی یعنی حاوی مقرراتی بعضاً متفاوت با دادرسی جرائم بزرگسالان است. این مقررات برای رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان پیش بینی شده و به دادرسی دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان نیز تسری یافته است (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۹).

تعیین وقت رسیدگی در مورد جرائمی که با کیفر خواست در دادگاه اطفال مطرح شود (جرائم افراد بالغ زیر ۱۸ سال) مانند دادگاه‌های عمومی است. اما در خصوص جرائمی که بدون کیفر خواست مطرح می‌شود پاره ای مقررات خاص وجود دارد که در ماده ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری بدین نحو پیش بینی شده است: «دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیا یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می کند». از ظاهر این ماده چنین استنباط می‌شود که حضور دادستان در تمامی دعاوی لازم است؛ به جهت اینکه وقت دادرسی باید به وی ابلاغ شود در حالی که در دادرسی های عادی و در دادگاه کیفری دو دادستان در همه دعاوی حضور پیدا نمی کند بلکه دادگاه باید آن را تشخیص دهد. ممکن است گفته شود بیان ابلاغ به دادستان بدین معنا نیست که حضور دادستان در تمامی جلسات ضرورت دارد بلکه جلسات دادگاه اطفال از این جهت مانند دادگاه عمومی است، پس در مواردی که دادگاه تشخیص دهد وقت رسیدگی را به وی ابلاغ می کند (زراعت، پیشین: ۱۰۲). همچنین در تبصره ۱ ماده مزبور نیز آمده است:«هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود». مفهوم مخالف این تبصره آن است که چنانچه متهم به سن هجده سال نرسیده باشد وقت رسیدگی به سرپرست وی ابالاغ می‌شود هرچند بالغ باشد.

به علاوه لزوم تعیین وقت رسیدگی به دعاوی مهم مربوط است و از ظاهر قانون چنین استنباط می‌شود که رسیدگی به این دعاوی بدون تعیین وقت رسیدگی امکان ندارد هر چند چنین امکانی در دادگاه‌های عمومی وجود دارد اما در دعاوی کم اهمیت امکان رسیدگی بدون تعیین وقت وجود دارد (همان: ۱۰۲-۱۰۳) و این حکم در تبصره دوم آن ماده نیز پیش بینی شده است، «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرائم تعزیری که مجازات قانونی آن ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید».

۵- سری و حضوری بودن دادرسی

یکی از اصول مهم تضمین کننده یک دادرسی منصفانه در امر کیفری، اصل علنی بودن دادرسی است که به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال در مورد جرائم اطفال و نوجوانان، به منظور جلوگیری از قرار گرفتن آن ها در کانون توجه عموم، اصل مزبورحتی نسبت به خود متهم اجرا نمی‌شود (خالقی، پیشین:۸۰). حفظ اسرار زندگی خصوصی و هویت طفل از حقوق مسلم او به شمار می رود، که باید در تمام مراحل دادرسی محترم شمرده شود و از انتشار جریان دادرسی طفل در رسانه‌های گروهی و ارتباطات جمعی ممانعت به عمل آید (مؤذن زادگان، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۳: ۱۵۴).

علنی بودن فرایند دادرسی و افشای هویت و مشخصات طفل از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی با حضور افراد به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبران ناپذیری وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس طفل می‌شود. طرح اتهام طفل در جامعه و برچسب زنی جرم به وی سبب خدشه دار شدن شخصیت طبیعی او می‌شود و موجب می‌شود خود او را در قالب مجرم تصور و مجسم کند و آن گاه در مسیر اصلاح و تربیت وی معظل های اساسی ایجاد شود (دانش، ۱۳۷۸: ۱۲۱). بنابراین غیر علنی بودن محاکمه طفل، یک حق قانونی است که طفل در حین محاکمه از آن برخوردار است. در کنوانسیون حقوق کودک ضمن تأکید بر سری بودن جلسات محاکمه طفل، مقرر شده که محرمانه بودن کامل موضوع در تمام طول مراحل دادرسی امری ضروری است.

از این رو ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت ضمنی مقرر کرده است:«در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان و وکیل مدافع شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

همچنین ممکن است حضور طفل نیز در دادگاه به مصلحت نباشد که این حکم در ماده ۴۱۴ قانون مزبور بدین شرح پیش بینی شده است: «هرگاه مصلحت طفل موضوع تبصره یک ماده ۳۰۴ این قانون اقتضا کند ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود.»

بنابراین با عنایت به ماده اخیرالذکر باید اذعان داشت که دادرسی مربوط به جرائم ارتکابی از سوی افراد بالغ زیر هجده سال(نوجوان)از نظر حضوری یا غیابی بودن تابع مقررات دادرسی اشخاص بالغ است اما دادرسی جرائم افراد صغیر در هر صورت حضوری محسوب می‌شود. همچنین اطلاق این ماده اعم از آن است که ولی یا سرپرست طفل یا وکیل آنان نیز در دادرسی حضور نداشته باشند و اگر این اشخاص حضور داشته باشند اصولاً سخن از غیابی بودن دادرسی مفهومی نخواهد داشت.

۶- دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم

دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم، یک دعوای حقوقی و خصوصی است که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی قرار دارد اما رسیدگی به این دعوا به صورت استثنائی در صلاحیت دادگاه کیفری قرار گرفته است و بر همین اساس این صلاحیت بایستی به صورت خاص در قانون بیان شود. ماده ۴۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری این صلاحیت را برای دادگاه اطفال بدین شرح برقرار کرده است: «به دادخواست ضررو زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود. هنگام رسیدگی به دعوای ضرر و زیان حضور طفل لازم نیست مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد».

به نظر می رسد با توجه به ملاک ماده ۴۱۴ همین قانون حکمی که صادر می‌شود حضوری است. لازم به ذکر است که مقررات مواد ۱۴ تا ۱۷ و همچنین ۱۹ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه لازم الارعایه می‌باشد[1].

[1]- ماده ۱۴ مقرر می دارد: «شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.
تبصره۱-زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.
تبصره ۲- منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیزپرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود».
ماده ۱۵ مقرر می دارد:«پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است».
ماده ۱۶ نیز مقرر می دارد:«هرگاه دعوای ضررو زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۷- شرکا و معاونان اطفال بزهکار

جرمی که توسط طفل صورت می گیرد، ممکن است به تنهایی یا با مشارکت و یا معاونت دیگری واقع شود. فرد یا افرادی که معاون و یا شریک جرم اطفال می باشند ممکن است طفل یا بزرگسال باشند که ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرد.

بطور کلی ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر این که در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد»لزوم رسیدگی به اتهامات شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی که به اتهام متهم اصلی رسیدگی می‌کند برای جلوگیری از صدور آراء متعارض از سوی محاکم مختلف درمورد جرم واحد است.

اما ماده ۳۱۲ قانون مزبور مقرر می دارد:«هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

تبصره - در جرائمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است».

لازم به ذکر است که قوانین و مقررات قبلی درمورد تعارض صلاحیت ها مسکوت نمود و در نتیجه دادگاه‌ها رویه های متفاوتی داشتند و سرانجام هیأت عمومی دیوان عالی کشور چند رأی وحدت رویه نیز صادر نمود. خوشبختانه قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرراتی وضع کرده و به ابهام ها پایان داد و در مجموع می‌توان این مقررات را چنین خلاصه نمود، چنانچه طفل و بزرگسال به

استرداد دعوا، به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوا، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست».

ماده ۱۷ نیز مقرر می دارد:«دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، درخصوص ضرر وزیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد، که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر وزیان رسیدگی می نماید».

همچنین ماده ۱۹ نیز مقرر می دارد:«دادگاه در مواردی که به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسئولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

تبصره- در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.

-و ماده ۲۰ مقرر می دارد:«سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، درصورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

صورت مشارکت یا معاونت با یکدیگر مرتکب جرم شده باشند، به جرم هر کدام جداگانه در دادگاه صلاحیت دار رسیدگی می‌شود. اما چنانچه طفل و بزرگسال در ارتکاب جرمی مشارکت نموده باشند که تحقق آن منوط به دخالت دو یا چند نفر باشد مانند زنا، لواط، رشوه و. . . در این صورت به جرائم بزرگسال نیز در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود اما با این تفاوت که جرم بزرگسال با کیفر خواست و جرم طفل بدون کیفر خواست در دادگاه مطرح می‌شود.

همچنین چنانچه جرم ارتکابی در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب باشد در دادگاه کیفری یک ویژه اطفال مورد رسیدگی قرار می گیرد و نهایتاً اصول حاکم بر رسیدگی به جرم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است[1].

۸- تصمیمات دادگاه اطفال و قاعده فراغ دادرس

با توجه به شرایط خاص کودکان و نوجوانان و آسیب پذیری آنان، احکام صادره از دادگاه‌های اطفال درمورد متهمین صغیر از لحاظ ماهیتی تفاوت چشمگیری در مقایسه با آراء صادره درمورد متهمین بزرگسال دارد. ماهیت آراء دادگاه‌های اطفال بیشتر جنبه ارشادی، تربیتی، اصلاحی و بازاجتماعی کردن کودک را دارد و جنبه تنبیهی و کیفری کمتر مورد توجه می‌باشد. برخلاف آراء صادره درمورد بزرگسالان که جنبه مجازاتی و تنبیهی دارد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد نوع تصمیماتی که درمورد اطفال می‌توان اتخاذ نمود احکامی را به شرح زیر پیش بینی نموده است. بطور کلی می‌توان احکام آن قانون را درمورد اطفال به شرح زیر برشمرد: (رحمدل، ۱۳۹۴: ۲۳۴-۲۳۶)

نخست: چنانچه طفل بین ۱۲ تا ۱۵ سال شمسی باشد و مرتکب جرم تعزیری شود اقدامات موضوع بند ت و ث ماده ۸۸ قانون مزبور درمورد وی اعمال خواهد شد. اعمال اقدامات موضوع بند ت اختیاری ولی اعمال اقدامات موضوع بند ث الزامی است. حال سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا دادگاه می‌تواند

---

[1]-مطابق نظریه شماره ۷/۴۲۸۹-۱۳۸۲/۵/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه«درست است که طبق ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد. لکن این امر در صورتی است که شرکا و معاونین و متهم اصلی همگی یا بالای هجده سال باشند یا همگی اشخاصی باشند که رسیدگی به جرائم آنان در صلاحیت دادگاه اطفال باشد. اما در صورتی که اشخاص بالای هجده سال با اشخاصی که رسیدگی به جرائم آنان در صلاحیت دادگاه اطفال است در ارتکاب جرمی با هم مشارکت و معاونت داشته باشند، در این صورت بایستی طبق ماده ۲۲۸ قانون یاد شده، قائل به تفکیک شد. به این معنی که جرائم اطفال و اشخاصی که رسیدگی به جرائم آنان با دادگاه اطفال است در آن دادگاه مطرح گردد و دسته دیگر در دادگاه صلاحیت دار اعم از عمومی و انقلاب و. . . با توجه به مراتب فوق، در خصوص جرائم ارتکابی از ناحیه اشخاص کبیر با رعایت تبصره ۳ ماده ۳ اصلاحی ق. ت. د. ا صدور کیفر خواست از ناحیه دادسرا ضرورت دارد. منظور از عبارت«طبق مقررات عمومی»در قسمت اخیر تبصره ذیل ماده ۲۲۰ ق. آ. د. ک قواعد و مقررات اعم از شکلی و یا ماهوی است که حاکم بر جرائم ارتکابی از ناحیه اشخاص کبیر است می باشد. ذکر این نکته ضروری است که با تصویب قانون اصلاح ق. ت. د. ع. ا آن قسمت از تبصره ذیل ماده ۲۲۰ ق. آ. د. ک که مغایر قانون اخیرالتصویب است ملغی شده است. با این توضیح که اگر مجازات مرتکب (شخص بالغ زیر ۱۸ سال) از مجازات هایی باشد که طبق قانون یاد شده در صلاحیت دادگاه کیفری مرکز استان است دیگر دادگاه اطفال صلاحیت رسیدگی به آن را نخواهد داشت و باید با صدور کیفر خواست به آن دادگاه ارسال گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

درمورد این اطفال اقدامات تأمینی موضوع بندهای الف تا پ را نیز اعمال یا فقط باید اقدامات تأمینی موضوع بند ت و ث را اعمال نماید؟در پاسخ می‌توان از دو بعد به قضیه نگاه کرد.

اولاً: آنکه دادگاه فقط مجاز به اعمال اقدامات تأمینی موضوع بندهای ت و ث باشد. با این استدلال که قانونگذار اطفال را از حیث خطرناکی به درجاتی تقسیم کرده است:

۱- طفل ۱۲ تا ۱۵ ساله که مرتکب جرم تعزیری درجه ۶ تا ۸ شده باشندبه اقدامات تأمینی موضوع بند ت یا ث محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شده باشد اعمال اقدامات بند ث درمورد وی الزامی است.

۲- طفل ۹ تا ۱۲ ساله الزاماً به اقدامات تأمینی موضوع بندهای الف تا پ محکوم خواهد شد.

۳- اطفال زیر ۹ سال نیز به اقدامات تأمینی موضوع بند های الف تا پ محکوم می‌شوند.

ثانیاً: آنکه اعمال اقدامات تأمینی موضوع بندهای ت و ث درمورد اطفال زیر ۱۲ سال ممنوع است ولی ممنوعیت اعمال اقدامات تأمینی موضوع بندهای ت و ث در مورد اطفال مزبور به معنی ممنوعیت اقدامات تأمینی موضوع بندهای الف تا پ درمورد اطفال ۱۲ تا ۱۵ ساله که مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شده باشند نیست.

دوم: چنانچه طفل نابالغ بین ۱۲ تا ۱۵ سال قمری باشد و مرتکب جرم مستوجب حد یا قصاص شود اقدامات موضوع بند ت و ث درمورد وی اعمال خواهد شد. به این ترتیب دختران ۹ سال به بالا که بالغ محسوب می شوند از شمول این بند خروج موضوعی پیدا می کنند.

۱- چنانچه طفل زیر ۱۲ سال تمام شمسی باشد و مرتکب جرم تعزیری شود یا زیر ۱۲ سال قمری باشد و مرتکب جرم مستوجب حد یا قصاص شود در مورد وی اقدامات موضوع بند الف تا پ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی اعمال خواهد شد.

۲- چنانچه طفل بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی باشد و مرتکب جرم تعزیری شود به مجازات های موضوع ماده ۸۹ آن قانون محکوم خواهد شد.

۳- چنانچه طفل بالغ بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام قمری باشد و مرتکب جرم مستوجب حد یا قصاص شود و قادر به درک ماهیت اتهام یا حرمت عمل نباشد یا در رشد عقلی وی تردید ایجاد شود به مجازات های موضوع فصل دهم محکوم خواهد شد.

طبق تبصره ماده ۸۸ قانون اخیرالذکر «در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف)و(ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند در تصمیم خود تجدید نظر نماید».

همچنین درخصوص قاعده فراغ دادرس و قاعده اعتبار امر مختومه باید اذعان داشت که حقوق کیفری اطفال در رابطه با رسیدگی به وضعیت محکوم علیه طفل معارض با قانون دچار تحول مثبت شده و ماده ۹۰

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می دارد: «دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدید نظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدید نظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن ها نیست».

۹- تجدید نظر خواهی از آراء دادگاه اطفال

تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه از قبیل تجدید نظرخواهی بایستی در دادرسی اطفال و نوجوانان رعایت شود. به همین لحاظ تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان در مراجع عالی و حسب تشریفات و مقررات مربوط قابل تجدید نظرخواهی می‌باشد.

ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد:«آراء دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدید نظر خواهی است». بنابراین در حالی که قانونگذار آراء سایر دادگاه‌ها در موارد مذکور در ماده ۴۲۷ قانون مزبور[1] را قطعی و غیرقابل تجدید نظر دانسته به جهت حمایت از اطفال و نوجوانان کلیه آراء صادره آنان را قابل تجدید نظرخواهی دانست.

سؤالی که در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود این است که چنانچه شخص غیربالغ روحانی در دادگاه اطفال مورد تعقیب قرار گیرد، مقررات جرائم ارتکابی از سوی اشخاص روحانی در مورد وی اعمال می‌شود یا چنانچه طفلی مرتکب قاچاق مواد مخدر شده باشد، مقررات قانون راجع به مواد مخدر اعمال می گردد به همین جهت آرایی که از سوی این دادگاه‌ها صادر می گردند قابلیت تجدید نظرخواهی را دارند یا خیر؟در پاسخ باید اذعان داشت که نظر به اینکه بنای مقنن در وضع ماده ۴۴۵ قانون مزبور حمایت از اطفال می‌باشد به نظر می رسد این آراء قابل تجدید نظرخواهی می باشند هرچند در این زمینه دیدگاه مخالفی وجود دارد (ر.ک: زراعت، پیشین: ۹۹).

به علاوه ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد:«مرجع رسیدگی به درخواست تجدید نظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه ای از دادگاه تجدید نظراستان است که مطابق با شرایط

---

[1]-ماده ۴۲۷ مقرر می دارد:«آرای دادگاه‌های کیفری، جز در موارد زیر که قطعی محسوب می شود، حسب مورد در دادگاه تجدید نظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدید نظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف-جرائم تعزیری درجه هشت باشد؛

ب-جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، درصورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.

تبصره ۱- درمورد مجازات های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدید نظر، همان مجازات قانونی اولیه است.

تبصره ۲-آرای قابل تجدید نظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست واخواهی یا تجدید نظرخواهی، درصورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوا، قابل تجدید نظر خواهی باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مقرر در این قانون و با ابلاغ رئیس قوه قضاییه تعیین می گردد. مرجع فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است».

قانونگذار درحالی از اختصاص شعبی از دادگاه‌های تجدید نظر برای رسیدگی به تجدید نظرخواهی از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان سخن گفته که در سایر موارد از جمله برای رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه‌های حقوقی و کیفری، قائل به تفکیک بین شعب دادگاه‌های تجدیدنظر نشده است و این از اهمیت فرایند رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان حکایت می‌کند (ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۲۱).

همچنین مطابق ماده ۴۴۷ قانون مزبور، نوجوان، ولی یا سرپرست طفل یا وکیل آنان، دادستان نسبت به آراء و تصمیماتی که برخلاف قانون می داند، مدعی خصوصی فقط درمورد احکام مربوط به ضرر و زیان و قرار منع یا موقوفی تعقیب، حق درخواست تجدید نظرخواهی را دارند. درعین حال به جهت حمایت از طفل یا نوجوان، مواردی که شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند نسبت به آراء دادگاه اطفال و نوجوانان تجدید نظرخواهی نماید مستلزم تصریح قانونی است. در این راستا قسمت اخیر ماده ۴۴۷ قانون مزبور نیز مقرر می دارند:«مدعی خصوصی می‌تواند فقط از حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت یا قرار منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده تجدید نظر خواهی کند». نتیجه اینکه شاکی یا مدعی خصوصی، حق درخواست تشدید مجازات تعزیری مقرر در رأی دادگاه اطفال و نوجوانان را ندارد[1].

در پایان باید یاد آوری نمود که مطابق ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲«محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان، فاقد آثار کیفری است». همچنین اضافه می‌شود که براساس حکم ماده ۵۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری «مواردی که مقررات ویژه ای برای دادرسی جرائم اطفال مقرر نگردیده تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است».

نتیجه گیری

در سیستم قضایی گذشته ایران دادگاه اطفال نه به عنوان یک دادگاه اختصاصی بلکه به عنوان شعبه ای از دادگاه عمومی به امر رسیدگی به جرائم اطفال و افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال می پرداخت. ولی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نهایتاً با تأسی از اصول و استانداردهای بین المللی در باب ضرورت ایجاد دادگاه‌های خاص و با آیین دادرسی ویژه برای اطفال و نوجوانان، در ماده ۲۹۴ خود در کنار سایر دادگاه‌ها ولی مستقل از آن ها پیش بینی کرده است و آن را نه به عنوان شعبه ای از دادگاه‌های عمومی و کیفری بلکه دادگاهی اختصاصی در کنار این محاکم تلقی می‌کند.

[1]-هر چند که ماده ۴۴۷ فوق، ناظر بر آراء صادره از دادگاه‌های اطفال و نوجوانان است ولی به نظرمی رسد، سیاست حمایتی قانونگذار، به افراد بالغ کمتر از هجده سال که در دادسرای ویژه نوجوانان درمورد آنها قرارهای مذکور صادر می شود، تسری می یابد به طوری که اگر قرارهای مذکور در آن ماده(مثل قرارهای منع یا موقوفی تعقیب)در دادسرای ویژه نوجوانان نسبت به افراد فوق الذکر صادر شود، ازسوی شاکی خصوصی قابل اعتراض نباشد. برگرفته از کتاب ناجی زواره، مرتضی، پیشین، ص۲۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دادگاه اطفال در جرائمی که مهم نیستند از سیستم وحدت قاضی و در جرائم مهم که در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود از سیستم تعدد قاضی پیروی کرده است. همچنین قاضی دادگاه اطفال بایستی از نظر سنی و روحی دارای ویژگی های خاص بوده و به مسائل اطفال علاقه‌مند باشد. در همین راستا، شرایط قضات دادگاه اطفال و نحوه انتخاب آنان در ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است. اما در خصوص تصمیمات دادگاه اطفال باید اذعان داشت که با توجه به شرایط خاص کودکان و نوجوانان و آسیب پذیری آنان، احکام صادره از دادگاه‌های اطفال درمورد متهمین صغیر از لحاظ ماهیتی تفاوت چشمگیری در مقایسه با آراء صادره درمورد متهمین بزرگسال دارد. برخلاف آراء صادره درمورد بزرگسالان که جنبه مجازاتی و تنبیهی دارد، ماهیت آراء دادگاه‌های اطفال بیشتر جنبه ارشادی، تربیتی، اصلاحی و بازاجتماعی کردن کودک را دارد و جنبه تنبیهی و کیفری کمتر مورد توجه می‌باشد که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این احکام مشخص شده‌اند. نهایتا در خصوص تجدید نظر خواهی آراء دادگاه اطفال باید گفت در حالی که قانونگذار آراء سایر دادگاه‌ها در موارد مذکور در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری را قطعی و غیرقابل تجدید نظر دانسته به جهت حمایت از اطفال و نوجوانان کلیه آراء صادره آنان را قابل تجدید نظرخواهی دانست.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۴.

۲- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۳.

۳- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.

۴- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

۵- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.

۶- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، نشر میزان، ۱۳۷۸.

۷- رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۸- زراعت، عباس، آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۹- زکوی، مهدی، بزه دیدگان خاص در پرتو بزه دیده‌شناسی حمایتی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۱۰- صفایی، سید حسین، سید مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.

۱۱- مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

۱۲- معظمی، شهلا، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۴.

۱۳-معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۳.

۱۴- مؤذن زادگان، حسن علی، دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران، فصلنامه ندای صادق، شماره ۳۲، سال ۱۳۸۳.

۱۵- ناجی زواره، مرتضی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.

۱۶- نوروزی فیروز، رحمت الله، آیین دادرسی کیفری(۲)، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

-siegle larry ,Brandon c. welsh,joseph j senna, (2004) jurenile delinguency,wads worth.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟, p. 42.

__ Bourdieu and J. C. (1990) Passeron, Reproduction in Education, Society, and Culture, London: Sage Publications Inc

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

معصومه مصطفوی
(کارشناس ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن)

ـ سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸
ـ توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

روش‌های تربیتی امام باقر (ع) کمک در روند بهبودی زندگی فردی

دکترمحمدرضا کرمی شمس آبادی (استاد راهنما)
خسرو سیفی (دانشجوی کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی)

چکیده:
رشد روزافزون تکنولوژی‌ها و افزایش تصاعدی ارتباطات و نیز ویژگی تعاملات اجتماعی در طول یکی دو قرن اخیر به تدریج مدل‌ها و الگوهای تربیتی موجود به ویژه در بعد اخلاقی و اجتماعی را با چالش و تهدیدهایی مواجه نموده و هر از چندگاهی ضرورت تجدیدنظر در چارچوب‌های کلان گذشته را دو چندان کرده است. در این پژوهش که از نوع تحقیقات کیفی می‌باشد هدف این است که با روش توصیفی– تحلیلی و با ابزار فیش برداری وکتابخانه‌ای، روش‌های تربیتی امام باقر (ع) و کمک در روند بهبودی زندگی فردی مورد بررسی قرار دهیم. در پایان نیز با تجزیه و تحلیل کیفی اطلاعات موجود، بدین نتیجه رسیدیم که در این پژوهش مهمترین نتایج بدست آمده از روش‌های تربیتی امام محمد باقر (ع) که باعث تغییر و اصلاح رفتار و منش فردی می‌شود، از روش اسوه سازی میتوان سود برد. در این روش مربی می کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عمل در معرض دید متربی قرار دهد و بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او دگرگون کند تا او به پیروی پردازد ومطابق با آن عمل نمونه در خویشتن پدید آورد و در جریان بالندگی رشد در فردی از روش تربیتی ابراز توانایی که در تعلیم وتربیت امام محمد باقر بسیارسودمند است. و در این روش مربی باید زمینه‌های بروز استعدادها را در متربی ایجاد کند شرط عزت درونی است که فرد خود را کارآمد ببنید و این کار آمدی باید معطوف به خدا باشد، لذا قلمرو اصول و روش‌های تربیتی و اهداف تربیتی در موضوع تربیت انسان و شیوه‌های برخورد تربیتی با او می‌باشد، در واقع سیر تربیتی امام موید این موضوع می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تربیت اسلامی، سبک زندگی، زندگی فردی، روش‌ها.

مقدمه:

نقش آموزش وپرورش در بازسازی جامعه قرنهاست که مورد توجه متفکران و صاحب نظران بزرگ بوده است و قدمت آن به اندیشمندانی نظیر سقراط و افلاطون و متفکران بعد از آنها بر می‌گردد. افلاطون در کتاب خود «جمهوری[1]» آموزش و پرورش را وسیله‌ای برای ساختن یک جامعه بهتر می‌داند. آگوستین[2] در کتاب «شهر خدا[3]» یک مسئله بازسازی گرایانه را– به این شکل که آیا اهداف آرمانی قابل تحقق هستند– مطرح کرد. مارکس[4] معتقد بود که آموزش و پرورش وسیله‌ای برای حمایت از طبقه حاکم از طریق برنامه‌های درسی صریح و پنهان است و بر آن بود که آموزش و پرورش می‌تواند تهدید کننده منافع

1- Republic
2 - Augustine
3- City of Good
4- Marx

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ثروتمندان باشد و از این طریق به انسانها خدمت کند. صاحب نظران بزرگ آموزش و پرورش در ایالات متحده از قبیل هوراس مان[۱]، فرانسیس پارکر[۲] وجان دیویی[۳] هم به آموزش و پرورش به عنوان راهی برای تغییر هم از جهت فردی و هم از جهت اجتماعی می‌نگریستند- هرچند که بیشتر آنها اصلاح طلب بودند تا انقلابی(مک نیل[۴]، ۲۰۰۶، ص۳۸). لذا تأثیر نهاد آموزش و پرورش به دلایلی همچون در اختیار داشتن فرصت‌های زمانی طولانی، بویژه در دوره‌های کودکی، نوجوانی و جوانی که تأثیر پذیری افراد بیشتر است، می‌تواند عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، چراکه تربیت دانش‌آموزان در مدارس، در مقایسه با زمینه‌های اجتماعی و قومی آنان تأثیر بیشتری دارد (Georget1983,PP430-436) براساس پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در حوزه تربیت به معنای عام و تربیت در مملکت اسلامی ما کاستی‌های جدی وآشکاری وجود دارد و فرزندان این مرز وبوم با وجود میراث غنی اسلامی و ایرانی و منبع لایزال الهی و همچنین ائمه اطهار(ع) هدایتگر شرایط مناسبی را تجربه نمی‌کنند و این کاستیها در رفتار افراد جامعه به ویژه جوانان آشکار می‌باشدمسائلی از قبیل بحران هویت، فقدان مهارتهای ارتباطی و اجتماعی، دین گریزی و بی اعتنایی به ارزش‌ها و باورهای اسلامی نمود بیشتری دارد وآسیب‌های جبران ناپذیری به نظام اجتماعی وارد ساخته است، این مسئله لزوم توجه و عزم جدی متخصصان علوم تربیتی و روانشناسی را می طلبد تا به شکل علمی به پژوهش در این باب بپردازند (مهرمحمدی ۱۳۸۹، ، ص۴).

در خصوص اهمیت و ضرورت پژوهش از یک طرف با توجه به تأکیدات فراوانی که بر بحث اسلامی سازی علوم شده، می‌طلبد که علوم تربیتی و حوزه مطالعات برنامه درسی به عنوان مهندسی آموزش و یادگیری نیز به عنوان یکی از با اهمیت ترین رشته‌های علوم انسانی در فرآیند اسلامی سازی قرار گیرد. بدون شک پرداختن به موضوع اسلامی سازی علوم تربیتی، بدون پرداختن به منابع و آموزه‌های اسلامی و قرآنی امکان پذیر نمی‌باشد؛ چرا که ساختار فرهنگی جامعه ما منبعث از تعالیم اسلامی- قرآنی می‌باشد. این در حالی است که متاسفانه در سال‌های اخیر جامعهٔ ما به دلیل هجوم گستردهٔ آموزه‌های نا صحیح به ویژه از سوی فرهنگ‌های مادّی گرای غربی در مرز بحران فرهنگی قرار گرفته است و به یقین می‌توان گفت بهترین شیوه رویارویی با چالش پیش رو پاسخگویی به نیازها و مسائل جامعه رجوع به آموزه‌ها و تعالیم غنی اسلامی و ایرانی است (باقری، ۱۳۸۵ص ۵). انسان‌های کامل که از سوی خداوند ماموریت می‌یابند که تا نه تنها دستگیر شیعیان و امت اسلام باشد بلکه در مقام هدایت و ارائه طریق و ایصال الی المطلوب قرار گیرد، از آنجایی که امامان معصوم شیعه بهترین شیوه‌های تربیتی را فرا روی پیروان خود نهاده‌اند، زندگی پر افتخار آنان می‌تواند به عنوان موفق‌ترین الگوهای تربیتی در طول تاریخ بشر مطرح شود. بدیهی است روایات و سیره معصومین منابع تربیتی غنی است که در این عرصه مغفول مانده است؛ یکی از این

5- Horace Mann
6- Francis Parker
7- John Dewey
8- McNeil

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بزرگواران، امام محمد باقر علیه السلام می‌باشد که در فضل و فضیلت، زهد و تقوا، اخلاف و معاشرت، سر آمد بزرگان بنی هاشم در عصر خود بود. آوازه علوم و دانش او چنان اطراف و اکناف پیچیده بود که ملقّب به باقرالعلوم; یعنی شکافنده دانش‌ها گردید. "(پاک نیا ۱۳۸۴ص۱۹). "یکی از علمای بزرگ سنّی به نام ابن حجر هیتمی درباره او می‌نویسد: محمّد باقر به اندازه‌ای گنج‌های پنهان معارف و دانش‌ها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمت‌ها و لطایف دانشها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده دانش و جامع علوم و برافروزنده پرچم دانش خوانده‌اند (شعاری نژاد. ۱۳۷۸، صص ۳۳۸ – ۳۴۶).

بنابراین با توجه به آموزه‌های آن حضرت می توان تربیت را این‌گونه تعریف کرد: به ظهور رساندن استعدادهای کمالی انسان با توجه به فطرت الهی وی و در جهت مسیری که خداوند از طریق آیاتش در اختیار وی قرار داده است. تربیت از دیدگاه هر مکتب با توجه به نگاهش به انسان و جهان، مبانی، اصول و روش‌های خاصی پیدا می‌کند. سیره تربیتی امام باقر(ع) که قرآن مجسم و ناطق است، براساس همین روش قرآنی به تربیت دیگران پرداخت. وی که خود از صنایع و سازه‌های الهی بود، می‌بایست دیگران را در مسیر الهی هدایت ایصالی قرار می‌داد. در روایت از معصوم(ع) آمده است: «نحن صنایع الله و الناس بعد صنایع لنا» یا «نحن صنایع الله و الخلق صنایع لنا»؛ بنابراین آن حضرت نیز به تربیت مردمان اقدام می‌کرد تا سازه های الهی و ربانی تحقق یابد. از این‌رو، استفاده از روش‌های تربیتی صحیح، از اصول و مبانی مهمی است که همه دست‌اندرکاران مسائل تربیتی باید به آن توجه نمایند. نظربه اینکه آیا اصول و روش تربیتی از دیدگاه امام محمد باقر به طور علمی جوابگوی مسایل تربیتی می‌باشد؟ مسأله‌ای است که در این جستار بدنبال یافتن پاسخ آن می باشیم.

چارچوب نظری

تربیت:

برای واژه تربیت به تنهایی، تعاریف متعددی ذکر شده و هر متفکر و اندیشمندی از زاویه‌ای به آن نگریسته و مورد بررسی و تأمل قرار داده است. نکته جالب در خصوص تعریف تربیت این است که با همهٔ اهمیتی که تمامی اندیشمندان و صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت برای آن قائلند، تاکنون تعریفی واحد از تربیت ارائه نشده است و این ناهمگونی و ناهماهنگی از آنجایی نشأت می گیرد که رویکرد افراد به هستی، خدا، جهان، انسان، معرفت و جامعه متفاوت است. بنابراین برای آشنایی و ایجاد مدخلی بر بحث، تعاریف مختلفی را ارائه می نماییم. تربیت در زبان فارسی به معانی مختلفی مانند پروریدن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، پرورش دادن و بارآوردن آمده است (دهخدا، ج۵، ص۵۵۰). از نظر قواع ادبی، این کلمه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مصدر باب تفعیل است و این یاب در زبان نگارش عربی، به اصطلاح متعدی است یعنی وجود فاعل و مفعول یا مربی و متربی را می‌طلبد. البته این امر نباید ما را دچار شبهه کند که حتماً باید مربی و متربی دو شخص متفاوت از هم باشند، بلکه در شرایطی انسان می‌تواند مربی خود باشد و از روش‌های خود تربیتی بهره مند گردد(دانش، ۱۳۸۹، ص۱۰).

o. c onnor استاد دانشگاه لیورپول انگلستان در کتاب "مقدمه ای بر فلسفه تعلیم و تربیت" در صفحه ۵ می‌گوید: تعلیم و تربیت از امور زیر تشکیل می‌شود:

الف. یک دسته تکنیک یا روشی در انتقال معلومات، مهارت، گرایش‌ها.

ب. یک دسته تئوری‌ها که اجرای تکنیک ها تأیید می‌کند.

ج. یک دسته ارزش‌ها یا آرمان‌ها که در هدف‌های انتقال معلومات، مهارت‌ها و گرایش‌ها منعکس شده‌اند.

در این تعریف کسب معلومات و مهارت‌ها مهم تلقی شده و تعلیم و تربیت ناظر بر روش انتقال معلومات می‌باشد.

"پرفسور برودی" استاد تعلیم و تربیت دانشگاه ایلینویز در کتاب" بنای یک فلسفه تعلیم و تربیت" در صفحه ۴ تعلیم و تربیت را به عنوان کنترل یادگیری مورد بحث قرار می‌دهد بنابراین آن دسته از یادگیری‌ها که تحت کنترل قرار دارد مورد بحث تربیتی است و با تعلیم و تربیت مربوط می‌باشد. پروفسور برودی سه نوع تربیت را مورد بحث قرار می دهد:

الف. تربیت محیطی: این نوع تربیت تقریبا " خود به خود" صورت می‌گیرد. تماس اجتماعی فرد با دیگران سبب فراگیری اموری مثل غذای معین، راه رفتن در پیاده رو می‌شود.

ب. تربیت غیر رسمی: آنچه در خانواده یا موسسات غیر تربیتی به فرد آموخته می‌شود و بیشتر جنبه عملی دارد به عنوان تعلیم و تربیت غیر رسمی تلقی می‌شود.

ج. تربیت رسمی: در تربیت رسمی قصد تعلیم یا عادت دادن training یا هر دو واضح است و موسسه‌ای برای انجام وظیفه تشکیل می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۸۴. ص۷۵).

از بررسی‌هایی که در زمینه تربیت بدست آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اتخاذ تدابیر مقتضی به منظور فراهم کردن شرایط مساعد برای رشد و کمال (شکوهی، ۱۳۶۸، ص۶).

مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان بر انسان دیگر به منظور ایجاد صفات اخلاقی و عمل یا مهارت‌های حرفه‌ای (اعرافی و همکاران، ۱۳۷۲، ص۳۶۶).

تربیت از کلمه رَبَوَ اخذ شده و به معنای پرورش و رشد جسمی و غیر جسمی است (میالاره، ۱۳۷۰، ص۳۰). پرورش استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ به فعلیت درآوردن و پروردن (مطهری، ۱۳۶۷، ص۳۸).

«مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متربی صورت می پذیرد» (بهشتی، سعید، ۱۳۸۹، ص۲۴). فعالیتی منظم و مستمر در جهت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، عاطفی و بطور کلی، پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی بویژه در رفتارهای او ظاهر خواهد شد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص۱۲).

تربیت در اصطلاح خاصی، در آمدن و یافتن هویت درست و مطلوبی می‌باشد که شامل تربیت اخلاقی، تربیت‌های دینی و به اصطلاح، تزریق اخلاقیات در وجود انسانی می‌شود (مقام معظم رهبری، ، سال سخنرانی ۱۳۶۵در باب تربیت).

تربیت اسلامی:

در منابع اسلامی آنچه هدف ارسال رسل و بعثت انبیاء الهی ـ علیهم السّلام ـ شمرده شده است، تربیت انسان و انسان‌سازی و به فعلیت رساندن تمام گنجینه‌ها و استعدادهای نهفته در درون وی بوده است. (دشتی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۳۸) هدف از آفرینش انسان و تربیت او جز این نمی‌تواند باشد. اتفاقاً در قرآن خداوند نیز به عنوان مربی انسان معرفی شده است. (اسرا، ۲۴)، چنان که اشاره شد در علم تعلیم و تربیت از جمله مهمترین امور، نظریه‌پردازی و نیز پی‌ریزی یک نظام تربیتی منسجم و کارآمد می‌باشد و مهمترین عناصر در یک نظام تربیتی عبارتند از: اهداف، مبانی، اصول، شیوه‌ها، خط مشی‌ها، و روش‌های تربیتی، که بخش زیادی از آن در منابع اسلامی آمده است، بقیه امور از قبیل، راهبردها، وسایل و ابزار، تکنیکها و فنون، یا عبارت اخرای همان چهار امر است یا فرعی از فروعات همانهاست که باید از علوم دیگر کمک گرفته شوند. در تعلیم و تربیت اسلامی از جهت منابع علمی تنوع بسیاری مشاهده می‌شود. قرآن کریم و روایات، منابع بسیار غنی و عمیقی در جهت استخراج و استنباط بسیاری از مسائل مربوط به تعلیم و تربیت به حساب می‌آیند. (مترجمان غلامرضا متقی فر و اسدالله طوسی، ۱۳۷۰ص۳۲)

فلاسفه و مربیان مسلمان تعلیم و تربیت با استفاده از منابع غنی و پایان ناپذیر وحی و میراث گرانقدر انبیاء الهی و ائمه اطهار علیهم السلام آثار گرانسنگی را از خود در تربیت به یادگار گذاشته‌اند. منابع موجود در این زمینه که از قدیم توسط فلاسفه و مربیان مسلمان تعلیم و تربیت به نگارش درآمده، می‌تواند شاهد این مدعا باشد.

اهمیت سبک زندگی اسلامی

یکی از آموزه‌های مشترک همه، ادیان الهی این است که در متون دینی؛ از یک سو، سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده است و آسیب شناسی درخوری از سبک زندگی آنان، به عمل آمده است. این نکته، هم ناظر به ساحت فردی انسان‌ها و هم ناظر به ساحت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن، وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می‌دهد. (مانند سوره عصر، آیه ۲؛ احزاب، ؛ ۶۷ و۱۰۰ ؛ حج، ۶۶، ۷۲؛، ابراهیم، ۳۴؛ علق، ۶ ؛ معارج، ۱۹ و ۲۰؛ اسراء، ۱۱شوری، ۴۸؛ زخرف، ۱۵) و برخی دیگر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

از آیات قرآن، بخشی از ساحت جمعی انسان‌ها را مورد نکوهش قرار می‌دهد. (مانند سوره عنکبوت، آیه ۲ و ۳؛ انفال، . ۲۵؛ ابراهیم، ۴۲ ؛ اعراف، ۹۴ و ۹۵ از سوی دیگر) در برخی از آیات، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است، تا انسان‌ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست و ویژگی‌ها و آثار آن چه می‌باشد و رسیدن به آن، ممکن است. اسلام یکی از ابزارهای سازنده سبک زندگی انسان می‌باشد. دستورات دینی و معنویت، شکل دهنده و تأثیرگذار بر سبک زندگی افراد است. سبک زندگی اسلامی یعنی در زندگی هر فرد، چه شخصی، چه خانوادگی و چه اجتماعی، قواعد و الگوها و قالبها و ملاکهای اسلامی نقش مهمی ایفا کند؛ یعنی روشها را بر اساس آنچه اسلام گفته و خواسته است به کار گیرد.

(شریعت پناه، ۱۳۹۲، ص۵۰). سبک زندگی راه‌های گوناگون زندگی فرد یا گروه است و شامل الگوها، اعتقادات، سلیق ها و ارزش‌ها و هنجارهایی است که در زندگی روزمره به کار می‌رود (تنهایی وخرم، ۱۳۸۹، ص۱۲۵).

هر مکتب مذهبی، سبک زندگی برای بشریت عرضه می‌کند و مدعی است، جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی است که آنان عرضه می‌کنند. اسلام یکی از بنیانهای سازنده سبک زندگی انسان است (رجب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص۹) مفهوم سبک زندگی اسلامی با مفهوم سبک زندگی، که آدلر بیان میکند، شباهتهایی دارد. بعضی از این شباهتها شامل ۱. توجه به ارزش‌ها ۲. کل نگری ۳. غایتگرایی ۴. جهت یابی فردی ۵. خود خلاق و. . . است (هادوی، ۱۳۹۱، ص۴۲). الگوهای غیر اسلامی تصمیماتی که در زندگی گرفته می‌شود، بر مبنای به حرکت واداشتن فکر و رسیدن به تحرک فکری به هدف خود که دستیابی به اهداف در زندگی است دست پیدا کند، ولی در الگوی اسلامی تصمیمات را به گونهای می‌گیرند که تحرک فکری او حاکمانه باشد، نه خادمانه و در خدمت هواهای نفسانی. از نظر اسلام، فکری و تصمیمی در زندگی انسان حکیمانه است که بر اساس عقل حاکم تولید شده باشد (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲، ص۱۶).

امامان معصوم در دو قرن و نیم حضور خود در جامعه‌ی اسلامی تمامی تلاش خود را مبذول داشتند که سبک زندگی اسلامی را تبیین کرده و با توجه به اوضاع هر عصری، سبک خاصی از زندگی اسلامی را ارائه دهند. مجموعه‌ای که اکنون از سنت و سیره آنان در اختیار ما است، به خوبی نشان می دهد که ایشان سبک‌های متعددی از زندگی را برای زمان و مکانها ارائه دادند که مبتنی بر شیوه زیست اسلامی است. مهندسی فرهنگی که امامان برای ارائه سبک زندگی اسلامی انجام دادند، مجموعهای علمی و عملی است که باید به عنوان سرمشق مورد استفاده جوامع امروز اسلامی قرار گیرد. سبک زندگی اسلامی را باید از پیشوایان دینی آموخت که در زندگی خود تمامیت اسلام را تجسم و عینیت بخشیده و آن را در زندگی خود آزموده و با موفقیت ارائه دادند. در جهت تحقیق این امر لازم است مفاهیم سبک زندگی اهل بیت برای جامعه تبیین شود تا پذیرش آنها توسط افراد جامعه امکانپذیر باشد و در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

این میان، سازمانهای فرهنگی نقش مهمی ایفا می‌کنند (حسومی، ۱۳۹۲، صص۲-۳). از دیدگاه مقام معظم رهبری، جایگاه سبک زندگی اسلامی در تشکیل تمدن نوین اسلامی بسیار مهم است. ایشان تمدن نوین اسلامی را دارای دو بخش ابزاری و اصلی میدانند"بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز برای پیشرفت کشورها مطرح می‌کنیم: علم، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است (سیدعلی خامنه ای، ۱۳۹۱). و بخش اصلی تمدن نوین اسلامی عبارت است از "آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه و. . . . اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است (همان). اهمیت ارائه و تبیین سبک زندگی نزد اهل بیت، چنان است که پیامبر اعظم کوشید تا یک سبک زندگی جدید را در قالب شیوه‌ی جدیدی از زیست ارائه دهد که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن و عقلایی و فطرت بشر باشد. اما پس از پیامبر، به سبب ارتباط جامعه با فرهنگها و تمدنهای دیگر، شیوه‌ها و سبک‌های دیگری از زندگی شناسایی شد (حسومی، ۱۳۹۲، ص۷-۸). . اسلام یکی از ابزارهای سازنده سبک زندگی انسان می‌باشد. دستورات دینی و معنویت، شکل دهنده و تأثیرگذار بر سبک زندگی افراد است.

روش‌های تربیتی

روش‌های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت هستند و بخش اعظم توفیق مربی و نظام تربیت در گروی شیوه‌هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و بکار می‌بندد؛ به همین جهت گزاف نیست اگر بگوئیم خطیرترین و دشوارترین مرحله از فرایند تربیت، تعیین و تشخیص روش‌های تربیتی و استفاده و بکارگیری صحیح و مؤثر آن است. روش را می‌توان راه و طریقه‌ای دانست که میان اصل و هدف، امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم و موصل به هدف و منظور مربّی می‌کند (هوشیار۱۳۲۷، ص۲۲). چنانکه اصول بر مبانی تکیه دارند، روش‌ها نیز بر اصول مبتنی هستند. البته اصول و روها از یک سنخ هستند، زیرا هردو دستور العمل‌اند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید کرد؛ اما تفاوت آنها در این است که اصول، دستوالعمل‌های کلی و روش‌ها، دستوالعمل‌های جزئی هستند، پس بهتر است بجای آنکه سلسله‌ای از روش‌ها را بدون ضابطه‌ای در کنار هم آوریم آنها را بر حسب قرار گرفتن در دامان اصول تربیتی مختلف دسته بندی کنیم (باقری، ۱۳۸۸، ص۸۸). همچنین روش را می‌توان راه رسیدن به یک هدف تربیتی دانست که در قلمرو تعلیم وتربیت به عنوان یک علم دستوری و کاربردی در بردارنده مفهوم باید است و می‌توان آن را یکی از گزاره‌های باید شناختی در تعلیم و تربیت دانست (بهشتی، سعید،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۱۳۸۶، ص۱۶۳). بنابراین توضیحات می‌توان روش‌های تربیتی را چنین تعریف کرد: «مفاهیم و گزاره‌های جزئی انشائی و توصیه‌ای اندکه راه های رسیدن به اهداف تربیتی را باز می‌نمایانند» (بهشتی سعید، ۱۳۸۹، ص۱۰۶).

روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش روش توصیفی – تحلیلی است. روشی که معمولا در مطالعات مربوط به حوزه فلسفه تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌دار انجام می‌شود و مطالب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد بطوری که هر یک از اجزای سازنده موضوع، قابل شناخت و بررسی گردند (حافظ نیا، ۱۳۸۱). بنابراین به ترتیب طرح موضوع ذکر شده، تنظیم و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد یعنی مطابق فرایند منظم کار به پیش می‌رود.

روش گردآوری اطلاعات:

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. و همچنین از فرایند فیش برداری جهت ضبط و ثبت مطالب استفاده می‌شود. در این فرایند ممکن است عین مطلب به صورت نقل قول مستقیم یا برداشت پژوهشگر از مطلب و به صورت نقل قول غیر مستقیم یا ترجمه از زبانی به زبان دیگر باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

چون داده‌های بسیاری از تحقیقات علمی، کمی نبوده جنبه آماری ندارد و معیار و مبنای دیگری غیر از روش‌های آماری باید برای تجزیه و تحلیل آنها بکار برد این مبنا و معیار در تجزیه و تحلیل های کیفی مشخصاً عقل، منطق و تفکر و استدلال است یعنی محقق با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه باید اسناد و مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد و حقیقت و و اقعیت را کشف و اظهار نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۷ص۸)

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است تا بتوان سخنان و پیام‌های مرتبط با موضوع را تفسیر و تحلیل کرد. با توجه به ماهیت موضوع این پژوهش، نیازمند بررسی کتبی زمینه روش‌ها و رویکرد پژوهش هرمنوتیکی هستیم. تجزیه و تحلیل محتوا یکی از روش‌های جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در علوم اجتماعی و انسانی است که اخیراً مورد توجه زیادی قرار گرفته است. در این روش پژوهشگر به جای آنکه نگرش‌ها، باورها و دیدگاه‌های افراد را از طریق پرسشنامه مورد سنجش قرار دهد، پیام‌هایی را که آنان توصیه کرده‌اند مورد بررسی قرار می‌دهند. در واقع تجزیه و تحلیل محتوا، به کارگیری روش‌های علمی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

برای بررسی محتوای مدارک اسنادی است. نمونه‌ها در این روش همان اسناد است. همچنین این روش، فنی برای یافتن نتایج(پژوهش) از طریق تعیین عینی و منتظم ویژگی‌های مشخص پیام‌هاست. این تعریف، تحلیل محتوا را محدود به روش‌های کمّی نمی‌داند و نیز استنتاج درباره معنای پنهان پیام‌ها را مجاز دانسته و آن را به توصیف ویژگی‌های آشکار پیام‌ها محدود نمی‌سازد(هولستی، ترجمه سالارزاده امیری، ۱۳۷۳، ص۶۹). این روش دربردارنده برجسته سازی محورها و خطوط اصلی یک متن با هدف فراهم آوردن تحلیلی – توصیفی و ارائه واقعیت در سطح یا عمق یا تحلیل عینی و مانند آن است (بهشتی، ۱۳۸۰ص۱۰). که شامل مراحل زیر می‌باشد:

ـ گردآوری منابع

ـ مطالعه کلی و اجمالی

ـ فیش برداری

ـ طبقه بندی اطلاعات

ـ بررسی سوالات

ـ نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش

تأثیر روش‌های تربیتی امام محمد باقر (ع) بر روند بهبودی زندگی فردی

روش‌های تربیتی

۱-**زمینه‌سازی** (ایجاد زمینه سالم تربیتی): طبق این روش باید شریطی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند از پیش به نحو مقتضی دگرگون کرد، یکی ناظر به فراهم آوردن شریط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شریط اولیه است احتمال رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد. امام باقر(ع) می‌فرماید. هر که خوش نیت باشد، روزی‌اش افزایش می‌یابد. امام باقر می‌فرماید: خداوند بنده مؤمنش را با بلا مورد لطف قرار می‌دهد، چنانکه سفر کرده‌ای برای خانواده خود هدیه می‌فرستد، و او را از دنیا پرهیز می‌دهد، چنانکه طبیب مریض را پرهیز می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۸۰).

چنانچه ملکات نفسانی انسان را مورد توجه قرار دهیم، تقوا نیکوترین فضیلت او است. تقوا به معنای حفظ و نگهداری است. وقتی این کلمه در زمینه اخلاقی و تربیتی به کار می‌رود، به معنای حفظ خود، تسلط بر خود، اداره خود و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر منطقی است. بنابراین، تقوا به معنای عام کلمه، لازمه زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل سلیم زندگی، و از اصول معیّنی در زندگی خود پیروی کند (شریعتمداری، ۱۳۴۶، ص ۲۳ ـ ۸۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۲- **ابتلاء:** دراین روش انچه مراد است که فرد بتواند علی رغم فشار و اقتضای شرایط خود مبدا نحوه حرکت و شکل‌گیری خویشتن قرار گیرد. امام باقر می‌فرماید: نهایت کمال، فهم در دین و صبر بر مصیبت، و اندازه‌گیری در خرج زندگانی است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص۱۷۲).

تعلیم و تربیت در این باره باید بر شناخت و معرفت استعدادهای گوناگون انسانی و ابعاد مختلف جسمی، روانی، قوای مادی و معنوی، نقاط ضعف و قوت انسان مبتنی باشد. (شکوهی، ۱۳۷۸، ص۲). "تربیت عبارتست از هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکاملی و مراد از جریان ارتقایی و تکاملی نیز شاگرد و زندگی وی آینده است. بر این اساس مقصود از اصول آموزش و پرورش جستجوی این گونه مبانی عقلانی و معیارهایی است که به وسیله آن می توان در هر مورد با کمال صحت رفتار و تربیتی مطلوب کرد. رفتاری که به وسیله آن می‌توانم هر وضع خاص تربیتی یعنی هر طفل را از موقعیت خاص خود که به هدف مطلوب برساند. (هوشیار، جلد اول، ۱۳۳۵، ص ۹). "

۳-**تغییر موقعیت:** از انجا که شزیط مختلف زمانی مکانی و اجتماعی مبدا تاثیر گذاریهای متفاوتی بر انسان است برای ایجاد حالات مطلوب در وی لازم است روابط او با شریط مزبور را دچار تغییر سازیم. امام باقرمی‌فرماید: سه چیز از خصلتهای نیک دنیا و آخرت است: از کسی که به تو ستم کرده است گذشت کنی، به کسی که از تو بریده است بپیوندی، و هنگامی که با تو به ندانی رفتار شود، بردباری کنی.

تهذیب و تربیت بُعد معنوی انسان در گرو آگاهی او است. هر انسانی به مقدار آگاهی و معرفتش می‌تواند رشد یابد و کامل شود. پس مهم‌ترین عامل رشد و تکامل انسان آگاهی او است. انسان متعهد انسانی است که موقعیت خود را در جهان شناخته و در به ثمر رساندن ملکات نفسانی خود کوشا باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص۵۱۳).

امام باقر می‌فرماید: غیبت آن است که درباره برادرت چیزی را بگویی که خداوند بر او پوشیده و مستور داشته است. و بهتان آن است که عیبی را که در برادرت نیست، به او ببندی(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۸)، پس هدف این است که انسان به صورتی تربیت شود تا اداره‌کننده خویشتن باشد. تمایلات یا هوای نفسانی خود را تحت کنترل درآورد و از آنچه غیر منطقی و غیر عقلانی است، خود را دور کرده و آنچه را شایسته انسان بودن او است، انجام دهد.

۴- **اسوه‌سازی:** در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملل در معرض دید متربی قرار دهد و بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او دگرگون کند تا او به پیروی پردازد ومطابق با ان عمل نمونه در خویشتن پدید آورد، امام باقر می‌فرماید: تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم: اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن، اگر به تو خیانت کردند خیانت مکن، اگر تکذیبت کردند خشمگین مشو، اگر مدحت کنند شاد مشو، و اگر نکوهشت کنند، بیتابی مکن. (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۷۵، ص ۱۶۷).

تردیدی نیست که خانواده نقش اساسی در تربیت فرزند دارد و پرورش صحیح فرزندان بدون توجه جدی والدین به این امر مهم و ایجاد فضای مناسب و آرام برای آن میسر نیست. نابسامانی خانواده، اختلاف و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

نزاع‌های والدین، عدم رابطه صمیمی میان اعضای خانواده به ویژه والدین و فقدان امنیت و آرامش لازم در جامعه کوچک خانواده، تربیت صحیح فرزند را به مخاطره می‌اندازد.

چگونه روش‌ها و اصول تربیتی امام باقر (ع) می‌تواند نقش والدین رادر تربیت فرزندان به اعتدال و عدم کجروی رهنمود کند؟

روش تربیتی:

۱- **روش مواجعه با نتایج اعمال:** نشان دادن پیامدها یعمل فرد اکتفا کرد یکی اینکه ما فرد را نسبت به پیامدها اگاه می کنیم و دیگر اینکه او را وا می گذاریم تا با نتایج اعمال روبرو شود.

امام باقر می‌فرماید: خداوند در روز قیامت در حساب بندگانش، به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است، دقت و باریک بینی می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۶۷،) تعلیم و تربیت باید سازگاری و مخالفت با جامعه را به فرد بیاموزد. در سازگاری، انسان ضمن حفظ ویژگی‌های فردی باید درصدد تفاهم و وحدت با دیگران برآید. سازگاری در جامعه به معنای مطلق تسلیم در برابر جمع یا تأیید وضع موجود نیست، بلکه فرد ضمن اینکه با دیگران می‌زیَد، استقلال و هویت فردی خود را نیز حفظ می کند و آزاد است تا هدف و خط مشی زندگی خود را بر اساس تجربیات و امکانات موجود برگزیند. امام باقر می‌فرماید: خداوند، دشنام گوی بی آبرو را دشمن دارد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۶).

اهمیت دادن به واجبات نخستین گام در مسیر رشد و تعالی انسان است و از سوی دیگر باید از آنچه دین خطا، گناه و پلیدی شناخته، خود را حفظ و صیانت کند؛ همان چرا که گناه، انسانیت انسان را از بین برده، وجدان اخلاقی را در انسان می کشد و او را به مرحله‌ای می‌رساند که قرآن می‌فرماید: (أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ، اعراف۱۶) از آنجا که انسان پرتویی از کمال مطلق و نشأت او از خدا است، وظیفه دارد خود را به صفات خداوند متصف کند و هرگز گرد ظلم و بی‌عدالتی و دیگر انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی نگردد. تقوای دینی و الاهی یعنی انسان از اصول و روشی که دین برای زندگی معیّن ساخته، پیروی کند. علم و ایمان باید فرد را به شرکت داوطلبانه و مسئولانه در فعالیت‌های مربوط به جوامع کوچک و بزرگ سوق دهد و به رعایت حقوق دیگران وا دارد.

۲- **روش مبالغه در پاداش:** پاداش دادن به فردی که تن به کوشش و تلاش داده و سعی خود را ابراز نموده از اصل فضل است.

امام باقر می‌فرماید: چه بسیار خوب است نیکی‌ها پس از بدی‌ها، و چه بسیار بد است بدی‌ها پس از نیکی‌ها. (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۲، ص ۴۵۸)، در مناسبات انسانی است که یکی از عالی‌ترین ویژگی‌های آدمی یعنی احسان مطرح می‌شود. احسان، نیکی کردن به دیگران و مراعات مردم است. (بازرگان، ص ۱۵۶ ـ ۱۵۷). قرآن می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ. (نحل: ۹۰)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

از نظر اسلام، احسان به مردم چنان اهمیتی دارد که افراد تسلیم در برابر خداوند، و نیکوکاران را شایسته (پاداشی بزرگ) می‌داند: بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ. (بقره: ۱۱۲)

۳-**تغافل:** در این روش بر خلاف روش قبل مربی باید ضعفهای متربی را به طریقه‌ای پنهان کند و از آنها در گذرد تا بروز ضعفهای او موجب از دست رفتن عزت برای متربی نگردد. امام باقر می‌فرماید: بر شما باد به پرهیزکاری و کوشش و راستگویی، و پرداخت امانت به کسی که شما را بر آن امین دانسته است، چه آن شخص، نیک باشد یا بد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۹). بی‌تردید روابط خوب والدین با هم و نوع رفتار آنها با فرزندان در ایجاد فضای مناسب و آرام بعنوان زمینه خوشبختی و پیشرفت و رسیدن به آرزوها بسیار مهم است و برعکس نزاع‌های خانوادگی و اختلاف والدین و نبودن صمیمیت و آرامش، علاوه بر ایجاد فضای اضطراب و یاس، موجب عدم اعتماد به نفس در فرزندان، دوری از خانواده، افتادن در دام‌های اجتماعی و به مخاطره انداختن تربیت فرزندان می‌شود. پیامدهای مثبت روابط خوب و پیامدهای منفی روابط سرد بر همه اعضای خانواده تاثیر دارد. امام باقر(ع) سفارش می‌کند که در خانواده علاوه بر این که احسان و نیکی و خوش رفتاری لازم است؛ بلکه باید این خوش رفتاری را به بهترین وجه ممکن ابراز کرد. درسابق روش‌های تربیتی والدین و مربیان نیازی بشناخت و درک کودک نداشتند و از الگوی‌های از پیش ساخته شده پیروی می‌کردند چه بسا همان کودکی که سعی می‌کرد مطابق الگوی مقبول بار آید، اگر ازادش می‌گذاشتند بمراتب بهتر از انچه انان می‌خواستند بار می‌آمد. پس در امر تربیت فرزندان والدین باید بکوشند که نارساییهای کودک را به رخش نکشند. اگر کار اشتباهی کرد او سر زنش نکنند بلکه دوستانه علت را برایش بگویند. نتیجه اینکه برای کودکان و نوجوانان باید نمونه خوبی باشند تا فرزندان با تقلید در اعمال صحیح را بیاموزند و اولیا باید احتیاجات عاطفی کودکان را ارضاء و در ضمن او را تشویق به داشتن عقاید و رفتار و تصمیمات مستقل بنمانید. یکی از نکات مهم در تربیت فرزندان توجه بهداشت روانی آنها است یعنی رسیدگی به احتیاجات جسمی کودکان کافی نیست بلکه همراه با آن باید خصوصیات رشد روانی آنان را شناخت و موجبات رشد آنها را فراهم کرد. والدین در محیط خانواده نباید فضای مناسب خانه را با مشاجره بین خود شلوغ کنند و محیط خانه را غیر تحمل بوجود بیاورند. والدین باید دارای صفات برجسته شکیبایی، فداکاری، گذشت، جوانمردی و بخشش، درستکاری و دادگری باشند در اینصورت فرزندانشان بدون هیچگونه پافشاری از آنان تقلید خواهند نمود وبه دستورات آنها عمل خواهند کرد و در آخر اینکه والدین باید در اوان کودکی و دوران نوجوانی به استقلال و ازادی فرزندانشان احترام بگذارند و با شنیدن مشکلاتشان به گوش دادن به پیشنهاداتشان با قبول برخی از سلیقه‌هایشان به رشد آنها کمک شایان کنند. لذا می‌فرماید "هر کسی که با روشی نیکو و پسندیده به همسر و فرزندان خود نیکی کند عمرش طولانی می‌شود. " الامام الباقر علیه السلام: کسی که برای گذران زندگی (خود و) عیالش تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خداست. (حرعاملی، ۱۴۰۹ ج ۱۲، ص۴۳) وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. (حرعاملی، ۱۴۰۹ج ۱۷، ص ۲۱، ح، ۵). امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: هرکس دنیا را به جهت یکی از این سه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

حالت طلب کند: بی نیازی از مردم، آسایش و رفاه خانواده و عائله اش، کمک و رسیدگی به همسایه اش، روز قیامت در حالتی محشور می گردد و به ملاقات خداوند متعال نایل می‌شود که صورتش همچون ماه شب چهارده، نورانی است.

۴- عبرت آموزی: موعظه در این روش نه محور خود فرد با که با نظر به دیگران شکل می گیرد خواه این دیگران از پشیینیان باشند یا از همراهان عبرت یعنی عبور کردن روش ایه است پدیده‌ها را ایت دیدن و از سطح در گذشتن به اعماق رسیدن است. اختلاف نظر امری طبیعی است. افراد از لحاظ خصوصیات روانی، تجربیات اجتماعی، امکانات و تخصص با هم تفاوت دارند. تفاوت‌ها این فرصت را فراهم می‌آورد تا افراد طبق استعدادهای خود پرورش یابند و نقش خود را در زندگی جمعی ایفا کنند. البته، تعلیم و تربیت باید تفاوت میان مخالفت اصولی با منفی‌بافی، عیب‌جویی، حمله و تعرض به دیگران را نیز به افراد بیاموزد. (شریعتمداری، ۱۳۶۴ص ۲۳ ـ ۸۲).

روایت‌ها و احادیث امام باقر (ع) چگونه میتواند شگل‌گیری و پایداری تداوم خانواده در رشد تربیتی فردی را هموار سازد ؟

روش تربیتی:

۱- ذکر و یادآوری: ذکر و یادآوری از روشهایی است که برای توجه دادن افراد به امور اخلاقی و تربیتی و آگاه شدن از وظایف فردی و اجتماعی به کار می‌رود، قرآن بر پیامبر (ص)می‌فرماید. (فذکر ان نفعت الذکری و ذکر ان الذکری تنفع المومنین. اعلی۶۹/ ذاریات /۵۵)، انسان فراموش کار است و گاه از نتیجه و حاصل کارها غافل می‌شود. لذا باید او را متذکر برخی وظایف نمود و به یاد او آورد که چه می کند و به چه نتیجه ای می‌رسد و چه کاری باید بکند، امام باقر می‌فرماید: از دشمنی بپرهیزید، زیرا فکر را مشغول کرده و مایه نفاق می گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص۳۰۱) روش‌های تربیتی منتسب امام باقر (ع)اساساً برداشت‌هایی که از کیفیت گفتار و چگونگی و کیفیت رفتار حضرت به دست آمده است وچگونگی بیان مطلب و چگونگی برخورد رفتار مربی با متربی در موقعیت‌های گوناگون تربیتی و میزان اثربخشی آن نوع رفتار و گفتار بر ذهن و روان کودک موضوعی است که بر کسی پوشیده نیست. در سیرهٔ امام چه در مقوله گفتار و چه در مقوله رفتار از لحاظ کیفیت و چگونگی آنها، مواردی ملاحظه می‌شود که کمتر مربی و معلمی توان انجام آنها در تمام لحظات آموزشی و تربیتی در میدان عمل را دارد (پاک نیا ۱۳۸۱ص۱۲).

۲- اعطای بینش: نوعی اگاهی عمیق و گسترده است یک نوع اعطای بینش در باره نظام هستی است شهادت احاطه و افاضه می‌باشد. امام باقر می‌فرماید: چه بسا شخص حریص بر امری از امور دنیا، که بدان دست یافته و باعث نافرجامی و بدبختی او گردیده است، و چه بسا کسی که برای امری از امور آخرت کراهت داشته و بدان رسیده، ولی به وسیله آن سعادتمند گردیده (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص۱۲۰).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

خانواده، به عنوان اولین و پایدارترین نهاد جامعه، بیشترین اهمیت را در شکل‌گیری شخصیت و روحیات فردی اعضای آن برعهده دارد و بزرگ ترین نقش را در سالم سازی جامعه ایفا می‌کند. بنیان خانواده بر پایه محبت اعضا به یکدیگر، بنا نهاده شده است؛ خانواده اهمیت فوق العاده‌ای در رشد کودک دارد. فقدان خانواده اثر منفی در طفل بجا می‌گذارد. خانواده نباید به هیچ وجه از تربیت کودک غافل بماند. نه بدین دلیل که بعنوان یک انجام وظیفه است بلکه به اینکه بدون حضور خانواده و احساسات عالی، پرورش نمی‌یابد. و شاید اهمیت نقش خانواده را از ارتباط والدین و فرزندان به عنوان یک عامل مهم تعیین کننده سلامت فرزند و خانواده می‌باشد.

به گونه‌ای که می‌توان محبت را مهم‌ترین عامل در بهداشت و سلامت روحی (ثلاث لم یجعل الله عز و جل لاحد فیهن رخصة: اداء الامانة الی البر و الفاجر و و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر و بر الوالدین برین کانا او فاجرین). سه چیز است که خداوند اجازه ترک آنها را به هیچ کسی نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد برای نیکوکار و بدکار، و نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار و چه بدکار. (ابن واضح، ۱۴۰۶ص ۹۵)، امام باقر علیه السلام فرموده اند: «من بر والدیه، طوبی له زاد الله فی عمره» خوشا بر حال کسی که به پدر و مادر خود نیکی کند چرا که خداوند بر عمر او می‌افزاید. (ابن شعبه حرا نی، ۲۰۱۲ص ۲۳۸).

بر این اساس احادیث و روایات اسلامی علم و عقل دارای دو منشا و بر دو نوعند: اول، علم و عقل مسموع (اکتسابی) که از محیط به دست می‌آید، و دوم علم وعقل مطبوع که ریشه در طبیعت و سرشت آدمی دارند. که در تعلیم و تربیت اسلامی، علم و عقل لازم و ملزوم یکدیگرند. (مطهری، ۱۳۶۷، ص۵۵).

اما لازمه تحقق چنین امری، اعتقاد عملی و نظری به چنین اندیشه و روشی است. منظور از اعتقاد عملی آن است که به امکان وجود چنین روش‌ها و شیوه‌های تربیتی یقین داشته باشیم و در ساختارمند کردن نظریه مذکور و عینیت بخشیدن به آن اقدام کنیم و تعلیم و تعلم از مهم‌ترین امور سعادت‌آفرین برای انسان است. در سایه تعلیم و تربیت است که فرشتگان در برابر انسان سجده کردند و در سایه تعلم است که انسان می‌تواند دیگران را رشد داده و از علم آنها نیز بهره‌مند شود. در اندیشه امام انسان تربیت یافته، شریف و بلند مرتبه است و هیچ چیز با این شرافت برابری نمی‌کند. (هوشیار ۱۳۳۵ص۸)

۳. موعظه حسنه: گاهی مستمع در برابر موعظه، مقاومت حتی لجاجت می‌کند قرآن با قید حسنه نام برده تا از موعظه سیئه جدایش کند.

ادع الی سبیل ربک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن. (نحل /۱۲۵)

ویژگی‌های موعظه حسنه را می‌توان در ۶ مورد خلاصه نمود:

۱- سخن سنجیده همراه با حکمت ۲ -پند نیکو ۳- با بهترین الفاظ با مخاطب بحث کند ۴ -توام با عمل باشد ۵) خیرخواهی واعظ در موعظه‌اش هویدا باشد ۶- پند خارج از حضور افراد باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: « من بر والدیه، طوبی له زاد الله فی عمره » خوشا بر حال کسی که به پدر و مادر خود نیکی کند چرا که خداوند بر عمر او می‌افزاید (حرانی، ۱۴۰۹ ص ۲۳۸).

امام محمد باقر علیه السلام در مورد رعایت حق والدین بعد از مرگشان می‌فرمایند: ان العبد لیکون بارا بوالدیه فی حیاتهما ثم یموتان فلایقضی عنهما دَینهما و لا یستغفر لهما فیکتبه الله عزوجل عاقا و انه لیکون عاقا لهما فی حیاتهما غیر بار فاذا ماتا قضی و استغفر لهما فیکتبه الله، عزوجل بارا گاهی انسان در دوران حیات پدر و مادر به آنان احسان و نیکی می کند ولی پس از مرگ آنان را فراموش نموده، دین آنها را ادا نمی‌کند و برای آنها از خدا طلب آمرزش نمی‌کند. خداوند چنین کسی را عاق والدین ثبت می‌کند. و گاهی انسان در دوران حیات پدر و مادر نسبت به آنان عاق شده و از هرگونه احسانی درباره آنان دریغ می‌ورزد. چون مرگ آنان فرا رسد، قرض آنها را ادا می کند و برای آنها از خداوند مغفرت می‌خواهد خداوند او را جز نیکوکاران به پدر و مادر ثبت می کند. (مجلسی ج ۷۴ ص ۵۹).

توصیه‌های تربیتی امام باقر، ترجمان نگرش و نگاه دقیق آن بزرگوار به جهان‌بینی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی است. آن‌گاه که در تربیت آدمی از توجه داشتن به رشد کرامت و عزت نفس، آزادی و عدم تبعیض توصیه می‌فرماید، تا آنجا که به پرهیز از تنبیه و عدم عیب‌جویی از متربی امر می‌فرماید، در حقیقت توجه همه اندیشه‌وران را به تبیین ارزش، جایگاه و منزلت انسان در نظام آفرینش یا بهتر بگوییم انسان‌شناسی مورد نظر اسلام معطوف می‌دارد؛ زیرا ویژگی‌های انسان از منظر انسان‌شناسی اسلامی، آن‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، استکمال عزّت و کرامت، آزادی، عقلانیت و خودآگاهی انسان در مسیر تکامل نفسانی و ایمانی و روحانی وی مطرح شده است. امام باقر می‌فرماید: چون مؤمن با مؤمنی دست دهد، پاک و بی گناه از یکدیگر جدا می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۲۰).

معرفت‌شناسی اسلامی، کسب معارف اولیه از طریق ابزار حسّی را تأیید می‌کند، و ابزار حسّی انسان در تعامل رفتاری، گفتاری و مشاهده‌ای با دیگران است که رشد می‌یابد و زمینه ادراک بهتر و بیشتر را میسر می‌سازد. حتی می‌توان گفت که انسان در تعامل با نوع خود است که به معرفت به خویش پی‌می‌برد و همان‌گونه که در مبحث جهان‌بینی اسلامی مطرح کردیم، این نوع معرفت، مقدمه معرفت الاهی است. پس نتیجه می‌گیریم که، در تعلیم و تربیت اسلامی، از همان لحظات اولیه زندگی کودک، زمینه‌های رشد فراگیر او را مدنظر قرار می‌دهد و شرایطی را توصیه می‌کند که چنانچه مدبرانه و آگاهانه به آنها پرداخته شود، انسان‌هایی با جهان‌بینی الاهی که عشق به کمال و شوق وصال به منبع فیوضات خداوند تمام وجودشان را پرمی‌کند، به جامعه بشری عرضه خواهد کرد. (پاک نیا۱۳۸۱ص۳۲).

آیا تعلیم وتربیت اسلامی امام باقر (ع)می‌تواند تاثیر براصلاح رفتار و منش فردی را تغییر داد ؟

روش تربیتی:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۱- اسوه‌سازی: در این روش مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملل در معرض دید متربی قرار دهد و بدین‌گونه موقعیت اجتماعی او دگرگون کند تا او به پیروی پردازد ومطابق با ان عمل نمونه در خویشتن پدید آورد. امام باقر می‌فرماید: تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم: اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن، اگر به تو خیانت کردند خیانت مکن، اگر تکذیبت کردند خشمگین مشو، اگر مدحت کنند شاد مشو، و اگر نکوهشت کنند، بیتابی مکن. (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۷۵، ص ۱۶۷)

آنچه از سیرهٔ تربیتی فهمیده می‌شود، نقش تربیتی عام و خاص حضرت است؛ بدین معنا که کلیه رفتارهای امام به دلیل الگو بودن برای عموم مردم، کارکردی آموزشی و تربیتی داشته، از لحاظ اخلاقی، اجتماعی، سیاسی اقتصادی و معیشتی و حتی نظامی الهام‌بخش رفتار عموم مردم بوده است. در این تعبیر، حالت یا نقش تربیتی عام داشته است و دارد. اما منظور از جنبه‌های خاص تربیتی، آن بخش از سیرهٔ امام مورد نظر است که اختصاصاً برای تربیت و تغییر در رفتار و اخلاق و نگرش افراد در وضعیت ویژه تربیتی تعریف شده است. (شکوهی، ۱۳۷۲ ص۱۱۵).

۲- بیان مهر و قهر: به زبان آوردن مهر به طوری که آگاهاندن دوستان از محبت درونی به آنها موجود است و قهر به زبان آوردن قهر ترس از حرمان را در مخاطبی که دلبسته است دامن می‌زند و همین ترس، عامل بازدارنده نیرمندی است که تخطی را مهار می‌کند. امام باقر می‌فرماید: تواضع، راضی بودن به نشستن در جایی است که کمتر از شانش باشد، و اینکه به هر کس رسیدی سلام کنی، و جدال را هر چند حق با تو باشد، ترک کنی. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۸۰).

امام باقر می‌فرمایند: سخن نیک را از هر کسی، هر چند به آن عمل نکند، فرا گیرید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۰). طور کلی، تربیت امری متناظر بر اهدافی از پیش تعیین شده است و مجموعه فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که با طرح و برنامه و خط مشی‌هایی معیّن، محتوایی که مطلوب و متناسب با حال و وضع متربی باشد و آثار مطلوبی بر رفتار، کردار، اخلاق، شناخت و نگرش وی پدید آورد، از طرف افرادی که مربی نامیده می‌شوند. امام باقر می‌فرماید: سه خصلت است که دارنده اش نمی‌میرد تا عاقبت شوم آن را ببیند: ستمکاری، از خویشان بریدن، و قسم دروغ که نبرد با خداست (کلینی، ۱۴۰۲ج ۷۵، ص۱۷۴). بنابراین زمانی‌که متولیان تربیت را به لباس و وجهه کودکی درآمدن و با کودکان از طریق بازی و ابراز محبت ارتباط برقرار کردن توصیه می‌فرماید، در واقع، توجه ما را به روش‌های بنیادی جامعه‌پذیری، انسان، بدون تعامل با دیگران، از فیض رشد و کمال باز می‌ماند.

۳- عطا و حرمان: این روش آن است که محبت یا عدم محبت را در کسوت کردار نمودار می‌سازد در قالب بیان ابراز محبت هنگامی که جامه عمل بپوشد به صورت هدیه و هبه به کسی ومنع محبت به طریق محروم ساختن او از انچه به وی ارزانی شده بود نمودار می‌شود. امام باقر می‌فرماید: شخص حریص به دنیا مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم به دور خود می تند، راه بیرون شدنش را دورتر و مشکل‌تر می‌کند، تا اینکه از غم و اندوه بمیرد. (کلینی، ج ۲، ۱۴۰۲ص ۳۱۶).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۴-تکلیف به قدر وسع: برطبق این روش چون افراد از حیث فهم و عمل دارای وسع‌های مختلفی هستند مربی باید در مواجهه با متربی، چیزی بگوید که در طاقت فهم او باشد و چیزی بخواهد که در طاقت عملی او باشد. خداوند خود این روش را به کار برده و از مردم همانقدر طلب کرده که به آنها داده است. لایکلف الله نفسا الا ماآتاها. انبیا هم چنین روشی داشتند. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند: نهایت کمال، فهم در دین و صبر بر مصیبت، و اندازه‌گیری در خرج زندگانی است. (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۷۵، ص۱۷۲).

مربیان و والدین موفق در جهاد مقدس تربیت، بیش از آن که به گفتار دعوت به نیکی کنند با عمل صالح دعوت کرده‌اند، پیش از آن که سخن بگویند عمل نمودند، پیش از آن که به تربیت دیگران اقدام کنند به اصلاح خویش پرداختند، بنابراین والدین که خود اولین مربیان فرزندان هستند می‌بایست با زبان عمل با فرزندانشان سخن بگویند. فرزندان باید در عمل ببینند که والدین به آنچه می‌گویند پای بند هستند و خود عمل می‌کنند و گفتارشان با عملشان مطابقت دارد. به نظر می‌رسد که اساسی ترین عامل تربیتی معصومان علیهم السلام و در واقع مهمترین راز موفقیتشان در تربیت فرزندان همان تربیت با عمل و پای بندیشان به آنچه می‌گفتند بوده است و این شیوه در سیره تربیتی امام باقر(ع) نیز کاملا آشکار است، فرزندان آن حضرت با دیدن اعمال پدر برای انجام اعمال صالح و رفتار درست الگو می‌گرفته و به راز بندگی خداوند دست می‌یافتند و تبیین ارتباط مفهومی سیرهٔ تربیتی امام باقر و سایر مفاهیم تربیتی مطرح شده در این مطالعه با مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به‌طور کلی، آنچه از سیرهٔ آن بزرگوار درباره روش‌های تربیتی کودکان فهمیده می‌شود، آن است که افزون بر موعظه، به کارگیری اصولی چون ترغیب و ترهیب، ارشاد و راهنمایی، تذکر و عادت دادن کودکان به انجام فرایض و درونی‌سازی ارزش‌ها و آداب و مهارت‌های اجتماعی نیز مورد نظر حضرت بوده است و مربیان افزون بر والدین و معلمان و سایر متولیان در تربیت، به استفاده از آنها توصیه شده‌اند.

آیا تعلیم و تربیت از دیدگاه امام محمد باقر (ع) می‌تواند جریان و مراحل بالندگی رشد فردی را برآورده سازد؟

روش تربیتی:

۱- یادآوری نعمتها: در این شیوه کوشش بر آن است که آدمی با خود روبرو شود و به خود بنگرد و درباره نعمت‌های که به او رسیده فکر کند و شکر به جای آورد. امام باقر می‌فرماید: افزایش نعمت از جانب خداوند قطع نمی‌شود، مگر اینکه شکر از جانب بندگان قطع گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۵۴).

۲- مشاهده و تجربه و تعقل: طبق مبنای اندیشه‌ورزی همه انسان‌ها درگیر تفکرند اما آنچه مطلوب است تفکر هدایت شده است که همسنگ (تعقل) می‌باشد. هرگاه تفکر و تعقل به نحو مترادف به کار روند مقصود همین (تفکر) هدایت شده است. تعقل پویش فکری انسان را از لغزشگاه‌ها مصون می‌دارد و آن را

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

کمک می کند تا به حقیقت هستی خداوند، هدایت یابد. قرآن می آموزد که عقل جز بر بستر علم نمی‌روید (باقری۸۵ ۱۳ص۱۱۵).

«وما یعقلها الا العالمون »مشاهده و مطالعه طبیعت از اموری است که به انسان قدرت شناخت علمی می‌بخشد و او را برای تصرف در طبیعت آماده می‌سازد. تجربه اندوزی هم از روش‌های پرورش اندیشه است و ذهنی که خالی باشد نمی‌تواند حکمی را بدون اشتباه حضرت علی علیه السلام می فرماید عقل استعدادی است که بواسطه‌ی علم و تجربه زیاد می‌شود (تمیمی امدی ۱۳۸۱ ص ۶۷).

امام باقر می‌فرماید: پیوند با خویشان، عملها را پاکیزه می‌نماید، اموال را افزایش می‌دهد، بلا را دور می کند، حسرت آخرت را آسان می‌نماید، و مرگ را به تاخیر می‌اندازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۱۱).

۳- ابراز توانایی: در این روش مربی باید زمینه‌های بروز استعدادها را در متربی ایجاد کند شرط عزت درونی است که فرد خود را کارامد ببیند و این کار آمدی باید معطوف به خدا باشد (توانایی انسان) امام باقر می‌فرماید: از سستی و بی قراری بپرهیز، که این دو، کلید هر بدی می‌باشند، کسی که سستی کند، حقی را ادا نکند، و کسی که بی قرار شود، بر حق صبر نکند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۷۵).

و در نظام اسلامی کوشش در جهت تشخیص و شناسایی نیازهای جامعه در همه زمینه‌ها و کسب دانش و آگاهی‌های لازم و انجام دیگر مقدمات به منظور رفع این نیازها، چنان اهمیتی دارد که از آن به صورت تکلیف شرعی نام می‌برد (شکوهی، ۱۳۸۴، ص ۲ ــ ۴۸).

بنابراین تعلیم و تربیت باید بر شناخت و تبیین ارزش‌های زندگی گروهی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، و نیز بر ایمان قلبی به این ارزش‌ها مبتنی باشد و افراد را در عمل هماهنگ با این علم و ایمان در جهت تشکیل خانواده و امت اسلامی سوق دهد (همان).

۴. تمرین، تکرار و عادت دادن:

عادت، نقش عمده‌ای در یادگیری دارد، کودک ابتدا رفتاری را دیده و انجامش می‌دهد، و تکرارش می کند و بصورت عادتی برای او در می‌آید. سخن گفتن، راه رفتن و غذا خوردن، نمونه‌هایی از عادات هستند. حضرت علی (علیه السلام): عادت سرشت و طبیعت دوم انسان است قرآن می فرماید: وامر اهلک بالصلوه و اصطبر علیها (طه /۱۳۲)

ایستادگی و پافشاری بر نماز سبب می گردد تا به صورت یک عادت خوب فردی در خانواده درآید. اسلام با عادت بد مقابله نموده و از تکرارش جلوگیری نموده و از دو روش بهره جسته اولاً روش فوری مانند عادت بدی چون بت‌پرستی، زنده به گورکردن دختران دروغ و. . . ثانیا روش تدریجی در مورد عاداتی که اجتماعی بوده و با احوال اقتصادی – اجتماعی مردم آمیخته شده به زمان طولانی برای رفعش نیاز بوده است مثل تحریم ربا (باقری، ۱۳۸۵، ص۸۵).

قالَ امام باقر(علیه السلام)می فرماید: الصَّلاةُ عَمُودُ الدّینِ، مَثَلُها کَمَثَلِ عَمُودِ الْفِسْطاطِ، إذا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الاوْتادُ وَ الاطْناب، وَ إذا مالَ الْعَمُودُ وَانْکَسَرَ لَمْ یَثْبُتْ وَ تَدٌ وَ لا طَنَبٌ.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فرمود: نماز ستون دین است و مثالش همانند تیرک و ستون خیمه می‌باشد که چنانچه محکم و استوار باشد میخ ها و طناب‌های اطراف آن پا بر جا خواهد بود ولی اگر ستون سُست یا کج باشد میخ‌ها و طنابهای اطراف آن نمی‌تواند پا برجا باشد (کلینی۱۴۰۲ ج۱ ص۱۴۴).

تواضع، راضی بودن به نشستن در جایی است که کمتر از شانش باشد، و اینکه به هر کس رسیدی سلام کنی، و جدال را هر چند حق با تو باشد، ترک کنی (مجلسی۱۴۰۳، ج ۷۵، ص۱۹۹).

خانواده، به عنوان اولین و پایدارترین نهاد جامعه، بیشترین اهمیت را در شکل‌گیری شخصیت و روحیات فردی اعضای آن برعهده دارد و بزرگ‌ترین نقش را در سالم سازی جامعه ایفا می‌کند. بنیان خانواده برپایه محبت اعضا به یکدیگر، بنا نهاده شده است؛خانواده اهمیت فوق العاده‌ای در رشد کودک دارد. فقدان خانواده اثر منفی در طفل بجا می‌گذارد. خانواده نباید به هیچ وجه از تربیت کودک غافل بماند. نه بدین دلیل که بعنوان یک انجام وظیفه است بلکه به اینکه بدون حضور خانواده و احساسات عالی، پرورش نمی یابد. وشاید اهمیت نقش خانواده را از ارتباط والدین و فرزندان به عنوان یک عامل مهم تعیین کننده سلامت فرزند و خانواده می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان محبت را مهم ترین عامل در بهداشت و سلامت روحی« ثلاث لم یجعل الله عز و جل لاحد فیهن رخصة: اداء الامانة الی البر و الفاجر و و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر و بر الوالدین برین کانا او فاجرین، سه چیز است که خداوند اجازه ترک آنها را به هیچ کسی نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد برای نیکوکار و بدکار، و نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار و چه بدکار. (ابن واضح، ۱۴۰۶ص ۹۵)، (امام باقر علیه السلام) فرموده اند: « من بر والدیه، طوبی له زاد الله فی عمره » خوشا بر حال کسی که به پدر و مادر خود نیکی کند چرا که خداوند بر عمر او می‌افزاید. (ابن شعبه حرا نی، ۲۰۱۲، ص ۲۳۸).

و در قلمرو روابط فرد با جامعه، گام اول آشنایی با مفاهیم گوناگون زندگی گروهی، مزایا و محدودیت‌های زندگی اجتماعی، شناخت گروه‌های اجتماعی و ارزش‌ها، معیارها و قوانین حاکم بر آنها از دیدگاه اسلام و کشف، درک و دریافت اصول تشکیل و تداوم و اعتلای جوامع بشری نظیر تعاون، برابری، برادری، آزادی، استقلال و. . . خواهد بود (شکوهی، ۱۳۸۴، ص ۲ ـ ۴۸). و لذا هدف از تعلیم و تربیت از دیدگاه روسو حفظ طبیعت فطرتاً نیک و آزاد کودک در برابر فساد محیط اجتماعی است. به‌نظر او تربیت درست، تربیت منفی است، یعنی برای این‌که طبیعت بتواند آزادانه رشد کند، باید کودک را از جامعه دور نگه داشت تا به سن عقل برسد (کاردان، ۱۳۸۱، ص۱۳۸). و در پایان شرافت انسانی، باروری خرد و اندیشه، بزرگواری و سروری آدمی در سایه تربیت صحیح بدست می‌آید. و انسان با رعایت مضامین تعلیم و تربیت امام به نقطه اوج نیازها تربیتی نائل شود.

نتیجه گیری

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

عصر کنونی را عصری می‌دانند که هدف تعلیم و تربیت یا تدریس تنها انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید نیست، بلکه رسالت آموزش و پرورش ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش‌ها، شناخت‌ها و در نهایت رفتار انسانهاست؛ در چنین وضعیتی باید بدنیال تعلیم و تربیت واقعی با همکاری خانه و مدرسه بود. انسان موجودی است اجتماعی که در بستر اجتماع به رشد و شکوفائی می رسد و برای احساس توفیق در زندگی اجتماعی خویش، نیازمند بکارگیری مهارت‌هایی است، که توانایی برقراری رابطهٔ سازگارانه و سازنده، از مهم‌ترین آن مهارت‌ها محسوب می‌گردد. فرد ماهر در برقراری رابطه با اطرافیان، نه تنها احساس شادکامی می‌کند، بلکه در حل مسائل و مشکلات پیش رو نیز احساس کارآمدی بیشتری خواهد داشت؛ آموزش و پرورش در تحکیم و تقویت این فرایند به او کمک می‌کند تا عوامل مؤثر از قبیل منطق، تفکر، مهارت‌های اجتماعی، خلاقیت و انتقاد در وی نهادینه شود (Georget1983,PP430-436). مبانی فلسفی از دیرباز به دلیل اهمیت قضایای فلسفی در روش و رویکرد فیلسوفان پیامدهای جدی را برای حیات آدمی و به طور ویژه برای تعلیم و تربیت داشته است. در واقع ترکیب «فلسفه» و «تعلیم و تربیت» فرصتی برای نظام آموزشی است چراکه فلسفه یک حوزه نظری و تئوری محض است و تعلیم و تربیت یک حوزه کاربردی و عملی است و کنار هم قرار گرفتن این دو در تعیین مسیر رشد و تعالی هر جامعه‌ای نقش برجسته‌ای را ایفا نماید. از زمانی که آدمی به اندیشه‌ی منظم و منسجم پرداخته است، به نحوی در پی پاسخ به مسائل آموزش و پرورش به‌معنای عام آن نیز بوده و دیدگاه‌هایی در این باب نیز داشته است. تا آن‌جا که بر صاحب‌نظران تاریخ اندیشه‌های تربیتی محرز شده است، حال که بشر در دوره ای زندگی می‌کند که به عصر اطلاعات و ارتباطات مشهور است. جایگاه، نقش و وظیفه آموزش و پرورش ایجاب می‌کند که خود را با این دوره و تغییرات آن هماهنگ کند. و ساختار، برنامه و نحوه تعامل و آموزش خود را بر پایه اصول این عصر دوباره باز تعریف کند و در جهت هر چه فراگیرتر شدن این اصول و آماده کردن افراد جامعه برا ی زندگی در این عصر تلاش نماید؛ منابع غنی اسلامی و کلام بزرگان و ادمه اطهار(ع) منابع گرانبهایی هستند که باید در تدوین دلالت‌های تربیتی مورد توحه قرارگیرند که در این پژوهش با تکیه بر گوشه ای علم امام محمد باقر(ع) دلالت های تربیتی را در باب کمک در روند بهبودی زندگی فردی در سبک زندگی اسلامی ارائه نمودیم و مشخص گردید که از دید ایشان امام باقر (ع) خانواده، را به عنوان اولین و پایدارترین نهاد جامعه، بیشترین اهمیت را در شکل گیری شخصیت و روحیات فردی اعضای آن برعهده دارد و بزرگ‌ترین نقش را در سالم سازی جامعه ایفا می‌کند؛ خانواده اهمیت فوق العاده‌ای در رشد کودک دارد. فقدان خانواده اثر منفی در طفل بجا می گذارد. خانواده نباید به هیچ وجه از تربیت کودک غافل بماند. نه بدین دلیل که بعنوان یک انجام وظیفه است بلکه به اینکه بدون حضور خانواده و احساسات عالی، پرورش نمی یابد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

ـ قرآن کریم

ـ نهج البلاغه

ـ بازرگان، عبدالعلی، ۱۳۷۸، متدلوژی تدبر در قرآن، نشر تار، ص ۱۵۶ ـ ۵۷.

ـ باقری، خسرو، ۱۳۶۸، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ، تهران، نشر، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.

ـ پاک نیا، عبدالکریم، ۱۳۸۱، سیره تربیتی امام باقر، شهریور و مهر ۸۱، نشر، مبلغان، ش۳۳، ص ۱۹تا۳۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ شاتو، ژان. ۱۳۶۹، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، نشر، دانشگاه تهران.
ـ شیروانی علی، ۱۳۸۷، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام شرح نراقی (مترجم)، نشر دارالفکر، ص۶۴.
ـ شریعتمداری، علی. ۱۳۶۴، اصول و فلسفه تعلیم وتربیت، نشر امیرکبیر، چاپ اول.
ـ شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۸۰، مبانی روان شناسی تربیت و تدریس (آموزش - پرورش)، محمدحسین خسروانی (ویراستار)، نشر، اطلاعات، تهران، ص۳۴۶-۳۳۸،
ـ شکوهی، غلامحسین. ۱۳۶۸، مبانی و اصول آموزش و پرورش، آستان قدس، رضوی، چاپ اول.
ـ شکوهی، غلامحسین. ۱۳۷۲، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ، آستان قدس رضوی، چاپ سیزدهم.
ـ مطهری، مرتضی، ، ۱۳۷۳، تعلیم و تربیت در اسلام چاپ بیست و سوم: ناشر: انتشارات صدرا ۲.
مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسۀ الرسالۀ، ج ۲، ص ۳۰۶.
جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۸، شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی، نشر فرهنگ، تهران، ص۸۶.
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ، نشر، سیمرغ، ج ۲، ص ۱۳، ۱۸۴.
ـ درس‌هایی از مکتب اسلام امام باقر (سیره پیشوایان، شناخت مختصری از زندگانی امام باقر) (ع) ناشر آل البیت قم شماره ۶ ، ص ۳۰۴ — ۳۴۶.
ـ طباطبائی، علامه محمد حسین، ۱۳۶۳، تفسیر المیزان، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، جلد اول، نشر، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ص ۱۷۶.
ـ کاردان، علی‌محمد، ۱۳۸۱، سیر آرا تربیتی درغرب، سمت، تهران، ص۱۴۱-۲۲۶.
هری شفیلد، ۱۳۷۸، کلیات فلسفه آموزش و پرورش ترجمه دکتر سرمد، نشرسمت ص ۴۵.
ـ نادی، محمد علی، ۱۳۸۳، تعلیم وتربیت در اسلام، نشر گروه روانشناسی امور تربیتی دانشگاه تهران، ص۳۱.
ـ هوشیار محمدباقر، ۱۳۳۵، اصول آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد اول، ص ۹.
ـ الکلینی، محمدبنیعقوب، ۱۴۰۲ق، اصولکافی، قم، انتشارات اسوه، ج ۲، کتاب الحجۀ.
ـ الاربلی، علی بنعیسی، ۱۳۸۱کشفالغمه، ه". قتبریز، مکتبه بنی هاشم، ج ۲، ص ۳۲۹.
ـ حرانی ابن شعبه، عن آل الرسول، فوریه ۲۰۱۲: تحف العقول، مؤلف: قرن چهارم زبان: عربی، تعداد جلد ۱، ناشر: جامعه.
ـ حسن اطبرسی، ابونصر حسن بن فصل، ۱۳۸۶، مکارم الخلاق، مترجم رحیمیان، محمد حسین، ناشر شریعت، تهران.
ـ سیوطی، سابق الدین الخضیری، عبدالرحمن بن الکمال ابی بکر بن محمدجلا الدین سیوطی، ۱۴۰۹-۸۴۹-۹۱۱. ه. ق، تدریبالراوی، بیروت، دارالکتاب العربی، ه"، ج ۲، ص۱.
ـ مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹، ۳۳۲هجری، مروج الذهب، ، بیروت، دارالاندلس، ج ۳، ص ۱۷۳ و ۱۸۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ قرشی، باقرشریف، ۱۴۰۳ ق، حیاةالامام محمدالباقر، نجف، ناشر، مطبعةالنعمان، علیهالسلام.
ـ نوری الطبرسی، میرزا حسن، ۱۴۱۵ق، مستدرک الوسایل ۱۴۱۵ق، ناشر موسسه آل البیت قم، الا حیات التراث ص۳۹۴.
ـ مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۹)، تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت و درس های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر، مقاله علمی پژوهشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۰۵.
ـ سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳۶۵/۷/۲۱.
ـ بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: مؤسسه نشر و تدوین بین الملل.
ـ باقری، خسرو، (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
ـ بازرگان، زهرا (۱۳۸۶). تغییر و نوآوری در مدرسه. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
ـ شکوهی غلامحسین (۱۳۶۸). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
ـ گوتک، جرالد ال(۱۳۸۳). مکاتب فلسفی و اراء تربیتی، ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، تهران: نشر سمت.
ـ میالاره، گاستون. (۱۳۷۰). معنی و حدود علوم تربیتی، تهران: انتشارات سمت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

رابطه هوش معنوی با انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان

دکتر مهدیه صالحی (دانشگاه آزاد تهران مرکزی)
شفیقه داودی (کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی از دانشگاه آزاد تهران مرکزی)

چکیده:
هدف این پژوهش تعیین رابطه هوش معنوی با انگیزه پیشرفت در دانش آموزان بود روش تحقیق حاضر همبستگی است. جامعه آماری ۵۲۲ دانش آموز پایه چهارم دختر و پسر که دریکی از مدارس شهر تهران مشغول به تحصیل بوده اند که با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند براین اساس آزمون‌های هوش معنوی کینگ ۲۰۰۸ و انگیزه پیشرفت هرمس (۱۹۷۷) بر روی دانش‌آموزان اجرا شد برای تحلیل آماری داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تی تست دومتغیره (گروه‌های مستقل) و رگرسیون استفاده شد. نتایج تحقیق وجود رابطه معنی دار بین انگیزه پیشرفت و وهوش معنوی در دانش‌آموزان رابطه معنی وجود دارد (r =%۲۳۰). و خلاصه تحقیق پژوهش با توجه به تی تست مستقل نشان می دهد تفاوت میانگین نمره هوش معنوی در دوگروه دانش آموز (دختر و پسر) از لحاظ آماری معنی دار نیست بنابراین نمره هوش معنوی در هر دو گروه یکسان است. تفاوت میانگین نمره انگیزه پیشرفت در دو گروه دختر و پسر از لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین نمره انگیزه پیشرفت دختران بالاتر از پسران می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، انگیزه پیشرفت

مقدمه:
مفهوم کلی انگیزه: متغیری فراگیر، در روانشناسی است که بر انواع مختلف فعالیت‌های انسان تاثیر می‌گذارد که با حصول آگاهی از اثر بخش بودن شخص روی فعالیت‌هایی که برای فرد اهمیت دارد برآورده می‌شود. این انگیزه با اهداف ویژه ای چون، طرح ریزی، تلاش، کوشش، پیشرفت و احساس خود ارزشمندی در ارتباط است (دی چارم[۱]، ۱۹۷۸، مایر[۲]، ۱۹۸۵، نورتین[۳] ۱۹۸۵، به نقل از خوانساری، ۱۳۷۵). در سالهای اخیر طرح‌های متعدد پژوهشی برای درک نقش انگیزش[۴] در موقعیت‌های یادگیری و تدریس ارائه شده است. موضوع سنجش انگیزش برای پژوهشگران و کاربران که به درک عمل، فرایندهای

1-Decharme
2- Mair
3-Nurthin
۴- Motivation

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

انگیزشی و روش‌های افزایش انگیزش دانش آموزان سرو کار دارند، حائز اهمیت است (پنتریچ و شانک[۱]، ۲۰۰۲ ، شهر آرا، ۱۳۸۵). به موزات کارهای مک کللند، جان اتکینسون یک نظریه جامع ارائه کرد، بنابر نظریه اتکینسون در شرایط به وجود آمده برای پیشرفت افرادی که با انگیزه‌های موفقیت یا شکست بر انگیخته شده باشد، کنش‌های مختلفی از خود بروز می‌دهند (هومن و عسگری، ۱۳۷۹).

روانشناسان مشهوری مانند ویلیام جیمز[۲] (۱۹۰۲) و کارل یونک[۳] (۱۹۶۹) و گوردون آلپورت[۴] (۱۹۵۰)، از تجربه‌های دینی و مطالعه این تجربه‌ها سخن گفته‌اند، با این حال برای مدتهای طولانی مطالعه دین و معنویت، در روانشناسی مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. پارگامنت و ساندرز (۲۰۰۷) دلیل این مسئله را اینچنین مطرح می‌کنند. در قرن بیستم روانکاری و رفتارگرایی دو رویکرد غالب در روانشناسی بوده اند و این دو دیدگاه نیز تجربه دینی را نادیده می‌گرفته‌اند. بنابراین مطالعات دین و معنویت مورد توجه روانشناسی قرار نگرفت (نقل از رجائی، ۱۳۸۷). هوش معنوی[۵] مستلزم توانایی‌هایی است که از چنین موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثر بخش و تولید محصولات و پیامدهای با ارزش استفاده می‌شود (ایمونز، ۱۹۹۹). مردم در حال حاضر به تنوع گسترده‌ای از آموزه‌های معنوی دسترسی دارند و رسیدن به آن نیاز به انتخاب عاقلانه و اجتناب از بعضی از اعمال‌های فریبنده‌ای و خطاهای حسی و معنوی دارد (به نقل از کشمیری و عرب احمدی، ۱۳۸۶). علاوه بر این بعضی از روان درمانگران سعی کرده‌اند تا از مذهب و معنویت، در درمان اختلالات روان شناختی استفاده کنند (پارگامنت، ۲۰۰۷، رجائی، ۱۳۸۷) افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، ظرفیت تعالی داشته و تمایل بسیار بالایی نسبت به هشیاری دارند آنان این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص بدهند و فضائل مانند بخشش، سپاس‌گذاری، فروتنی، اخلاص. . . از خود نشان دهند. (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). در دو دهه اخیر مطالعه موضوعات معنوی و مذهبی به طور فزاینده‌ای مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است (نقل از علی دادی طائمه، ۱۳۹۰). اگرچه انگیزه پیشرفت، نقش محوری در یادگیری دانش‌آموزان دارد، اما به دلایلی ممکن است تحت ثاثیر عواملی آسیب ببیند و عملکرد آنان را تحت تأثیر قرار دهد، از قبیل جو عاطفی مدرسه، کلاس درس، معلمان و دبیران، ساختار کلاس درس، اهداف و روش‌های تدریس از مهم‌ترین این عوامل به شمار می‌روند. (سیف، ۱۳۷۹). برخی نیز فقدان باورهای دینی را علت بیماری‌های روانی دانسته و در درمان اختلالات روانی، از رهنمودهای معنوی استفاده می‌کنند (مترجم، توکلی، ۱۳۸۱) با توجه به اهمیت معنویت که در نظام تحول بنیادین آموزش و پرورش پایه و اساس برنامه‌های آموزشی و

۱- Pintrich&Shunk

۲- william james

۳- Carla. jung

۴-Gorbam Allport

9-Spritual intelligence

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

تربیتی قلمداد شده است. بررسی این متغیر با انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان، می‌تواند فواید علمی و عملی بسیار زیادی برای دست اندر کاران تعلیم وتربیت داشته باشد.

روش تحقیق:

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ روش از نوع تحقیقات همبستگی است. جامعه مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم (پیش دانشگاهی) دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی رشته‌های نظری (ریاضی، تجربی، انسانی) است که در سال تحصیلی (۹۱ - ۹۰) در یکی از مدارس شهر تهران مشغول تحصیل می‌باشند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است حجم جامعه حجم مورد بررسی برابر با۴۵۷۹۷ است که از این تعداد۱۹۴۰۸ پسر، ۲۶۳۸۹ دختر می‌باشد. بنابراین، حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان برابر ۳۸۴ نفر خواهد بود که به منظور جلوگیری از ریزش احتمالی و تاثیر آن بر پژوهش، حجم نمونه تا ۶۰۰ نفر افزایش داده شد، و در نهایت۵۲۲ نفر مورد ارزیابی قرار گرفت. در قسمت توصیف داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده، روش‌هایی که بر حسب ویژگی‌هایشان، در فرضیه مورد استفاده قرار گرفتند عبارتند از: شاخص‌های گرایش به مرکز و پراکندگی و نیز توزیع فراوانی متغیرهاست. روش‌های آمار استنباطی: در این بخش با توجه به فرضیه‌های پژوهش، از روش ضریب از روش ضریب همبستگی پیرسون و تی تست دو متغیره استفاده شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری:

پرسشنامه سنجش هوش معنوی:

کینگ بر اساس نظریه خود پرسشنامه خودسنجی هوش معنوی را تهیه کرد. این پرسشنامه دارای۲۴ عبارت است و توانایی‌های مربوط به هوش معنوی را در چهار بعد اصلی ارزیابی می‌کند. شامل چهار توانایی تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط هوشیاری است آزمودنی باید در مقیاس۵ درجه ای لیکرت میزان موافقت با مخالفت خود با هر یک از عبارات پرسشنامه را مشخص کند. کینگ ضریب آلفای کرونباخ کل این آزمون را ۰/۹۲ و ضریب آلفای زیر مقیاس‌های آن را بدین شرح گزارش کرده‌اند: تفکر انتقادی وجودی = ۰/۷۸، تولید معنای شخصی =۰/۷۸، آگاهی متعالی = ۰/۸۷ و بسط هوشیاری = ۰/۹۱ اعتبار همگرای پرسشنامه خود سنجی هوش معنوی از طریق همبستگی نمره آن با چند پرسشنامه از جمله تجارب عرفانی، جهت‌گیری مذهبی و هوش هیجانی، که به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۴۸، ۰/۴۶ شده است، به تایید رسیده است.

پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

پس از اجرای آزمایش و تجزیه و تحلیل سوالات و محاسبه همبستگی یک یک سوالات با کل آزمون، ۲۰سوال به عنوان پرسشنامه نهایی انگیزه پیشرفت انتخاب شد پرسشنامه نهایی تنها بر اساس۹ ویژگی ساخته شد. سوالات پرسشنامه به صورت جمله ناتمام بیان شده و به دنبال هر جمله چند گزینه داده شده است. برای محاسبه‌ی پایانی آن از دو روش محاسبه‌ی آزمون کرونباخ و آزمون مجدد استفاده شده است، به این صورت که ضریب پایایی محاسبه شده برای پرسشنامه به میزان ۰/۸۴ به دست آمده و با استفاده از روش آزمون مجدد در مطالعه اصلی پرسشنامه‌ها بعد از گذشت سه هفته مجددا به دانش‌آموزان داده شد و ضریب پایایی به دست آمده در حدود ۰/۸۲ گزارش شد(ساجدیان، ۱۳۸۹).

هرمنس (۱۹۷۷) ضرایب همبستگی هر گونه را با انگیزش پیشرفت محاسبه کرد و آزمون را دارای اعتبار دانست ضرایب همبستگی در دامنه‌ای بین ۰/۳۰ الی۰/۵۷ بود. قائمی پیر بلوطی (۱۳۷۴) در یک نمونه۳۷۲ نفر از دانش‌آموزان مدارس راهنمایی ضریب آلفا برای۲۹ گونه پرسشنامه را برابر۰/۸۴ و با استفاده از روش بازآزمایی برابر با ۰/۸۲ به دست آورد(نقل از عادلانی، ۱۳۹۰).

آمار توصیفی:

جنسیت

جدول ۱

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مونث	۲۷۹	۴ .۵۳
مذکر	۲۴۳	۶ .۴۶
جمع	۵۲۲	100. 0

همان طور که ملاحظه می شود۵۳. ۴درصد دانش آموزان دختر هستند

گروه مناطق

جدول ۲

مناطق شهر تهران	معرف	فراوانی	درصد فراوانی
۲	غرب	۱۰۴	۹ .۱۹
۳	شمال	۱۰۷	۵ .۲۰
۶	مرکز	۱۰۴	۹ .۱۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۷.۱۹	۱۰۳	شرق	۸
۹.۱۹	۱۰۴	جنوب	۱۹
۰.۱۰۰	۵۲۲		جمع

همان طور که ملاحظه می شود ۰/۲۰ آزمودنیها از منطقه ۳شمال تهران هستند.

گروه مناطق به تفکیک جنسیت

جدول ۳

فراوانی	معرف	مناطق	جنسیت
۵۴	غرب	۲	مونث
۵۶	شمال	۳	
۵۷	مرکز	۶	
۵۶	شرق	۸	
۵۶	جنوب	۱۹	
۵۰	غرب	۲	مذکر
۵۱	شمال	۳	
۴۷	مرکز	۶	
۴۷	شرق	۸	
۴۸	جنوب	۱۹	

همان طور که ملاحظه می شود بیشترین آزمودنیها در منطقه ۶یعنی مرکز شهر تهران ۵۷نفر دختر بودند، و بیشترین آزمودنیها در منطقه شمال تهران۵۱نفرپسر بودند.

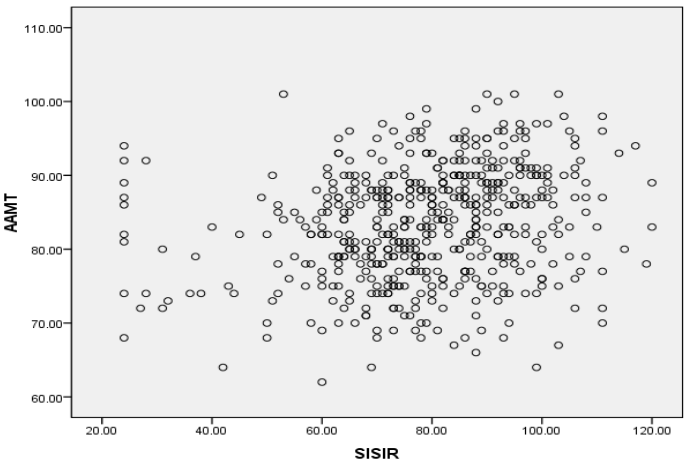
آمار استنباطی:

جدول ۴

متغیرها	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	سطح معنی داری
انگیزه پیشرفت و هوش معنوی	۲۳۰ .۰	۰۴۶۶۹ .۰	۱P<0. 0

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد رابطه ی بین دو متغیر انگیزه‌ی پیشرفت و هوش معنوی در دانش آموزان از لحاظ آماری معنی دار است. بین دو متغیر ۵ صدم واریانس مشترک وجود دارد. با افزایش هوش معنوی نمره‌ی انگیزه ی پیشرفت کارآمدتر می‌شود.



نمودار ۴

آیا بین انگیزه ی پیشرفت در دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد ؟

جدول ۵

گروهها	میانگین	تفاوت میانگین ها	درجه ی آزادی	T	سطح معنی داری
دانش اموزان مونث	۹۶۰۶ ۸۳	۴۰۵۰۲ .۱	۷۸۵ .۵۰۱	۱۰۷ .۲	P<0. 05
دانش آموزان مذکر	۵۵۵۶ ۸۲				

نتایج حاصل از اجرای آزمون تی مستقل نشان داد تفاوت میانگین نمره انگیزه ی پیشرفت در دو گروه دانش آموزان مونث و مذکر از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین نمره ی انگیزه ی پیشرفت در گروه دانش اموزان مونث بالاتر از دانش اموزان مذکر است.

آیا بین هوش معنوی در دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد ؟

جدول ۶

گروهها	میانگین	تفاوت میانگین‌ها	درجه ی آزادی	T	سطح معنی‌داری

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دانش آموزان مونث	۲۶۵۲ .۷۸	-۹۴ .۰	۵۲۰	-۶۱۶ .۰	۵P>0. 0
دانش آموزان پسر	۲۰۵۸ .۷۹				

نتایج حاصل از اجرای آزمون تی مستقل نشان داد تفاوت میانگین نمره هوش معنوی در دو گروه دانش‌آموزان مونث و مذکر از لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین نمره ی هوش معنوی در دو گروه دانش آموزان دختر و پسر یکسان است.

بحث و نتیجه‌گیری:

با افزایش هوش معنوی نمره انگیزه پیشرفت بالاتر می‌رود.

نظریه انگیزه پیشرفت بر تحقیقات اولیه هوپ (۱۹۳۰) موری (۱۹۳۸) ستیز (۱۹۳۰) مک کلند(۱۹۶۱) و اتینکسون (۱۹۶۷) استوار است. انگیزه پیشرفت، گرایش همه جاذبه به ارزیابی عملکرد، با توجه به عالیترین معیارها و تلاش برای موفقیت در عملکرد می‌داند. بر اساس این تعریف در تحلیل می‌توان گفت. یکی از مولفه‌های هوش معنوی، تفکر انتقادی و افزایش خودآگاهی، آگاهی عمیق و متعالی می‌باشد. این خودآگاهی عمیق از طریق اندیشه در خود، وارسی کردن اهداف و آرزوهای خود که از مولفه‌های مهم انگیزش پیشرفت می‌باشد ایجاد می‌شود. بنابراین رابطه هوش معنوی و انگیزه پیشر فت می‌توان استنباط کرد.

مک هاوک به نقل از نازل (۲۰۰۴) در پژوهش های خود نشان داد که هوش معنوی، حرکت به سمت خود شکوفایی و رشد معنوی است.

آیا بین انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

نتایج حاصل از اجرای آزمون تی تست مستقل نشان داد، تفاوت میانگین، نمره انگیزه پیشرفت در دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین انگیزه پیشرفت در گروه دانش‌آموزان دختر، بالاتر از دانش‌آموزان پسر، است.

نتایج تحقیقات زیر با نتایج این پژوهش همسو می‌باشد.

هومن و عسگری (۱۳۷۹) در پژوهشی نشان دادند دختران در تمام پایه‌های تحصیلی انگیزه پیشرفت بیشتری به پسران دارند. عباسی و خسرو جاوید(۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داد، انگیزش پیشرفت در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دانشجویان(به ویژه انگیزش تحصیلی) در دختران و پسران از جهت متغیرهای شخصیتی، موقعیتی، انگیزشی، متفاوت است.

نتایج تحقیقات زیر با نتایج این پژوهش همسو نمی‌باشد.

شعاعی نِژاد(۱۳۷۸) بیان کرد، تحقیقاتی که در مورد انگیزه پیشرفت و جنسیت صورت گرفته است، نشان می‌دهد که از لحاظ آموزشی زنان در کلاس‌های پایین تر جلوتر از مردان هستند، اما در سطوح عالی تحصیلی، این وضع معکوس می‌شود و غالبا مردان از زنان جلوتر هستند.

دارابی، جعفر (۱۳۸۰) با بررسی انواع تحقیقات در زمینه مقایسه مردان و زنان در زمینه انگیزه پیشرفت نشان داد، در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطالعات گسترده ای در زمینه انگیزش پیشرفت در زنان صورت گرفته است و مردان نمرات بالا تری داشتند، وی عوامل فردی را مهمترین عامل، در عدم پیشرفت زنان، نسبت به مردان معرفی کرد. سلمانی مقدم (۱۳۸۰) در پژوهشی نشان داد بین انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنی داری وجود ندارد. اما بین پیشرفت تحصیلی دختران و پسران تفاوت وجود دارد. نمرات پیشرفت تحصیلی دختران بالاتر از پسران است.

آیا بین هوش معنوی در دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

نتایج حاصل از اجرای آزمون تی تست مستقل نشان داد، تفاوت میانگین نمره هوش معنوی در دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ آماری معنادار نیست، بنابراین نمره هوش معنوی در دو گروه دانش‌آموزان دختر و پسر یکسان است.

نتایج تحقیقات زیر با نتایج این پژوهش همسو نمی‌باشد.

رحیمی(۱۳۸۹) در پژوهشی نشان داد، در بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ(معنای زندگی، امیدواری و تفکر برتر، هوشیاری، رهبانیت) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر دختران از نظر معنای زندگی، امیدواری نسبت به پسران نمره بیشتری کسب می کنند. نتیجه این تحقیق، با نتیجه پژوهش همخوانی ندارد.

پژوهش‌های داودی (۱۳۷۳، ۱۳۸۴) نشان داد که روش معنی درمانی یا لوگوتراپی توسط ویکتور فرانکل ارائه شده است. به جهت دید محدودی که او نسبت با انسان دارد، معنای زندگی در روش‌های درمانی وی کاربرد بسیار ضعیفی دارد. با توجه به اثرات معنا در روان درمانی، طبق روش‌های ویکتور فرانکل، پژوهشگر، با الگو گرفتن از حکمت متعالیه ملاصدرا و دیدگاه‌های معنوی و مذهبی حضرت امام (ره) مبانی و اصول روش معنویت با مقایسه شناخت انسان کامل از دیدگاه روانشناسان کمال‌گرا و تصویر انسان کامل در(فلسفه، اخلا ق، عرفان اسلامی) مطرح کرده است. می‌توان، نتیجه‌گیری کرد که رشد و تکامل انسان حرکتی معنی دار و هدفمند در جهان آفرینش است. و به وجود آمدن اختلال، در ابعاد چهارگانه وجودی انسان (جسمانی، روانی، اجنمایی، معنوی) باعث بوجود آمدن اختلال و بیماری و انواع مسائل و مشکلات رفتاری در زمینه‌های سازگاری یادگیری، بی هدفی و بی معنایی در زندگی و دور شدن از تفکرات انتزاعی می‌شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ:

ـ پنتریچ، بال آر، شانک، ویل، اچ (۱۳۸۵) انگیزش در تعلیم و تربیت، ترجمه مهرناز شهر آرا، تهران: علم چ اول (سال انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۲).

ـ خدا رحیمی، سیامک، جعفری، سید غلامرضا (۱۳۷۸) نقش مذهب بر بهداشت روانی، روان درمانی و روانشناسی بالینی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، زمستان ۱۳۶۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ خوانساری، فرزانه (۱۳۷۵) بررسی جو عاطفی خانواده با انگیزش پیشرفت – دختران اول دبیرستان، دبیرستان‌های منطقه ۳ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد – دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

ـ دارابی، جعفر (۱۳۸۰) رابطه جو خانواده، پایگاه اجتمایی و مکان کنترل با انگیزه پیشرفت در دانش آموزان سال سوم متوسطه در سال ۷۸-۷۷. فصلنامه تعلیم و تربیت، سال سوم، دوره هفدهم، صفحه ۲۱-۳۸.

ـ داودی، شفیقه(۱۳۷۳) معنویت درمانی از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) کنگره بررسی اندیشه‌های تربیتی حضرت امام خمینی(ره)»موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره)

ـ داودی، شفیقه (۱۳۸۴)معنویت درمانی، تکنیک و شیوه جدید امنیت وآرامش روحی و روانی انسان، همایش بررسی نقش روان شناسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی در توسعه و تامین امنیت روانی-اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا اسفند ماه.

ـ رجائی، علیرضا، بیضایی، محمد حسین، حسینی پور، حمید (۱۳۸۷) بررسی رابطه بین باورهای اساسی دینی با بحران هویت و سلامت روان در جوانان – فصلنامه روانشناسی ایرانی.

ـ رجائی، علیرضا (۱۳۸۷) هوش معنوی، دیدگاه‌ها، چالش‌ها، پژوهشنامه مذهبی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت جام. شماره ۲، ص، ۵۰-۲۲

ـ فاطمه ساجدیان (۱۳۸۹) رابطه سبک تفکر و خود تنظیمی به انگیزهش پیشرفت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد

ـ سلیمانی مقدم (۱۳۸۰) بررسی رابطه وضعیت خود درگیر و کار درگیر با انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهرستان تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد.

ـ سیف، علی اکبر (۱۳۸۸) روانشناسی پرورشی نوین روانشناسی یادگیری و آموزش (ویرایش ششم) تهران نشر دوران.

ـ سیف، علی اکبر (۱۳۸۹) روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش تهران، انتشارات دوران (چاپ هفتم). .

ـ شریفی، طیبه (۱۳۸۱). بررسی رابطه نگرس دینی با سلامت عمومی ف افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، رساله کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.

ـ شعاعی نژاد، اکبر (۱۳۷۸) ساخت و بررسی، عمل بودن، اعتبار و روایی پرسشنامه انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

ـ عادلانی، مهسا (۱۳۹۰) رابطه بین سبک های تفکر و خود کارآمدی با انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر تهران دانشگاه آزاد اسلامه، واحد تهران مرکزی، پایان نامه کارشناسی ارشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

ـ علی دادی طائمه، (۱۳۹۰) رابطه هوش معنوی با رضایت مندی زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

ـ غباری بناب، باقر (۱۳۷۴) باورهای مذهبی و اثرات آن ها در بهداشت روان در بهداشت روان فصلنامه اندیشه و رفتار سال اول شماره ۴.

ـ کشمیری، مهدیه عرب احمدی، فاطمه (۱۳۸۶) هوش معنوی، سمینار مسائل روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.

ـ هرمنس (۱۹۷۷)آزمون سنجش انگیزه پیشرفت، مترجم کرمی، ابوالفضل، موسسه تحقیقات علوم رفتاری و شناختی سینا.

ـ هومن، حیدرعلی، عسگری، علی (۱۳۷۹) تهیه و استاندارد کردن آزمون انگیزه پیشرفت، پژوهش‌های فصلنامه روانشناختی، دوره ۶، شماره ۱و ۲ زمستان ۷۹.

__ Cardner , H , (2000) A case against spiritual intelligence. the interational journal for the psychology of religion , 10 (1) , 37 – 37.

__ Emmons R. A (1999) the psychology of ultimate concern: Motivation & spirituality in personality. New York: cuiford.

__ King , B , b (2007) the spiritual Intelligence Broject. trent university , Canada www. Abking. net / spirituality intelligence.

__ Nasel D. D (2004) spiritual orientation relation to spiritual intelligence: A considenration of traditional Christianity & now AYP / individualistic spirituality un published theis Australid the university of south Australia.

__ Richard p,s and Bergion, A. E. (1992) Aspiritual strattey psychothempty

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی رابطه شیوه‌های ارزشیابی رشته‌ی فنی و حرفه‌ای با خلاقیت هنرجویان «مطالعه موردی: هنرستان‌های غرب استان مازندران در سال ۹۳-۱۳۹۲»

ـ شهرآرای و همکاران، تخیل خلاقیت در کودکان، معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۲، شماره ۲.

__ & Assessment"Art Assessment ."Cannatella, H. (2001) .
__ .Vol. 26. No. 4 (319-329) ،Evaluation In Higher Education

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش دروس آموزش قرآن و دینی و معارف اسلامی در مدارس استان ایلام در راستای اسلامی کردن فضای مدارس

سید محمد موسوی

(دانشگاه آزاد اسلامی واحد، واحد ایلام، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، ایلام، ایران)

16-Trevorhides، Michael، (2006). "Implementation organizational excellence models self-assessment in the UK higher educationsector-lessons learned from other sectors ". TQM magazine، vol. 16، No. 3، pp. 194-201

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

چکیده

اختلالات یادگیری در برگیرنده مشکلات در زمینه یادگیری نگهداری، فهم و تنظیم مطالب کلامی و غیرکلامی است. اختلال یادگیری متفاوت از عقب‌ماندگی ذهنی بوده و شامل اختلال در دریافت، بیان و فهم زبان، نوشتن، خواندن، حساب کردن و ادراک روابط اجتماعی می‌گردد.

)، Contemporary Theories of Learning، the Ronal press Company.

- U. S. office of education(1977)، education of handicapped children: assistance to states proposed rulemaking feudal register، 41، 52404-52407.

- U. S. office of education(1988)، assistance to states for education of handicapped children: procedures for evaluating specific learning disabilities. Federal register، 42، 65082-65085.

- Vygotsky، L. S. ، (1978)، Mind in Society، Cambridge، MA:Hayward Press.

- Wiberg، M. (2004). Classical test theory vs. item response theory: An evaluation of the theory test the Swedish Driving-License test. 1-27.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

نقش قوای مقننه و مجریه در روند انعقاد قراردادهای بین المللی

محمد عبدالملکی (سر دفتر اسناد رسمی ۴۴ کرمانشاه)

چکیده

مطالعه حاضر با عنوان «نقش قوای مقننه و مجریه در روند انعقاد قراردادهای بین المللی» بر اساس مطالعات کتابخانه ای و به روش توصیفی- تحلیلی انجام شد. مباحث مورد بحث این پژوهش نقش قوای مقننه و مجریه راتحت سه عنوان زیر بررسی می نماید: اول: قراردادهای بین المللی مورد بحث در اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. دوم: قراردادهای دولتی یا قراردادهای سطوح پائین دولت. سوم: مباحث پیرامون سایر قراردادهای بین المللی مذکور در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. با توجه به اینکه بسیاری از قراردادهای بین المللی حساس و بعضاً از نظر امنیتی، سیاسی باید مد نظر و دقت کافی قرار گیرد و با توجه به نوع قرارداد ها نظر قوای مقننه و مجریه تعیین کننده می‌باشد. نتایج کلی این پژوهش بیانگر این است که قوه مجریه در روند انعقاد قراردادهای بین المللی نقش اجرایی و قوه مقننه در روند انعقاد قراردادهای بین المللی نقش تصویبی و نظارتی دارند.

واژگان کلیدی: قوه مقننه، مجریه، قراردادهای بین المللی، معاهدات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مقدمه

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه‌مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند (اصل ۵۷

.ss. 156 ،1773 ،II ،vol ،Le droit des gens ،E. De ،Vattel

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

(کارشناس ارشد جغرافیا، دبیرستان پروین اعتصامی، استان همدان، شهرستان جوکار)
سودابه هاشمی (کارشناس مدیریت، دبیرستان پروین اعتصامی، استان همدان، شهرستان جوکار)
فاطمه شراهی چزانی (کارشناس ادبیات، دبیرستان پروین اعتصامی، استان همدان، شهرستان جوکار)
آسیه سلیمانی (کارشناس الهیات و معارف اسلامی، دبیرستان پروین اعتصامی، استان همدان، شهرستان جوکار)
۱۱-پورافکاری، خلاصه روانپزشکی چاپ اول سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۲میلادی) جلداول ص ۹۷ انتشارات مولانا
۱۲- پروین، لارنس، ترجمه جوادی و کدیور، روانشناسی شخصیت، نظریه و تحقیق، ناشر موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۴میلادی) ص ۸۲-۷۵
۱۳

[8]. مبانی شبکه‌های عصبی (هوش محاسباتی). دکتر محمد باقر منهاج، انتشارات دانشگاه امیر کبیر ۱۳۸۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی رابطه اشتغال مادر و سلامت روانی کودکان

ـ تقی پور ، حسین علی (۱۳۸۸)، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، وبلاگ شخصی.
ـ بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴) روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ هشتم.

__Young LE، Paterson BL. teaching nursing، developing a student. learning environment. new york. lippincott Williams & Wilkins:2007

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش دروس آموزش قرآن و دینی و معارف اسلامی در مدارس استان ایلام در راستای اسلامی کردن فضای مدارس

سید محمد موسوی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد، واحد ایلام، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، ایلام، ایران)

بتول باغ فلکی (دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی

12-Calvomora,Arturo(2007). "Using enablers of the EFQM model to manage institutions of higher education". Quality Assurance in education,volume 14,Number 2,pp. 99-122

13-Cuenin. s. (1994). "The use of performance indicators in universities:An international survey,jess icaking sley.

14-Jose tari, Juan(2007). "EFQM model self-assessment using a questionnaire approach in university administrative services". TQM magazine,vol. 19, No. 6,pp. 604-616

15-Longbottom,David(2008). "The need for education and training in the use of the organizational excellence models for quality management in UK higher education institutions". Quality Assurance in education,volume 10,Number 1,pp. 26-36

16-Trevorhides,Michael,(2006). "Implementation organizational excellence models self-assessment in the UK higher educationsector-lessons learned from other sectors ". TQM magazine,vol. 16, No. 3,pp. 194-201

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی میزان اثربخشی آموزش هوش معنوی بر میزان امید به زندگی و بهزیستی روانی بیماران دیالیزی شهر تهران

داود ذوالفقاری (کارشناس ارشد روان شناسی)
پگاه رهنما صومعه

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان اثربخشی آموزش هوش معنوی بر میزان امید به زندگی و بهزیستی روانی بیماران دیالیزی شهر تهران انجام شد. جامعه آماری مورد پژوهش کلیه زنان و مردانی است که ظرف مدت ۳ ماه به مرکز دیالیز بیمارستان شهید اشرفی اصفهانی شهر تهران مراجعه نموده‌اند. پژوهش از نوع آزمایشی با طرح پیش آزمون‌پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است، نمونه پژوهش ۷۰ نفر (۳۰ نفر خانم، ۴۰ نفر آقا) به طور تصادفی انتخاب و به طور تصادفی به گروه های ۳۵ نفری آزمایش و گواه گمارده شدند. ابزار پژوهش شامل مقیاس هوش معنوی کینگ، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و پرسشنامه امیدواری اشنایدر است. برای تجزیه و تحلیل آماری علاوه بر روش‌های آمار توصیفی از آزمون تحلیل

. Thesis. Master of science. Trent University.

Lin، M. M. (2010). Taiwanese college students process of major choice، work values. and psychological well-being. Dissertation ، doctor of philosophy. Alliant International University.

Sawyer، L. L. (2004). seedeing and sustaining transformative learning، development ، and spiritual growth in higher education: Acase study. Dissertation ، Doctor of philosophy in nursing. University of Kentucky.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بررسی رابطه‌ی نوع جهت‌گیری مذهبی و استرس شغلی
با کارآیی معلمان مقطع ابتدایی شهر بیرجند

مریم محمدی گیو (کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی)
مهدیه محمدی‌گیو (کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی)

چکیده

یتی می‌انجامیدند و اثربخشی مطلوب و مورد انتظار نداشتند.

امروزه در دانشگاه‌ها حتی در سازمان‌های مختلف هرکشور در مورد واژه‌های برنامه، طرح یا پروژه، اختلافات لغوی، معنایی و قانونی وجود دارد. از این رو چهارچوب آنان روشن و آشکار نیست و گاه به جای یکدیگر نیز استفاده می‌شوند.

آرمان ها و اهداف تعیین‌شده حکومت در سطح برنامه‌ریزی بلندمدت یا استراتژیک، برنامه (Plan) نامیده می‌شود که این برنامه‌ها دارای اهداف کیفی می‌باشند مانند برنامه توسعه صنایع شیمیایی، برنامه توسعه شبکه راه‌های کشوری.

(هر چه احساس تعهد سازمانی افراد بیشتر رضایت شغلی آنان بالاتر)

مقدار آمار f و درجه معنی داری آن نشان می دهد که رابطه معنا داری بین دو متغیر وجود دارد.

علامت ضریب رگرسیون b حاکی از رابطه مستقیم احساس تعهد در قبال سازمان و رضایت شغلی است

سطح معنا داری نشان می دهد که فرض وجود رابطه معنادار بین دو متغیر از آزمون رد عبور کرد.

ورود متغیر مستقل به معادله رگرسیون ضریبR را به ۰/۴۸ از تغییرات رضایت شغلی توسط یک ترکیب خطی از تعهدات افراد در قبال سازمان تبیین می‌شود.

ضریب نشان می دهد که به ازای هر واحد تغییر در احساس تعهد سازمانی ۰/۷۰ واحد رضایت شغلی افراد بیشتر می‌شود.

آزمون فرضیه ۳

هر چه احساس عدالت توزیعی در سازمان بیشتر رضایت افراد از شغلشان بیشتر

مقدار آمارf و درجه معناداری آن نشان می دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. علامت ضریب رگرسیونی b رابطه مستقیم علامت تو زیعی در سازمان و رضایت شغلی را نشان می دهد. سطح معناداری نشان که فرض صفر رد شد و فرض وجود رابطه معنادار بین دو متغیر از آزمون رد عبور کرد.

ورود متغیر مستقل به معادله رگرسیون ضریبR را به ۰/۲۰ رسانده است که نشان از سهم این متغیر در تبیین تغییرات رضایت شغلی است. یعنی بیش از ۰/۲۰ از تغییرات رضایت شغلی توسط یک ترکیب خطی از عدالت توزیعی در سازمان تبیین می‌شود.

ضریب نشان می دهد که به ازای هر واحد تغییر در عدالت توزیعی در سازمان ۰/۴۴ واحد رضایت شغلی افراد بیشتر می‌شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

آزمون فرضیه ۴:

نتایج رگرسیون با توجه به آماره f و درجه معناداری آن نشان می دهد که رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. علامت ضریب رگرسیون b حاکی از رابطه مستقیم مدیریت مشارکت و رضایت شغلی است. سطح معناداری یاد شده نشان می دهد که فرض صفر رد شد و فرض وجود رابطه معنادار بین دو متغیر مستقل و تابع ذکر شده از آزمون رد عبور کرد.

با ورود متغیر مستقل به معادله رگرسیون افزایش ضریب R را به میزان ۰/۳۴ بدنبال داشته که سهم این متغیر را در تبیین تغییرات رضایت شغلی نشان می دهد.

ضریب نشان می دهد که به ازای هر واحد تغییر مثبت در احساس وجود مدیریت مشارکتی نزد افراد ۰/۵۹ واحد رضایت شغلی آنان بیشتر خواهد شد.

آزمون فرضیه۵:

ارتباط میان رضایت شغلی و بیگانگی نسبت به کار منفی و معکوس است.

نتایج رگرسیون با توجه به مقدار آماره f و درجه معناداری آن نشان میدهد که رابطه معناداری بین دو متغیر

فهرست منابع و مآخذ

[1]. Tactical Communication CATIONS For The Digitalized Battlefield Michacl J. Rayam، Michacl R. Frater May 2002

[2]. Synthetic Force In The Air Force Command and Control Distributed
Mission Training Environment، Current and Future
Richard A. Breitbach Major IA ANG 1998

[3]. Rerification Technology Potential With Different Modeling and Simulation Development and Implemention Paradigms

[۴] Garth R. Mackenizie، G. Godon Schulmeyer 2003

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[5] Recent Advances in Computing and Software Systems (RACSS)، 2012 International Conference on Date of Conference: 25-27 April 2012 IEEE

[6] Software Engineering and Service Science (ICSESS)، 2013 4th IEEE International Conference on Date of Conference: 23-25 May 2013

[7] Wireless Communications Networking and Mobile Computing (WiCOM)، 2010 6th International Conference on Date of Conference: 23-25 Sept. 2010

[8]. مبانی شبکه های عصبی (هوش محاسباتی). دکتر محمد باقر منهاج، انتشارات دانشگاه امیر کبیر ۱۳۸۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]